

احكام مكاسب

پيرامون احكام «كسب و تجارت»

مطابق با فتاوى

حضرت آية الله العظمى حاج شيخ حسين وحيد خراساني مد ظله العالی

شناسنامه کتاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۱۵	پیشگفتار
۲۱	آداب تجارت
۲۱.....	مستحبات خرید و فروش.....
۲۲.....	کارهای مکروه در خرید و فروش.....
۲۳.....	معاملات مکروه.....
۲۵	خرید و فروش
۲۶.....	اقسام خرید و فروش.....
۴۸.....	معنای اکراه در معامله.....
۴۹.....	شرایط جنس و عوض آن.....
۵۰.....	تعیین مقدار مال.....
۵۰.....	معامله‌ی باطل.....
۵۱.....	خرید و فروش مال وقفی.....
۵۱.....	خرید و فروش ملک اجاره داده شده.....
۵۲.....	قیمت شناور.....
۵۲.....	صیغه‌ی خرید و فروش.....

انواع خرید و فروش.....	۵۳
یک- نقد.....	۵۳
دو- نسیه.....	۵۳
معامله‌ی نقد و اقساط.....	۵۴
نقد کردن پول.....	۵۶
مهلت دادن و گرفتن پول بیشتر.....	۵۷
ندادن پول.....	۵۷
فروش جنس نسیه‌ای.....	۵۸
سه- سلف.....	۵۹
شرایط معامله‌ی سلف.....	۶۰
فروش مالی که به سلف خریده.....	۶۱
ندادن جنس پیش فروش شده.....	۶۱
ندادن تمام مبلغ.....	۶۱
چهار- کالی به کالی.....	۶۲
تحویل دادن جنس و پول.....	۶۳
نحوه‌ی تحویل اموال.....	۶۴
از بین رفتن مال.....	۶۴
حکم فروش مال قبل از تحویل گرفتن.....	۶۵
توابع مال فروخته شده.....	۶۷
خرید و فروش میوه‌ها.....	۶۹

۷۴	خرید و فروش حیوان
۷۴	خرید و فروش طلا و نقره
۷۵	تحويل دادن و تحويل گرفتن طلا
۷۵	تعويض طلا
۷۶	طلای مردانه
۷۷	خرید طلا به صورت سلف
۷۷	فروش طلا قبل از تحويل گرفتن آن
۷۸	تعويض طلای نساخته با طلای ساخته
۷۹	غش در طلافروشی
۷۹	اجاره‌ی طلا
۸۰	اختيارات معامله (مواردی که می‌توان معامله را بهم زد)
۸۶	احکام شرط
۸۷	شرایط شرط
۸۸	شرط فاسد
۸۹	عمل نکردن به شرط
۸۹	اقاله
۹۰	مسائل متفرقه‌ی خرید و فروش

۹۵

ربا

۹۶	اقسام ربا
۱۰۴	فرق ربا در قرض و بیع

شفعه

۱۰۷

حق شفعه..... ۱۰۷

شرایط شفعه..... ۱۰۸

اجاره

۱۱۱

شرایط طرفین در اجاره‌ی اموال..... ۱۱۱

اجاره‌ی مال یا خود بچه‌ی صغیر..... ۱۱۲

شرایط مال اجاره داده شده..... ۱۱۲

شرایط استفاده‌ی مال اجاره داده شده..... ۱۱۴

مبلغ اجاره..... ۱۱۶

اجاره، عقد لازم یا جایز..... ۱۱۷

مرگ موجر یا مستأجر..... ۱۱۷

استفاده نکردن از مورد اجاره..... ۱۱۷

تلف یا خسارت مال..... ۱۱۸

اجاره دادن ملک به دیگری..... ۱۱۹

واگذار کردن عمل به دیگری..... ۱۲۰

فروش ملک اجاره داده شده..... ۱۲۰

اجاره به شرط قرض..... ۱۲۱

حد استفاده از مورد اجاره..... ۱۲۲

خراب شدن مورد اجاره..... ۱۲۳

مضاربه**۱۲۵**

- تعریف مضاربه..... ۱۲۵
- شرایط مضاربه..... ۱۲۵
- وظایف عامل..... ۱۲۷
- شرط در ضمن مضاربه..... ۱۲۹
- خسارت در مضاربه..... ۱۳۰
- روش محاسبه‌ی خسارت و سود..... ۱۳۰
- شرط جبران خسارت..... ۱۳۱
- مضاربه، عقد جایز یا لازم؟..... ۱۳۲
- فوت مالک یا عامل..... ۱۳۲
- تعدد مالک و عامل..... ۱۳۳
- کار نکردن عامل..... ۱۳۳
- مشخص نکردن سود..... ۱۳۴
- مصالحه بر تقسیم سود..... ۱۳۴

شرکت**۱۳۵**

- اقسام شرکت..... ۱۳۵
- عقد شرکت..... ۱۳۶
- شرکت در کار..... ۱۳۶
- حق استفاده از مال مشترک..... ۱۳۷
- تقسیم سود..... ۱۳۷

شرکت، عقد لازم یا جایز؟..... ۱۳۸

شرط به هم نزدن شرکت..... ۱۳۸

۱۳۹

قرض

قرض دادن از منظر قرآن و روایات..... ۱۳۹

اقسام قرض..... ۱۴۰

پس دادن قرض..... ۱۴۰

کسب و تجارت برای پرداخت بدهی..... ۱۴۱

پیدا نشدن طلبکار..... ۱۴۱

فوت کردن طلبکار..... ۱۴۲

فوت کردن بدهکار..... ۱۴۲

کم شدن ارزش طلب..... ۱۴۲

پس دادن جنس دیگر..... ۱۴۲

۱۴۵

جعاله

فرق جعاله با اجاره..... ۱۴۵

عمل مورد جعاله..... ۱۴۶

به هم زدن جعاله..... ۱۴۶

۱۴۷

صلح

اقسام صلح..... ۱۴۷

شرایط دو طرف مصالحه..... ۱۴۸

۱۴۸	مصالحه با طلبکار.....
۱۴۹	نقد کردن طلب مدت دار.....
۱۴۹	صلح ، عقد لازم یا جایز؟.....
۱۴۹	شرط در ضمن مصالحه.....

وکالت**۱۵۱**

۱۵۱	صیغه ی وکالت.....
۱۵۲	وکالت باطل.....
۱۵۲	به هم زدن وکالت.....
۱۵۳	وکیل گرفتن وکیل.....
۱۵۳	حق العمل وکیل.....

هبه (بخشش)**۱۵۵**

۱۵۵	قبض هبه.....
۱۵۶	تحويل دادن و تحويل گرفتن هبه.....
۱۵۷	بخشش به شخص نابالغ یا دیوانه.....
۱۵۷	شرایط هبه کنندم.....
۱۵۸	پس گرفتن هبه.....
۱۶۰	دو نکته.....

ضمان**۱۶۱**

۱۶۱	ضمانت باطل.....
-----	-----------------

- ۱۶۲..... ضمانت قبل از بدهی
- ۱۶۲..... ضمانت، عقدی لازم یا جایز؟
- ۱۶۲..... فقیر شدن ضامن
- ۱۶۳..... طلب ضامن از شخص ضمانت شده

مسائل بانکی

۱۶۵

- ۱۶۶..... یک - افتتاح حساب
- ۱۶۶..... دو - سود بانکی
- ۱۶۷..... سه - اوراق مشارکت
- ۱۶۸..... چهار - جوایز بانکی
- ۱۶۹..... پنج - وام‌ها و تسهیلات بانکی
- ۱۷۰..... شش - کار کردن در بانک
- ۱۷۱..... هفت - جریمه‌ی دیرکرد
- ۱۷۱..... هشت - نقد کردن چک مدت‌دار
- ۱۷۲..... نه - خرید و فروش پول
- ۱۷۲..... ده - راهکارهایی برای رهایی از ربا

مسائل متفرقه

۱۷۵

- ۱۷۵..... فیلم‌های سانسور نشده
- ۱۷۶..... فروش بلندگو
- ۱۷۶..... خرید و فروش چک

مانکن انسان.....	۱۷۸
مجسمه سازی.....	۱۷۸
اجاره.....	۱۷۹
صیغه‌ی اجاره.....	۱۷۹
لازم بودن اجاره.....	۱۸۰
حکم اجاره بعد از مرگ.....	۱۸۰
تلف شدن مورد اجاره.....	۱۸۱
معلوم نکردن مورد اجاره.....	۱۸۲
معلوم نکردن مدت اجاره.....	۱۸۲
ضمانت ملک یا مال مورد اجاره.....	۱۸۳
اجاره و امور دینی.....	۱۸۳
آموزش موسیقی.....	۱۸۴
پول در مقابل عمل حرام.....	۱۸۵
حکم دستمزد کاشت ناخن.....	۱۸۵
اجرت ریش تراشی.....	۱۸۶
اجیر کردن بچه‌ی صغیر.....	۱۸۶
ولی صغیر در معامله.....	۱۸۷
رفتن به خانه‌ی یتیم.....	۱۸۸
کپی رایت.....	۱۸۸
بازاریابی شبکه‌ای.....	۱۹۰

- تأخیر ثمن..... ۱۹۰
- ربا..... ۱۹۱
- صرف وام در غیر موردش..... ۱۹۲
- جریمه‌ی دیرکرد..... ۱۹۳
- صندوق‌های خانگی..... ۱۹۳
- قیمت شناور..... ۱۹۵
- شرط سود دیرکرد..... ۱۹۵
- شرط جبران تورم..... ۱۹۶
- عمل کردن خلاف شرط..... ۱۹۷
- شراکت..... ۱۹۸
- تعیین سود مضاربه..... ۱۹۹
- مخلوط کردن مال مضاربه..... ۱۹۹
- قبول نکردن هدیه..... ۲۰۰
- پس گرفتن هدیه..... ۲۰۰
- شبابش گرفتن..... ۲۰۱
- هدیه‌ی مشروط..... ۲۰۱
- وکالت به همسر..... ۲۰۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ،
سَيِّمَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ، وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

پیش‌گفتار

کتابی که پیش رو دارید پیرامون احکام کسب و تجارت است؛ که به صورت متن همراه با پرسش و پاسخ و مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ حسین وحید خراسانی مدظله‌العالی تنظیم شده است.

لازم به ذکر است که برای سهولت در فراگیری و فهم بهتر مسائل، توضیحاتی در خلال مطالب و نیز در پاورقی آمده است که توسط بعضی از فضلاء دفتر معظم‌له انجام شده است.

در این کتاب، به موضوعاتی از قبیل اهمیت یادگیری احکام تجارت، آداب و احکام کسب و تجارت، انواع کسب و تجارت، و نیز مسائلی پیرامون خرید و فروش، ربا، شفعه، اجاره، مضاربه، شرکت، جعاله، وکالت و ... پرداخته شده است.

این کتاب در مجموع از یک مقدمه و پانزده بخش تشکیل شده است. قبل از ورود به مبحث اصلی، ذکر سه نکته به عنوان مقدمه‌ی بحث لازم و ضروری است:

اول – اهمیت یادگیری احکام کسب و تجارت

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ﴾^۱.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ اموال یکدیگر را به ناحق مخورید؛ مگر آن‌که تجارتی از روی رضایت بین شما باشد.

اگر انسان بخواهد به این آیه‌ی شریفه عمل نماید، باید از احکام شرعی کسب و تجارت و معاملات مطلع باشد تا دچار خوردن مال دیگران به ناحق نشود.

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

کسی که می‌خواهد تجارت کند باید به [احکام] دین خود آشنا باشد تا بداند چه چیزی برای او حلال و چه چیزی حرام است. و کسی که بدون آشنایی به دین تجارت کند دچار معاملات شبهه‌ناک می‌شود.^۲

۱. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۲۹.

۲. الکافی: ۱۵۵/۵ ح ۲۳.

بنابراین، شخص کاسب در مرحله‌ی اول سزاوار است احکام خرید و فروش را یاد بگیرد؛ بلکه در مواردی که [به طور تفصیلی یا اجمالی] یقین یا اطمینان دارد که در اثر ندانستن مسأله به ترک واجبی یا ارتکاب حرامی مبتلا می‌شود، یاد گرفتن [مسائلی که مورد ابتلای اوست] لازم و ضروری است. و چنانچه کسی به واسطه‌ی ندانستن حکم مسأله، نداند معامله‌ای که انجام داده صحیح است یا باطل، نمی‌تواند بر آن معامله ترتیب اثر داده و در مالی که از آن معامله به دست آورده تصرف نماید.

با توجه به آثار سوء و هلاک‌کننده‌ی مال حرام، انسان باید شکم خود را از حرام بازداشته و قلب خود را پاک نماید تا برای پذیرفتن مطالب حق آماده باشد. و راه دوری کردن از مال حرام هم یادگیری احکام شرعی کسب و تجارت و عمل نمودن به آنهاست.

دوم - تعبد در دین

«تعبد در دین» یعنی قبول کردن و تسلیم شدن در مقابل دستورات خداوند بدون این‌که انسان از حکمت‌ها و علت‌های آن آگاه باشد. بنابراین، اگر برای انسان ثابت شد که دستوری از جانب خداوند متعال آمده است بایستی بدون چون و چرا و سؤال از علت تشریع و حکمت آن قبول نماید.

سؤالی که ممکن است در این‌جا مطرح شود این است که: چرا باید انسان که خود عقل و درک و فهم دارد بدون چون و چرا احکام الهی را بپذیرد؟ جواب این سؤال با ملاحظه‌ی مطالب زیر روشن می‌شود:

انسان با توجه به اصول و فروع دین و تفکر در عبادات و معاملات

و تأمل در دستورات دین در مورد مدیریت خود و خانه و شهر و تدبیر در آدابی که شارع مقدس فرموده است به خوبی متوجه می‌شود که این امور ناشی از حکمت بالغه‌ی خداوند متعال است چرا که تنها اوست که بر همه‌ی جهان احاطه دارد و به نیازهای انسان و راه‌های برطرف شدن آن‌ها عالم و آگاه است. و به خاطر این که دانش و قدرت انسان محدود است نمی‌تواند این امور و حکمت‌های آن‌ها را درک نماید. بنابراین، ندانستن حکمت احکام الهی دلیل بر نبودن آن‌ها نیست.

برای روشن شدن مطلب به این مثال توجه کنید:

زندگی انسان در این دنیا نسبت به جهان آخرت مانند زندگی جنین در رحم مادر است. وقتی خداوند به جنین در رحم اعضای بدن را عنایت می‌کند هرچند جنین دارای عقل و شعور باشد ولی کاربرد و نتیجه‌ی استفاده از آن‌ها را درک نمی‌کند. او هرگز نمی‌تواند بفهمد که حکمت تشکیلات اسرارآمیز مغز چیست یا دستگاه بینایی، شنوایی و تنفس برای چیست. اما وقتی به دنیا آمد حکمت آن‌ها به تدریج برایش ظاهر و روشن می‌شود.

همچنین، جنین جان انسان در رحم مادر طبیعت به وسیله‌ی تعلیم و تربیت وحی الهی بایستی به قوا و اعضای مجهز شود که ابزار حیات ابدی اوست؛ و حکمت کلی آن دستورات و احکام بعد از قدم گذاشتن به عالم آخرت روشن می‌شود.

بنابراین، تعبد در احکام دین از ضروریات خلقت انسان است؛ بلکه از ضروریات کمال انسانی است. از این رو، اطاعت خداوند به قصد قربت، با چشم پوشیدن از مصلحت و مفسده و نفع و ضرر، مقام مقربین آن درگاه است.

سوم - لزوم تقلید از علمای دین

همان‌طور که قبلاً بیان شد راه دوری کردن از حرام و انجام واجبات یادگیری احکام شرعی و عمل نمودن به آن‌ها است. اکنون این سؤال مطرح است که انسان چگونه احکام شرعی را یاد بگیرد؟ جواب این سؤال با بیان این مطلب روشن می‌شود:

بدیهی است که انسان باید برای حفظ زندگی و سلامت خود از اموری که برایش ضرر و زیان دارد دوری نموده و از اموری که نیازهای او را برطرف نموده و برای درمان جسم و جان او مفید است استفاده نماید؛ و برای این‌که به این مطلب دست پیدا کند بایستی امور مفید و مضر را تشخیص دهد.

برای شناخت امور مفید و مضر، انسان باید یا خودش اهل تشخیص بوده و در این امور کارشناس باشد و یا این‌که به اشخاص مورد اعتمادی که از این امور اطلاع کامل دارند مراجعه نموده و به دستورات آن‌ها عمل نماید.

این قاعده‌ی کلی در تمام مراحل زندگی انسان جاری است. یعنی مراجعه به متخصص و اهل اطلاع روشی است که همه‌ی انسان‌ها در زندگی روزمره‌ی خود به آن عمل می‌کنند.

بنابراین، کسی که مؤمن است و ایمان دارد و می‌داند که خداوند متعال برای او وظایف و تکالیفی معین نموده است برای عمل کردن به آن دستورات در مرحله اول باید آن‌ها را یاد بگیرد؛ و برای یادگیری آن‌ها باید یکی از این سه راه را انتخاب نماید:

یک) یا خود انسان علوم دینی را فراگرفته و مجتهد و متخصص

مسائل دینی شود.

دو) یا به مجتهد مراجعه نموده و از دستورات او پیروی نماید.

سه) و یا این که به احتیاط عمل نماید.

بنابراین، اگر انسان خودش مجتهد نباشد و نیز نخواهد به احتیاط عمل نماید، در این صورت، تنها راه فراگیری و یادگیری احکام دین پیروی کردن از دستورات متخصصان مسائل دینی است؛ که همان مراجع تقلید جامع الشرائط هستند. و اگر نظر متخصصان مسائل دینی در احکام دین متفاوت و مختلف باشد باید از اعلم آنها (یعنی داناترین آنها) پیروی نماید.

آداب تجارت

بخش اول کتاب پیرامون آداب تجارت است. در کسب و تجارت و خرید و فروش، همانند سایر مسائل دین، مستحبات و مکروهاتی وجود دارد که انسان بهتر است آنها را رعایت نماید. و در انجام مستحبات و ترک مکروهاتی که در این کتاب ذکر شده قصد رجاء شود.

مستحبات خرید و فروش

در خرید و فروش، مستحب است انسان اموری را رعایت کند؛ که عبارتند از:



یک. بین مشتری‌ها در قیمت
جنس فرق نگذارد؛ مگر به لحاظ
علم، تقوا، فقر، و مانند این‌ها.

دو. در قیمت جنس سخت‌گیری نکند؛ مگر در موردی که اگر سخت‌گیری نکند مغبون شده و ضرر می‌کند.

سه. آن چیزی را که می‌فروشد بیشتر بدهد؛ و آنچه را که می‌خرد کمتر بگیرد. به عنوان مثال، اگر مشتری پنج کیلو برنج خواست، فروشنده در هنگام وزن کردن آن، پنج کیلو و صد گرم وزن کند؛ و اگر خود مشتری خواست پنج کیلو برنج را وزن کند چهار کیلو و نهصد گرم وزن کند.

چهار. کسی که با او معامله نموده، اگر پشیمان شده و از او تقاضای به هم زدن معامله را نمود، درخواست او را بپذیرد.

کارهای مکروه در خرید و فروش

در خرید و فروش، اموری مکروه است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

یک. تعریف و مدح کردن فروشنده از جنس خود.

دو. بدگویی کردن مشتری از جنس.

سه. پوشاندن عیب جنس در معامله. البته در صورتی که «غش در معامله» حساب نشود؛ ولی اگر غش حساب شود، در این صورت، حرام است.

چهار. قسم خوردن برای معامله. البته اگر قسم راست باشد؛ وگرنه قسم دروغ حرام است.

پنج. سود گرفتن از مؤمن بیشتر از مقدار نیاز، و از کسی که به او وعده‌ی احسان داده است.

شش. وارد شدن به بازار قبل از همه.

نکته: کسی که مال ندارد و مخارجی بر او واجب است - مانند خرج زن و بچه - باید کسب و تجارت نماید؛ و برای کارهای مستحبی، مانند وسعت دادن به زن و بچه و دستگیری از فقرا، کسب کردن مستحب است.

معاملات مکروه

بعضی از معاملات در شرع مقدس مکروه است که انسان آن‌ها را انجام دهد. این موارد عبارتند از:



یک. ملک‌فروشی. مانند: زمین، خانه، باغ و آب؛ مگر این که ملک دیگری با پول آن بخرد.

دو. قصابی.

سه. کفن‌فروشی.



چهار. معامله کردن با مردمان پست.

پنج. معامله‌ی طلا و نقره به طلا و نقره. ولی معامله‌ی طلا به پول و پول به طلا و همچنین نقره به پول و پول به نقره اشکالی ندارد.



شش. معامله کردن بین اذان صبح و اول آفتاب.

هفت. معامله کردن در جای تاریک به طوری که عیب جنس، مخفی و پنهان باشد.

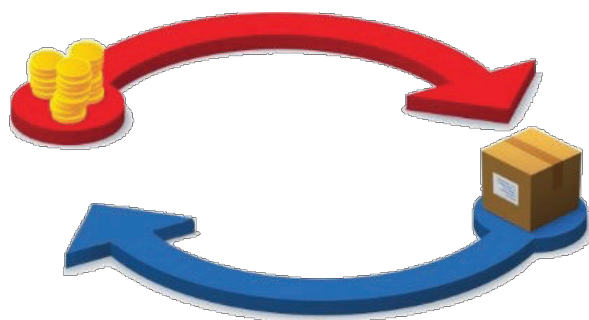




این بخش از کتاب پیرامون مسائل خرید و فروش است؛ که در آن، اقسام خرید و فروش و احکام مربوط به آن مطرح می‌شود.

تعریف خرید و فروش

اگر انسان مال خود را به دیگری منتقل کند و او هم برای گرفتن آن مال چیزی به عنوان عوض بدهد، به این عمل «خرید و فروش» می‌گویند.



اقسام خرید و فروش

خرید و فروش چهار قسم است:

یک. معاملاتی که هم حرام (گناه) است و هم باطل. مانند خرید و فروش شراب و مواد مست‌کننده‌ی دیگر و خرید و فروش خوک.



دو. معاملاتی که فقط حرام است ولی باطل نیست. مانند فروختن چیزی که در آن غش باشد، البته به اندازه‌ای که ماهیت جنس مورد نظر تغییر نکرده باشد. مثلاً از یک کیلو روغن حیوانی، پنجاه گرم آن پیه باشد.

سه. معاملاتی که فقط باطل است ولی حرام نیست. مانند خرید و فروش مال غصبی بدون این‌که از مالک آن اجازه گرفته شود.^۱

۱. البته، غصب کردن مال دیگران و تصرفات خارجیه در آن (مانند استفاده کردن از آن، مثلاً اگر خوراکی است آن را بخورد و اگر لباس است آن را بپوشد و اگر خانه است در آن ساکن شود) حرام است؛ ولی فروختن آن فقط باطل است.

در این صورت، فروشنده پولی را که از خریدار گرفته باید به او برگرداند.

چهار. معاملاتی که هم صحیح است و هم مباح (جایز). و آن خرید و فروش‌هایی است که تمام شرایط صحت معامله را دارا باشد.

معاملات حرام و باطل

در این قسمت، بعضی از معاملات - که هم حرام است و هم باطل - را بیان می‌کنیم:

خرید و فروش سگ

۱- خرید و فروش سگ چه حکمی دارد؟



خرید و فروش سگ باطل است؛ و بنابر احتیاط واجب حرام (گناه) می‌باشد؛ و فقط خرید و فروش «سگ شکاری» اشکال ندارد.

خرید و فروش شطرنج

۲- حکم خرید و فروش شطرنج چیست؟



خرید و فروش چیزی که منافع معمولی آن فقط کار حرام باشد باطل و حرام (گناه) است. مانند شطرنج و بقیه‌ی وسایل قمار و وسایل موسیقی (چه وسایل قدیم و چه وسایل جدید).

خرید و فروش پاسور

۳- خرید و فروش پاسور چه



حکمی دارد؟

خرید و فروش پاسور حرام و باطل است.



خرید و فروش خوک

۴- آیامی‌شود



خوک یا گوشت آن را

به کفار و کسانی که

گوشت آن را حلال

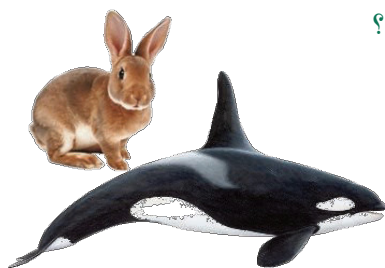
می‌دانند، فروخت؟



خیر؛ خرید و فروش خوک و گوشت آن مطلقاً حرام است؛ چه به کفار و چه به غیر آن‌ها.

خرید و فروش حیوانات حرام گوشت (به صورت زنده)

۵- آیا جایز است انسان حیوان حرام گوشتی را به کسانی که آن‌ها را حلال می‌دانند بفروشد؟ مثلاً ماهی حرام گوشت یا خرگوش را به کفار بفروشد؟



اگر به قصد این که گوشت آن را بخورند بفروشد، جایز نیست؛ ولی اگر به این قصد بفروشد و فقط بدانند که مشتری از گوشت آن استفاده می‌کند، اشکال ندارد.

خرید و فروش صلیب

۶- خرید و فروش و استفاده از گردنبند صلیب یا لباسی که عکس



صلیب روی آن است چه حکمی دارد؟

از آن جا که صلیب شعار و علامت کفر است، خرید و فروش و استفاده از آن در هر قالبی که باشد حرام است. به عنوان مثال، با چوب صلیب درست کنند یا با طلا و نقره صلیب بسازند و یا این که روی لباس یا پارچه‌ای عکس صلیب را بکشند. و در استفاده از آن هم فرقی نمی‌کند که به گردن بیندازند یا به عنوان آویز ماشین از آن استفاده نمایند و یا لباسی را که روی آن عکس صلیب است بپوشند.

خرید و فروش مردار

۷- بر اثر سهل انگاری ذابح، حیوانی - مانند گاو یا گوسفند - حرام شده است. با توجه به این که آن حیوان نجس شده و خوردن گوشت آن حرام است، حکم خرید و فروش لاشه‌ی آن چیست؟ آیا می‌توان پوست آن را برای چرم و گوشت آن را برای خوراک حیوانات فروخت؟

خرید و فروش مردار نجس باطل است و بنا بر احتیاط واجب حرام (گناه) می‌باشد؛ و در این مسأله فرقی نمی‌کند که مشتری چه استفاده‌ای از آن می‌کند و یا فروشنده به چه قصدی آن را می‌فروشد.



۸- با توجه به سؤال قبلی، تکلیف انسان نسبت به مردار آن حیوان چیست؟ آیا باید آن را رها کرد تا از بین برود؟

مردار حیوان را نمی‌توان در قالب معامله‌ای به دیگری واگذار کرد؛ ولی از آن جا که صاحب آن حیوان حق اختصاص نسبت به آن را دارد می‌توان برای واگذاری این حق به دیگری پولی را طلب نموده و از آن دست برداشت.

۹- حکم خرید و فروش مردار پاک چیست؟ مثلاً فروختن ماهی‌ای که در آب مرده باشد.



اگر منفعت عقلایی حلال داشته باشد، خرید و فروش آن اشکال ندارد. به عنوان مثال، با مردار ماهی‌ها، خوراک برای حیوانات یا کود برای درختان تهیه کنند و یا از پوست مار مرده چرم تهیه نمایند.

۱۰- حکم خرید و فروش حیوانات تاکسی‌درمی^۱ چیست؟



اگر از حیواناتی باشد که مردار آن‌ها نجس است - مانند پرندگان و دیگر حیواناتی که خون جهنده دارند - خرید و فروش آن باطل و بنا بر احتیاط واجب حرام (گناه) می‌باشد. ولی صاحب آن می‌تواند برای دست برداشتن از حق اختصاص خود نسبت به آن حیوان پولی بگیرد و آن را واگذار نماید. و اگر آن مردار از حیواناتی باشد که مردار آن‌ها پاک

۱. حیوانات تاکسی‌درمی به حیواناتی گفته می‌شود که آن‌ها را بعد از صید می‌کشند و بدن آن‌ها را خالی نموده و داخل آن را با کاه یا پنبه و مانند این‌ها پر می‌کنند.



است (مانند
مار و ماهی)
خرید و فروش
آن، چنانچه
منفعت عقلایی
حلالی داشته
باشد (از قبیل
تزئین یا بردن

در نمایشگاه و مانند این امور) اشکال ندارد.

خرید و فروش پوست روباه

۱۱- خرید و فروش پوست روباه و مانند آن و یا محصولاتی که
با آن درست شده - مانند لباس، کیف و ... - چه حکمی
دارد؟



اگر روباه و مانند آن را به غیر دستوری که در شرع مقدس معین
شده کشته باشند یا خودش مرده باشد، خرید و فروش پوست
آن باطل و بنا بر احتیاط حرام است.

خرید و فروش آلات موسیقی

۱۲- شخصی موسیقی را پنج سال پیش آموزش می‌دید و سه‌تار می‌نواخت. الان هم در منزلش سه‌تار دارد و از حرام بودن موسیقی تقریباً مطمئن بود و اجمالاً می‌دانست که وجود ساز در منزل مسأله دارد. آیا می‌تواند آن را بفروشد؟ و آیا پولی را که از فروش آن به دست می‌آورد حرام است؟



خرید و فروش آلات لهو مثل تار و ساز حرام و باطل است؛ و انسان پولی را که از آن به دست می‌آورد مالک نمی‌شود. بنابراین، تصرف در آن پول بدون رضایت صاحب پول حرام است. و بنا بر احتیاط واجب باید سه‌تار از بین برده شود؛ مثلاً شکسته یا سوزانده شود.



۱۳- خرید و فروش سازهای کوچک که برای بازی بچه‌هاست چه حکمی دارد؟ بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.



۱۴- حکم خرید و فروش سازهای موسیقی سنتی و همچنین نواختن آن برای استفاده‌ی شخصی چیست؟ البته، در صورتی که مورد استفاده در مجالس لهو و لعب نباشد.

خرید و فروش آن حرام و باطل است؛ و همچنین نواختن آن - اگرچه برای استفاده‌ی شخصی باشد - حرام و از گناهان کبیره می‌باشد؛ اگرچه مورد استفاده در مجلس لهو و لعب نباشد. و آلات موسیقی، حتی سنتی، از آلات مختصه‌ی به لهو است و اشتغال به آن، اشتغال به ملامه‌ی است.

خرید و فروش فیلم



۱۵- خرید و فروش فیلم‌های سانسور نشده چه حکمی دارد؟

در صورتی که آن فیلم‌ها شهوت‌انگیز باشد یا باعث ترویج فحشا و منکرات یا فساد و کفر شود حرام است.

خرید و فروش مجسمه



۱۶- خرید و فروش، ساخت،

آموزش و نگهداری مجسمه

چه حکمی دارد؟

خرید و فروش آن جایز است؛

اگرچه احوط ترک آن است.

ساختن مجسمه‌ی جاندار - انسان



و حیوان - حرام است. گرفتن اجرت برای ساخت و آموزش آن
حرام است. نگهداری آن جایز است؛ اگرچه ترک آن بهتر است.

خرید و فروش عروسک

۱۷ - حکم خرید و فروش عروسک - چه عروسک انسان و چه
عروسک حیوان - و ساخت و نگهداری آن چیست؟



خرید و فروش و نگهداری عروسک جایز است؛ اگرچه احتیاط
مستحب این است که ترک شود. ولی ساخت آن حرام است.

خرید و فروش خون



۱۸ - حکم خرید و فروش خون
چیست؟ آیا جایز است انسان
- مثلاً - یک واحد از خون
بدنش را به دیگران بفروشد؟
اهدای خون به بیمارانی که احتیاج

به تزریق خون دارند جایز است؛ و گرفتن مبلغی در مقابل دادن خون مانعی ندارد؛ و در هر صورت باید خون دادن به صاحب آن ضرر جانی نداشته باشد. و همچنین خرید و فروش آن برای تزریق به دیگران صحیح و حلال است. ولی احتیاط مستحب ترک آن است.

خرید و فروش چیزی که نجس شده

۱۹- اگر چیزی نجس شده باشد، آیا لازم است فروشنده به



مشتری، در حین خرید و فروش، اطلاع دهد؟

فروختن چیز پاکی که نجس شده و آب کشیدن آن ممکن است، اشکال ندارد؛ ولی اگر مشتری آن را برای صرف در مانند خوردن و آشامیدن بخواهد، باید نجس بودن آن را به او اطلاع دهد. به عنوان مثال، اگر لیوان آب یا ظرف غذا یا گوشت و برنج و... نجس شده باشد، باید نجس بودن آن را به مشتری بگوید. و همچنین، اگر مشتری بخواهد آن را در موردی استفاده کند که طهارت واقعی برای صحیح بودن آن شرط است. مانند آن که آب یا ظرف آب را برای وضو گرفتن یا غسل نمودن بخواهد.

و اگر چیز پاکی که آب کشیدن آن ممکن نیست نجس شود (مانند: آب میوه، نفت، بنزین و...)، در صورتی که منفعت عقلایی حلالی - غیر از خوردن - داشته باشد خرید و فروش آن مانعی ندارد. مثلاً بنزین یا نفت را برای سوخت استفاده نماید.

ولی اگر مشتری آن را برای مانند خوردن و آشامیدن بخواهد یا نجاست آن موجب شود که عمل مشروط به طهارت او باطل شود، به عنوان مثال، بخواهد نفت نجس را بسوزاند، ولی این باعث نجاست خوراک او شود یا بدن او نجس شود که در نتیجه وضو یا غسلش باطل گردد، در این صورت واجب است فروشنده نجاست آن را به مشتری اطلاع دهد. و اگر غیر از خوردن و آشامیدن، منفعت عقلایی حلالی نداشته باشد، خرید و فروش آن باطل است. به عنوان مثال، آب میوه و مانند آن.

فروش مال به کسی که آن را در حرام مصرف می‌کند

۲۰- اگر فروشنده بداند که خریدار جنس را در راه حرام

استفاده می‌کند، وظیفه‌ی او چیست؟ آیا می‌تواند

آن را بفروشد؟

اگر چیزی را که می‌شود استفاده حلال از آن ببرند به کسی که در حرام مصرف می‌کند به این قصد بفروشد که آن را در حرام مصرف کند، معامله‌ی آن حرام و باطل است. به عنوان مثال، انگور را به این قصد بفروشد که از آن شراب تهیه نمایند. ولی اگر به این قصد بفروشد و فقط بداند که مشتری از انگور شراب تهیه خواهد کرد، در این صورت، معامله اشکال ندارد.^۱

۱. البته، اگر می‌داند که مشتری قصد دارد از انگور شراب تهیه کند و می‌داند که اگر انگور را به او بفروشد دیگر موفق به خرید انگور برای درست کردن شراب نمی‌شود، از باب جلوگیری کردن از این گناه، نباید انگور را به او بفروشد.



خرید و فروش نقاشی

۲۱- حکم کشیدن

نقاشی و خرید و

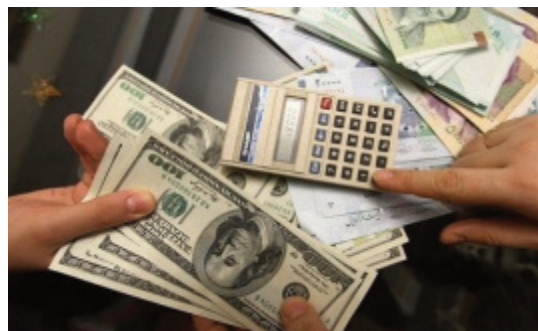
فروش و نگهداری

آن چیست؟

کشیدن نقاشی جان دار - چه انسان و چه حیوان - بنا بر احتیاط واجب حرام است؛ ولی خرید و فروش و نگهداری آن جایز است؛ اگرچه بهتر آن است که این کار ترک شود.

خرید و فروش اسکناس (پول)

۲۲- آیا خرید و فروش پول جایز است؟



خرید و فروش پول در صورتی که از یک جنس نباشد - مثلاً دلار را به تومان بفروشند یا بر عکس - اشکال ندارد. ولی اگر از یک جنس باشد، خرید و فروش آن به مقدار کمتر یا بیشتر بنا بر احتیاط واجب جایز نمی باشد. مثلاً یک بسته‌ی صدتایی اسکناس هزار تومانی را به صد و ده هزار تومان بفروشند.

معاملات فقط حرام

در این قسمت، به بیان یک مورد از معاملاتی که فقط حرام هستند می‌پردازیم؛ یعنی معاملاتی که باطل نیست ولی حرام است:

غش در معامله

۲۳- منظور از غَش در معامله چیست و چه حکمی دارد؟



غش مسلمانان از گناهان کبیره است. رسول خدا ﷺ در این زمینه می‌فرمایند:

مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا فِي شِرَاءٍ أَوْ بَيْعٍ فَلَيْسَ مِنَّا.^۱

هرکس در فروش یا خرید با مسلمان غش نماید از ما نیست.

و نیز از آن حضرت نقل شده است که فرمودند:

مَنْ غَشَّ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، نَزَعَ اللَّهُ بَرَكَهَ رِزْقِهِ وَ أَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ وَ وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ.^۲

هر کس با برادر مسلمان خود غش کند، خداوند برکت را از روزی او می‌برد و معیشت او را بر او فاسد می‌کند و او را به خودش واگذار می‌نماید.

۱. الفقیه : ۱۴/۴.

۲. وسائل الشیعة : ۱۸۴/۱۷.

غش اقسام و حالت‌های مختلفی دارد که با بیان آن‌ها معنای غش نیز روشن می‌شود:

یک. جنس بد را با جنس خوب مخلوط نموده و به عنوان جنس خوب بفروشند. به عنوان نمونه، برنج بد را با برنج خوب مخلوط کنند و به عنوان برنج خوب بفروشند.



دو. چیز دیگری را با جنس مورد نظر مخلوط نموده و به



عنوان جنس خالص بفروشند. به عنوان مثال، مقداری آب در شیر بریزند و بفروشند. و یا روغن را با پیه مخلوط نموده و بفروشند.

این قسم دو صورت دارد:

صورت اول: مورد معامله

عین شخصی^۱ باشد که این

۱. عین شخصی یعنی چیزی که نزد او موجود است و به آن اشاره می‌کند و مثلاً می‌گوید: «این یک کیلو روغن را به تو می‌فروشم».

صورت نیز دو حالت دارد:

حالت اول: مقدار پیه مخلوط شده به اندازه‌ای است که عرفاً می‌گویند این یک کیلو روغن است ولی غش دارد (یعنی خالص نیست). به عنوان مثال، از یک کیلو روغن، پنجاه گرم آن پیه باشد. در این حالت، گناه کرده ولی معامله صحیح است و پولی که فروشنده از خریدار گرفته حلال است. در این حالت، خریدار حق دارد معامله را به هم بزند. یعنی روغن را پس داده و پول خود را بگیرد.

حالت دوم: مقدار پیه مخلوط شده به اندازه‌ای است که عرفاً نمی‌گویند این یک کیلو روغن است بلکه می‌گویند روغن و پیه است. برای نمونه، از یک کیلو روغن، نیم کیلوی آن پیه باشد. در این حالت، معامله به مقدار پیه که در آن است باطل است و پولی که فروشنده برای پیه آن گرفته مال مشتری است و پیه مال فروشنده است. مشتری نیز می‌تواند معاملاتی روغن خالصی را هم که در آن است فسخ کند.

صورت دوم: مورد معامله عین شخصی نباشد؛ بلکه یک کیلو روغن را در ذمه بفروشد^۱ و بعد روغنی را که

۱. یعنی فروشنده یک کیلو روغن را بر عهده بگیرد و آنچه بر عهده گرفته را بفروشد. در این صورت، ممکن است در وقت معامله اصلاً روغنی موجود نباشد؛ یا اگر موجود است به روغنی که وجود دارد اشاره نمی‌کند و نمی‌گوید که مثلاً این یک کیلو روغن را به تو می‌فروشم.

پیه دارد بدهد. در این صورت، مشتری می‌تواند آن روغن را پس داده و روغن خالص را مطالبه نماید.

سه. حالت دیگر از غش این است که جنس دیگری را به



عنوان جنس مورد نظر بفروشد. به عنوان مثال، روی مس یا آهن را آب طلا داده و به عنوان طلا بفروشند که در این صورت، خرید و فروش حرام و باطل است.

چهار. مشتری را از عیبی که در جنس است مطلع نکند.

بنابراین، اگر فروشنده اعتماد مشتری را جلب کند به نحوی که مشتری خیال کند اگر جنس معیوب باشد خود فروشنده به او اطلاع می‌دهد و به همین خاطر خریدار دقت نمی‌کند و بدون مشاهده‌ی جنس آن را می‌خرد، در این صورت، عدم اعلام عیب جنس غش است و حرام. ولی اگر این‌گونه نباشد، عدم اعلام عیب مکروه است که در آداب تجارت بیان شد.

پنج. حالت دیگر از غش این است که کاری کنند که جنس

مورد نظر تازه و نو دیده شود و آن را به عنوان جنس تازه و نو بفروشند. به عنوان نمونه، طلای کارکرده را حرارت داده و تمیز نمایند و به عنوان طلای نو بفروشند؛ و یا روی میوه و سبزی آب بپاشند که تازه دیده شود.

بنا بر آنچه بیان شد، غش حرام است ولی معامله را باطل نمی‌کند؛ بلکه طرف معامله حق بر هم زدن معامله را دارد، مگر در مواردی که غش باعث متفاوت شدن جنس مورد معامله بشود که در این صورت، علاوه بر حرمت، معامله هم باطل است.

نکته: تمام این موارد وقتی غش حساب می‌شود که خریدار نداند که جنس مورد نظر غش دارد.

شرایط خریدار و فروشنده

۲۴ - خریدار و فروشنده چه شرایطی باید داشته باشند؟



شرایطی که خریدار و فروشنده باید داشته باشند عبارتند از:

یک. بالغ باشند.

دو. عاقل باشند.

سه. سفیه نباشند. یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند.

چهار. قصد خرید و فروش داشته باشند. بنابراین، اگر

فروشنده، به عنوان مثال، به شوخی بگوید: «مال خودم را

فروختم»، معامله‌ای محقق نمی‌شود و در حقیقت، قصد

خرید و فروش مَقُوم^۱ معامله است نه این که شرط صحت

۱. یعنی تا قصد خرید و فروش نباشد، معامله‌ای به وجود نیامده است. نه این که بدون قصد، معامله به وجود بیاید ولی شرط صحیح بودن آن، قصد خرید و فروش باشد.

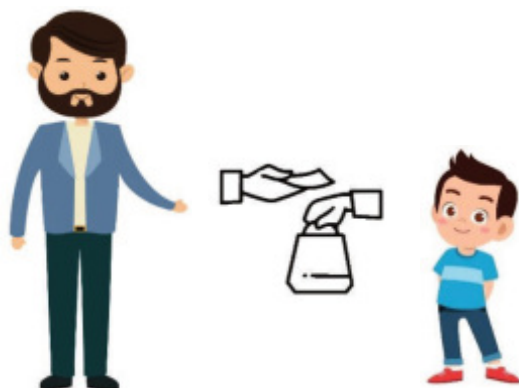
آن باشد.

پنج. کسی خریدار و فروشنده را به ناحق^۱ اکراه و مجبور نکرده باشد. البته، اگر اکراه و اجبار شدند و بعد رضایت دادند، معامله نافذ و صحیح است.

شش. خریدار و فروشنده مالک جنس و عوض آن باشند و یا این که بر مالک ولایت داشته باشند^۲ و یا وکالت و اذن از مالک داشته باشند.

معامله با بچه‌ی نابالغ

۲۵- آیا خرید و فروش با بچه‌ی نابالغ صحیح است؟



خرید و فروش با بچه‌ی نابالغ چهار حالت دارد:

حالت اول: بچه مستقلاً با مال خودش معامله نماید. در این

-
۱. مثلاً شخص ظالمی انسان را وادار کند که مالش را بفروشد. ولی اگر به حق کسی را مجبور به معامله کنند، آن معامله صحیح است. به عنوان مثال، مجتهد جامع شرایط کسی را که گندم احتکار کرده مجبور کند که مالش را بفروشد.
 ۲. مانند پدر که بر فرزند صغیر خود ولایت دارد.

حالت، معامله باطل است.

حالت دوم: معامله با ولی بچه و در مال بچه باشد - با شرایط آن - و بچه فقط صیغه‌ی معامله را جاری کند. در این حالت، معامله صحیح است.

حالت سوم: معامله در مال خود بچه نباشد و بچه‌ی ممیز وکالتا از طرف صاحب مال معامله کند. در این حالت، معامله صحیح است.

حالت چهارم: بچه فقط وسیله باشد که جنس را به مشتری و پول را به فروشنده برساند. در این حالت، اگر اطمینان داشته باشند که بچه مال را به هر دو طرف (خریدار و فروشنده) می‌رساند، معامله صحیح است؛ حتی اگر بچه ممیز هم نباشد.

برگرداندن مال صغیر (بچه)

۲۶- اگر شخصی با بچه‌ی نابالغ - در صورتی که معامله با او صحیح نیست - معامله نموده و جنس یا پولی از او بگیرد، وظیفه‌اش چیست؟



در صورتی که آن مال متعلق به خود بچه بوده، باید آن را به ولی او برگرداند. و اگر مال متعلق به ولی یا شخص دیگری بوده، باید به صاحبش داده یا از صاحبش رضایت بگیرد؛ و اگر صاحب آن را نمی‌شناسد و برای شناختن او هم راهی ندارد، باید چیزی را که از بچه گرفته از طرف صاحب آن به عنوان صدقه به فقیر بدهد؛ و بنا بر احتیاط واجب برای آن از حاکم شرع اجازه بگیرد.

معامله با مال بچه‌ی نابالغ

۲۷- چه کسی می‌تواند برای بچه‌ی نابالغ معامله کند؟



افرادی که می‌توانند برای بچه‌ی نابالغ معامله کنند عبارتند از:

یک. پدر.

دو. پدربزرگ پدری.

سه. وصی پدر یا وصی پدربزرگ که او را قیم بر بچه قرار داده است.

چهار. وکیل پدر یا پدربزرگ پدری.

البته، نباید خرید و فروش به ضرر آن بچه باشد؛ بلکه باید بنا بر احتیاط واجب به مصلحت او باشد.

تصرف مادر یا برادر یا دیگران در مال صغیر (بچه‌ی نابالغ)

۲۸- حکم خرید و فروش اموال بچه‌ی نابالغ توسط مادر یا برادر



یا اشخاص دیگر را بیان فرمایید.

چنانچه از پدر یا پدربزرگ پدری او اجازه‌ی آن کار را داشته باشند، اشکال ندارد.

خرید و فروش با کفار

۲۹- آیا معامله با شخص یهودی و مسیحی صحیح است یا خیر؟



معامله با شخص یهودی و مسیحی اشکال ندارد؛ مگر این که در معامله با آن‌ها کفر تقویت شود یا باعث عزت یافتن آن‌ها گردد.

معامله با بهایی

۳۰- انجام معاملات تجاری با پیروان فرقه‌ی ضالّۀ‌ی بهائیت چه

حکمی دارد؟

چنانچه آن بهایی مسلمان یا مسلمان‌زاده نبوده، اگر باعث تقویت بهائیت از جهت عقاید، فرهنگ و یا اقتصاد آنان باشد جایز نیست. و همچنین است اگر باعث عزت یافتن آن‌ها شود.^۱

فروختن مال دیگری

۳۱- اگر انسان بدون اجازه از مالک، مال او را بفروشد، حکم

آن معامله چیست؟

به چنین معامله‌ای «معامله‌ی فضولی» می‌گویند. یعنی نه صحیح است و نه باطل؛ بلکه بلا تکلیف است و اگر مالک آن اجازه دهد، آن معامله صحیح است و اگر اجازه ندهد، آن معامله باطل است و باید آن مال به صاحبش برگردانده شود.

۳۲- شخصی بدون این‌که از پدرش اجازه و اذن بگیرد، باغ



او را فروخته است
و بعد از یک سال
پدر او باخبر شده و
به آن معامله
رضایت داده است.

۱. و اگر آن بهایی مسلمان یا مسلمان‌زاده باشد، تفصیلی دارد که باید از دفتر مرجع تقلید سؤال شود.

حکم آن معامله به چه صورتی است؟ و محصولات و میوه‌هایی که مشتری از درختان باغ استفاده نموده چه حکمی دارند؟

پدر، که مالک اصلی بوده، باید آن معامله را اجازه کرده و رضایت خود را با گفتن «راضی شدم» یا با گرفتن پول بیان کند و رضایت باطنی و درونی کفایت نمی‌کند. و در فرض این‌که پدر آن معامله را اجازه نماید، خود باغ و منافع و محصولات آن از زمان انجام معامله، ملک مشتری می‌گردد.

معنای اکراه در معامله

۳۳- معنای جمله‌ی «اگر معامله‌ای از روی اکراه باشد، باطل است» چیست؟ و «اکراه» به چه معنایی است؟ و اگر کسی مریضش در بیمارستان باشد و مجبور به فروش خانه شود و خرج او کند، آیا معامله‌ی او اکراهی است؟



منظور از اکراه این است که دیگری او را بر انجام خرید و فروش امر نموده و دستور دهد؛ به نحوی که ترس داشته باشد اگر مخالفت نماید آن شخص به جان، مال و آبروی او یا مربوطین او، که جان و مال و آبرویشان برایش مهم است، ضرری بزند. و معامله‌ی کسی که به پول احتیاج شدید دارد و با اختیار خود مالش را می‌فروشد، صحیح است.

شرایط جنس و عوض آن

۳۴- جنس فروخته شده و عوض آن چه شرایطی باید داشته باشد؟

جنس فروخته شده و عوض آن پنج شرط دارد که عبارتند از:
یک. مقدار آن با وزن یا پیمانه یا متر و مانند این‌ها معلوم باشد.



دو. باید چیزی باشد که بتوانند آن را تحویل دهند.

سه. خصوصیتی را که در جنس و عوض آن است و به واسطه‌ی آن‌ها قیمت متفاوت می‌شود معین نمایند.

چهار. باید ملک طلق باشد. بنابراین، مالی که وقف شده فروش آن جایز نیست؛ مگر در مواردی که در شرع استثناء شده است.

پنج. خود جنس فروخته شود نه منفعت آن. بنابراین اگر - مثلاً - منفعت یک‌ساله‌ی منزل را بفروشد - و بگوید: «استفاده‌ی یک سال از این منزل را فروختم» - صحیح نیست و این معامله باطل است.

تعیین مقدار مال

۳۵- اموالی هستند که مختلف خرید و فروش می‌شوند؛ مانند



تخم‌مرغ که در بعضی جاها
به صورت دانه‌ای و در جاهای
دیگر به صورت وزنی خرید
و فروش می‌شود. در این‌گونه
موارد، وظیفه چیست؟ آیا

می‌توان به هر دو صورت خرید و فروش انجام داد؟

جنسی را که در جایی با وزن یا پیمانه معامله می‌کنند، در همان
جا بنا بر احتیاط واجب باید با وزن یا پیمانه خرید کند؛ ولی
همان جنس را در جای دیگر - که به صورت دانه‌ای خرید و
فروش می‌کنند - می‌توان به صورت دانه‌ای خرید.

معامله‌ی باطل

۳۶- اگر یکی از شرایط صحت معامله در آن نباشد، آن معامله
چه حکمی دارد؟

در صورتی که معامله‌ای یکی از شرایط صحت آن را نداشته
باشد، معامله باطل است و باید مال به صاحبش برگردانده
شود؛ ولی اگر هر دو مالک راضی باشند که در مال یکدیگر
تصرف نمایند، تصرف آن‌ها در مواردی که لازم نیست مالک
باشند اشکال ندارد. به عنوان مثال، اگر مواد خوراکی است
می‌توانند آن را مصرف کنند. ولی اگر بخواهند آن را بفروشند،
از آن‌جا که فروشنده باید مالک مال باشد تا بتواند آن را
بفروشد، فروختن آن صحیح نیست؛ مگر با اذن مالک آن.

خرید و فروش مال وقفی

۳۷- خرید و فروش مال وقف شده چه حکمی دارد؟



معامله‌ی چیزی که وقف شده باطل است؛ ولی اگر به طوری خراب شود یا در معرض خرابی قرار گیرد که نتوانند استفاده‌ای را که مال برای آن وقف شده از آن ببرند، فروش آن اشکال ندارد. به عنوان مثال، فرش مسجد به طوری خراب شود که نتوانند روی آن نماز بخوانند؛ و در صورتی که ممکن باشد، باید عوض آن را در همان مسجد به مصرفی برسانند که به غرض واقف نزدیک‌تر باشد. و در هر حال، تصرف در وقف به فروش و همچنین تصرف در عوض آن باید توسط متولی وقف و در صورت نبودن او به اذن حاکم شرع باشد.

خرید و فروش ملک اجاره داده شده

۳۸- اگر کسی خانه یا مغازه‌اش را به دیگری اجاره دهد و بعد



از اجاره دادن برای خرید آن مشتری پیدا شود، آیا

فروختن آن جایز است؟

خرید و فروش ملکی را که به دیگری اجاره داده‌اند، اشکال ندارد؛ ولی منافع آن ملک در مدت اجاره مال مستأجر است. یعنی فروشنده نمی‌تواند زودتر از مدت اجاره، مستأجر را از ملک بیرون کند.



۳۹- اگر انسان ملکی را خریداری نموده و هنگام تحویل گرفتن آن متوجه شود که ملک در اجاره‌ی شخص دیگری است، در این حالت، وظیفه چیست؟

اگر خریدار نداند که آن ملک را اجاره داده‌اند یا به گمان این که مدت اجاره‌ی آن کم است ملک را خریده باشد، در این صورت، پس از اطلاع می‌تواند معامله را فسخ کند.

قیمت شناور



۴۰- آیا جایز است قیمت جنس در خرید و فروش به صورت شناور قرار داده شود؟ برای نمونه، چنین گفته شود: «هر موقع پول آن را آوردی به قیمت همان روز حساب شود».

جایز نیست. چون یکی از شرایط صحت معامله این است که مقدار ثمن (پول جنس) به طور کامل معلوم و مشخص باشد.

صیغه‌ی خرید و فروش



۴۱- آیا خواندن صیغه در خرید و فروش لازم است؟

خرید و فروش به دو صورت انجام می‌شود:

یک. با گفتن (خواندن) صیغه. به عنوان مثال، فروشنده بگوید: «این مال را در عوض این مقدار پول به تو فروختم»، و خریدار هم بگوید: «قبول کردم». و لازم نیست صیغه‌ی خرید و فروش به زبان عربی خوانده شود بلکه به هر زبانی که باشد کفایت می‌کند؛ ولی خریدار و فروشنده باید قصد انشاء داشته باشند؛

یعنی به گفتن این جمله مقصودشان خرید و فروش باشد.

دو. بدون گفتن (خواندن) صیغه. یعنی برای معامله‌ای صیغه خوانده نشود ولی فروشنده و خریدار به دادن و گرفتن جنس و عوض آن قصد فروش و خرید نمایند که در این صورت، معامله صحیح است و هر دو مالک می‌شوند. به این نوع خرید و فروش، در اصطلاح، **مُعاطاتی** گفته می‌شود.

انواع خرید و فروش

معامله به چند صورت می‌تواند انجام پذیرد که در این قسمت به بیان انواع آن و احکام هر کدام می‌پردازیم:

یک- نقد

اگر خرید و فروش انجام شود و برای جنس و عوض آن زمانی قرار داده نشود این معامله «نقد» است. در معامله‌ی نقدی، خریدار و فروشنده می‌توانند بلافاصله جنس و عوض آن را از یکدیگر مطالبه نموده و تحویل بگیرند.

دو- نسیه

اگر خرید و فروش انجام شده و برای پول و عوض آن زمانی قرار داده شود این معامله «نسیه» است. در معامله‌ی نسیه باید مدت به طور کامل مشخص و معلوم باشد. بنابراین، اگر جنسی فروخته شود که عوض و پول آن بعد از یک یا سه یا شش ماه پرداخت شود؛ چون مدت آن مردد است و به طور کامل مشخص و معلوم نیست، معامله، در این صورت، باطل است.



۴۲- آیا جایز است انسان جنسی را به صورت نسیه گرانتر از قیمت نقد آن بفروشد؟

بلی؛ جایز است. مثلاً برنج را به صورت نقدی کیلویی صد هزار تومان بفروشد؛ ولی نسیه کیلویی صد و ده هزار تومان بدهد. همچنین، می‌تواند به نسبت طول زمان، قیمت جنس را بالاتر ببرد. به عنوان مثال، چنین گفته شود:

- هر کیلو برنج به صورت نقدی، صد هزار تومان
 - هر کیلو برنج به صورت نسیه‌ی سه ماهه، صد و ده هزار تومان
 - هر کیلو برنج به صورت نسیه‌ی شش ماهه، صد و بیست هزار تومان
- البته، مشتری باید همان هنگام معامله معلوم کند که طبق کدام یک از این موارد می‌خواهد معامله کند.

معامله‌ی نقد و اقساط



۴۳- آیا می‌شود انسان جنسی را به صورت نقد و اقساط خرید و فروش نماید؟ مثلاً نصف پول، اول معامله، و بقیه به صورت اقساطی پرداخته شود.

بلی؛ جایز است انسان مقداری از مال را به صورت نقد و مقداری دیگر را به صورت نسیه و اقساطی معامله کند. به عنوان مثال، اگر قیمت ماشینی نهصد میلیون تومان است، چهارصد میلیون تومان آن را به صورت نقد بپردازد و پانصد میلیون دیگر را مثلاً به صورت اقساطی ده ماهه به این صورت که هر ماه مبلغ پنجاه میلیون تومان بپردازد.





۴۴- آپارتمانی مورد معامله قرار گرفته که قیمت آن سه میلیارد تومان است ولی پانصد میلیون تومان هم وام دارد. آیا می‌توان آن را با این اوصاف خرید؟



اگر مجموع اقساط پرداختی همان پانصد میلیون تومان باشد معامله صحیح است؛ چون قیمت آپارتمان به طور کامل مشخص است. ولی اگر باید بیشتر از پانصد میلیون تومان پس داده شود - چنانچه آن وام از نظر شرعی صحیح باشد - باید مجموع مبالغی که به عنوان اقساط وام پرداخته می‌شود به صورت کامل معلوم باشد. به عنوان مثال، اگر اقساط هفتصد و پنجاه میلیون تومان پس داده می‌شود، قیمت آپارتمان سه میلیارد و دویست و پنجاه میلیون تومان است که دو میلیارد و نیم آن نقد و هفتصد و پنجاه میلیون تومان دیگر به صورت نسیه و اقساطی است. و اگر بدون این که مجموع مبالغ اقساط معلوم شود معامله صورت گیرد، به خاطر این که قیمت آپارتمان مجهول است معامله باطل است.

۴۵- شخصی خانه‌اش را یک‌ساله به صورت نسیه فروخته است ولی الآن اصرار دارد که خریدار پول او را زودتر بدهد. آیا او چنین حقی دارد؟



خیر؛ چنین حقی ندارد و باید تا زمان موعود قرارداد صبر نماید. بلی؛ اگر خریدار از دنیا برود و از خودش مالی داشته باشد، فروشنده می‌تواند طلب خود را پیش از تمام شدن مدت از ورثه‌ی او مطالبه نماید.

نقد کردن پول

۴۶- در معامله‌ی نسیه - که هنوز وقت پول آن نرسیده - اگر فروشنده بگوید: «اگر پول را زودتر پرداخت کنی، حاضرم کمتر بگیرم»، در این صورت، چه حکمی دارد؟



اگر فروشنده بگوید: «این مقدار پول را به صورت نقد به من بپرداز، من هم بقیه را به تو واگذار می‌کنم» و مشتری هم این مطلب را قبول کند، در چنین صورتی اشکال ندارد. به عنوان مثال، اگر مبلغ معامله ده میلیون تومان بوده که موعد آن سه ماه دیگر است، فروشنده بگوید: «مبلغ نه میلیون تومان به من بده، من هم بقیه را به تو واگذار می‌کنم» و خریدار هم قبول نماید، در این صورت، اشکال ندارد.

مهلت دادن و گرفتن پول بیشتر



۴۷- شخصی جنسی را به صورت نسیه خریده ولی نمی‌تواند پول آن را سر موعد مقرر پرداخت کند، آیا می‌تواند از فروشنده مهلت بیشتری گرفته و در مقابل، پول بیشتری بپردازد؟ به عنوان مثال، اگر بدهی او ده میلیون تومان بوده به فروشنده چنین بگوید: «اگر سه ماه مهلت بدهی، مبلغ دوازده میلیون تومان می‌پردازم».

خیر؛ چنین کاری را نمی‌توان انجام داد. و گرفتن مبلغ اضافه حرام است. البته مهلت دادن بدون گرفتن مبلغ اضافه اشکال ندارد.

ندادن پول



۴۸- در معامله‌ی نسیه اگر خریدار سر وقت مشخص شده پول را ندهد وظیفه چیست؟

این مسأله دو حالت دارد:

حالت اول: خریدار پول دارد ولی عمداً نمی‌دهد. در این حالت، فروشنده سه راه دارد:

یک. با مراجعه به مجتهد جامع الشرایط خریدار را مجبور کند که پول او را پرداخت کند.

دو. معامله را بهم زده و در صورتی که جنس موجود است آن را پس بگیرد، و اگر موجود نبود؛ چنانچه آن جنس، مثلی بوده، می‌تواند مثل آن را پس بگیرد و اگر قیمی

بوده، می‌تواند قیمت آن را طلب نماید.^۱
 سه. به همین حالت راضی شود و صبر کند خریدار پول او را
 پرداخت نماید.
حالت دوم: خریدار پول ندارد. در این حالت، فروشنده فقط
 راه دوم و سوم حالت قبلی را می‌تواند انتخاب کند.

فروش جنس نسیه‌ای

۴۹- آیا جایز است انسان جنسی را به صورت نسیه خریده و
 آن را به صورت نقد به دیگران بفروشد؟



چنین معامله‌ای جایز است و اشکال ندارد.

۵۰- آیا جایز است انسان جنسی را به صورت نسیه بفروشد و
 دوباره همان جنس را از مشتری بخرد؟



با رعایت دو نکته اشکال ندارد:

یک. خرید و فروش واقعی باشد نه صوری.

دو. در هنگام معامله، فروشنده با خریدار شرط نکند که بعداً آن
 جنس را به قیمت کمتر به او بفروشد؛ بلکه بدون شرط و با اختیار
 خود این معامله را انجام دهد. و همچنین - بنا بر احتیاط واجب -
 خریدار با فروشنده شرط نکند که به قیمت بالاتری از او بخرد.

۱. اجناس دو گونه‌اند:

- (الف) **مثلی:** به چیزهایی گفته می‌شود که خصوصیات افراد صنف آن‌ها معمولاً
 از جهت ارزش و رغبت مردم تفاوت ندارد، مانند حیوانات.
 (ب) **قیمی:** به چیزهایی گفته می‌شود که خصوصیات افراد صنف آن‌ها از جهت
 ارزش و رغبت مردم تفاوت داشته باشد، مانند حیوانات.

سه - سلف

اگر مشتری با پول نقد جنسی را که در ذمه است خریداری کند که بعد از مدتی آن جنس را تحویل بگیرد، به این عمل «معامله‌ی سلف» می‌گویند. به عنوان مثال، خریدار چنین بگوید: «این پول را می‌دهم که بعد از شش ماه صد کیلو گندم در ذمه را بگیرم» و فروشنده نیز بگوید: «قبول کردم»، چنین معامله‌ای صحیح است. همچنین است اگر فروشنده پول را گرفته و به عنوان مثال، چنین بگوید: «صد کیلو گندم در ذمه را فروختم که بعد از شش ماه تحویل دهم».^۱

۱. توضیح ذمه: خرید و فروش ممکن است به یکی از سه حالت زیر صورت بگیرد:

حالت اول: معامله بر جنسی واقع می‌شود که آن جنس وجود خارجی دارد. مثلاً فروشنده صد کیلو گندم دارد و مشتری هم به همان صد کیلو گندم اشاره نموده و می‌گوید: «این صد کیلو گندم را از تو خریدم». به چنین معامله‌ای «معامله‌ی شخصی» می‌گویند.

حالت دوم: معامله بر جنسی واقع می‌شود که آن جنس وجود خارجی دارد ولی معامله بر همه‌ی آن جنس واقع نمی‌شود؛ بلکه معامله بر مقداری از آن صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، فروشنده هزار کیلو گندم دارد و خریدار به همان هزار کیلو گندم اشاره نموده و می‌گوید: «صد کیلو از این هزار کیلو گندم را خریدم». به چنین معامله‌ای «معامله‌ی کلی در معین» می‌گویند.

حالت سوم: معامله بر ذمه و عهده‌ی شخص واقع می‌شود. برای مثال، به فروشنده می‌گوید: «صد کیلو گندم از تو خریدم»؛ در حالی که در لحظه‌ی معامله، فروشنده یا اصلاً گندم ندارد یا اگر دارد خصوصاً گندم موجود مد نظر آن‌ها نیست؛ بلکه، از عهده‌ی او صد کیلو گندم می‌خرد. به چنین معامله‌ای «معامله‌ی کلی به ذمه» می‌گویند.

شرایط معامله‌ی سلف

۵۱- معامله‌ی سلف چه شرایطی دارد؟



معامله‌ی سلف هفت شرط دارد که عبارتند از:

یک. خصوصیات را که قیمت جنس به واسطه‌ی آن‌ها فرق می‌کند معین نمایند. و تعیین آن‌ها به اندازه‌ای که مردم در عرف بگویند خصوصیات آن معلوم شده کفایت می‌کند. و در اجناسی که اوصاف و خصوصیات آن‌ها به غیر از رؤیت معین نمی‌شود، معامله‌ی سلف صحیح نیست؛ مانند بعضی از جواهرات و امثال آن.

دو. پیش از آن‌که خریدار و فروشنده از هم جدا شوند، خریدار تمام مبلغ را به فروشنده پرداخت نماید.

سه. مدت را به طوری که کاملاً معلوم باشد معین نمایند.

چهار. زمانی را برای تحویل جنس معین کنند که فروشنده بتواند آن جنس را در آن زمان تحویل دهد.

پنج. جای تحویل جنس را معین نمایند. البته، اگر جای جنس از قرائن معلوم باشد لازم نیست اسم آن مکان برده شود.

شش. مقدار جنس را به وزن یا پیمانه یا شماره و مانند این‌ها معین کنند.

هفت. چیزی را که می‌فروشند، چنانچه از اجناسی باشد که با وزن یا پیمانه فروخته می‌شود عوض آن از همان جنس نباشد. به عنوان مثال، نمی‌توان گندم را به گندم به صورت سلف فروخت.

فروش مالی که به سلف خریده

۵۲- اگر مالی به صورت سلف خریده شود، آیا می‌توان پیش از تمام‌شدن مدت، آن را فروخت؟

خیر؛ نمی‌توان به غیر فروشنده فروخت. و حتی به فروشنده نیز - بنا بر احتیاط واجب - نمی‌توان فروخت.

ندادن جنس پیش‌فروش شده

۵۳- اگر فروشنده نتواند جنسی را که به صورت سلف فروخته در وقت معلوم شده تحویل دهد، وظیفه در این صورت چیست؟

مشتری می‌تواند صبر کند تا فروشنده آن جنس را تهیه کرده و تحویل دهد. یا این‌که معامله را بهم زده و چیزی را که داده (مثلاً پول) پس بگیرد.

ندادن تمام مبلغ

۵۴- شخصی منزل خود را به دیگری فروخته ولی قرار بر این می‌شود که خانه را بعد از شش ماه به او تحویل دهد و در این مدت خودش در آن‌جا زندگی می‌کند. در مقابل، مشتری نیز بنا می‌گذارد که نصف پول را هنگام تحویل منزل بپردازد. حکم این معامله چگونه است؟ آیا نباید در

معامله‌ی سلف، خریدار همه‌ی پول را در هنگام معامله به فروشنده تحویل دهد؟



چنین معامله‌ای معامله‌ی سلف نیست که نیاز به رعایت شرایط معامله‌ی سلف باشد. چون در معامله‌ی سلف، مشتری مالی را که در ذمه‌ی فروشنده است خریداری می‌کند، در حالی که مورد معامله در این مسأله منزل مسکونی فروشنده است. بنابراین، چنین معامله‌ای «معامله‌ی شخصیه» و صحیح است.

چهار – کالی به کالی

اگر جنسی فروخته شود و بعد از مدتی تحویل بدهد و پولش را نیز بعد از مدتی تحویل بگیرد، چنین معامله‌ای باطل است. بنابراین، اگر هم جنس و هم پول در ذمه باشد و برای تحویل دادن آن مدت قرار داده شود، چنین معامله‌ای صحیح نیست و باطل است. البته،

باید توجه داشت که این معامله حرام (گناه) نیست؛ بلکه فقط باطل است، که در نتیجه اگر جنس و پول رد و بدل شده باشد باید جنس به فروشنده و پول به مشتری برگردانده شود.

۵۵- اگر خریدار و فروشنده معامله را انجام دهند و بعد از آن برای تحویل جنس و پول به یکدیگر مهلت دهند، آیا باز هم معامله باطل است؟

اگر معامله به صورت نقد انجام شود و از اول برای تحویل جنس و پول تعیین مدت نشده باشد، این معامله «معامله‌ی نقد» است و صحیح؛ اگرچه بعد از انجام معامله برای تحویل دادن جنس و پول به یکدیگر مهلت بدهند. ولی شرعاً ملزم هستند که هر وقت طرف مقابل خواست به او تحویل بدهند.

تحویل دادن جنس و پول



بلافاصله بعد از انجام معامله، خریدار و فروشنده می‌توانند جنس و پول را از یکدیگر طلب نمایند؛ مگر این که مانند معامله‌ی نسبه یا سلف، برای تحویل گرفتن پول یا جنس

زمان مشخصی را تعیین کرده باشند.

نحوه‌ی تحویل اموال

۵۶- تحویل جنس یا پول چگونه باید باشد؟ یعنی فروشنده یا

خریدار چه کاری باید انجام دهند که تحویل مال صدق نماید؟

تحویل در غیر منقول مانند خانه و زمین به این است که مانع از تصرف را برطرف کند و مال را در استیلائی کسی که به او فروخته قرار دهد و تحویل در منقول به این است که آن مال را به او بدهد و طرف هم از او بگیرد.

از بین رفتن مال

۵۷- اگر شخصی چند دست لباس فروخته باشد و هنگام

تحویل به مشتری، لباس‌ها همراه با سایر اجناس بر اثر



آتش‌سوزی از بین رفته باشد،

سؤال این است: لباس‌هایی که

سوخته و از بین رفته از مال

چه کسی حساب می‌شود؟

اگر قبل از این که فروشنده جنس

را به خریدار تحویل دهد اموال

از بین رفته باشد، در این حالت،

معامله فسخ شده و مشتری می‌تواند پول خود را پس بگیرد. ولی

اگر مشتری لباس‌ها را در همان وقت معامله تحویل گرفته و پیش

فروشنده به امانت گذاشته باشد، در این صورت، اگر فروشنده

کوتاهی یا زیاده‌روی نکرده باشد بر عهده‌ی او چیزی نیست.



۵۸- برخی از مشتریان اجناس خریداری شده را پس از معامله نمی‌برند و این در حالی است که نگهداری آن‌ها برای فروشنده مسئولیت دارد. برای این که فروشندگان در صورت تلف شدن اجناس چیزی بر عهده‌ی آن‌ها نباشند چه وظایف‌ای دارند؟

همین مقدار که جنس را به مشتری تحویل بدهد و او هم تحویل بگيرد کافی است. بنابراین، اگر آن را بعد از تحویل گرفتن به امانت بگذارد و جنس از بین برود، چنانچه فروشنده کوتاهی یا زیاده‌روی نکرده باشد چیزی بر عهده‌ی او نیست.

حکم فروش مال قبل از تحویل گرفتن



۵۹- آیا جایز است انسان مالی را که خریداری نموده ولی هنوز تحویل نگرفته است بفروشد؟

اگر انسان مالی را به صورت سلف خریده باشد، نمی‌تواند آن را پیش از تمام شدن مدت به دیگری بفروشد. و همچنین بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند آن را به خود فروشنده هم بفروشد. و اگر انسان جنسی را به صورت نقد یا نسیه و یا به صورت سلف خریده باشد که زمان تعیین‌شده برای تحویل گرفتن مال فرارسیده باشد، دو حالت دارد:

حالت اول: مال مورد معامله به صورت وزنی یا پیمانه‌ای خرید و فروش می‌شود، مانند گندم و برنج. در این حالت، اگر بخواهد به قیمت بالاتری بفروشد، جایز نیست، ولی فروش آن به قیمت مساوی یا پایین‌تر اشکال ندارد.

حالت دوم: مال مورد معامله به صورت وزنی یا پیمانه‌ای

خرید و فروش نمی‌شود، مانند وسایل خانه و ماشین. در این حالت، خریدار می‌تواند آن مال را حتی به قیمت بالاتر از مبلغ خریداری شده به شخص دیگری بفروشد.



۶۰- سؤال شده است کار ما سرمایه‌گذاری در مصالح ساختمانی

– مانند گچ و سیمان – و خرید و فروش آهن آلات است؛ به طوری که این اموال را به صورت عمده خریده ولی چون تحویل گرفتن آن‌ها سخت است آن‌ها را تحویل نگرفته و در نتیجه در انبار فروشنده می‌ماند و هنگام فروش، مشتری را به انبار فروشنده برای تحویل اجناس می‌فرستیم. این مسأله چه حکمی دارد؟ و اگر چنین معامله‌ای اشکال دارد، چه راهی برای صحت آن وجود دارد؟



از آن‌جا که این مواد به صورت وزنی خرید و فروش می‌شوند، فروختن آن‌ها به قیمت بالاتر قبل از تحویل گرفتن آن‌ها جایز نیست. و اگر تحویل گرفتن این اجناس سخت است، برای صحت چنین معاملاتی دو راه وجود دارد که عبارتند از: یک. خود فروشنده را وکیل نمایید که از طرف شما آن اموال را تحویل گرفته سپس به مشتری تحویل دهد. دو. اموال خریده شده و تحویل نگرفته را به مشتری

نفروشید؛ بلکه آن مواد و اجناس را به ذمه بفروشید. به عنوان مثال، چنین بگویید: «یک تن گچ به تو فروختم» و منظور از یک تن گچ همان گچی نباشد که خریده‌اید؛ بلکه بر عهده بگیرید و سپس آن چه بر ذمه‌ی شما آمده را با گچی که در انبار فروشنده دارید ادا نمایید.

توابع مال فروخته شده

اگر انسان مالی را بفروشد، هر چیز دیگری هم که مقصود خریدار و فروشنده بوده تابع آن مال محسوب شده و خریدار، مالک آن می‌شود.

۶۱- برای این که فهمیده شود چه چیزهایی در معامله به همراه مال فروخته شده به خریدار منتقل می‌شود، چه راه‌هایی وجود دارد؟

این مطلب به یکی از راه‌های زیر معلوم می‌شود:

یک. هنگام معامله به طور صریح و واضح بگویند که فلان چیز هم تابع آن مال فروخته شده باشد. برای نمونه، خریدار به فروشنده بگوید: «خانه‌ی تو را در حالتی که



کولرگازی هم در آن نصب شده به فلان قیمت خریدم» و فروشنده هم قبول نماید.

دو. هنگام معامله به این مطلب تصریح نشود ولی قرینه‌ی

عمومی وجود داشته باشد که فلان چیز باید همراه مال فروخته شده باشد. به عنوان مثال، هنگام خرید خانه قرینه‌ی عمومی وجود دارد که درب خانه نیز همراه آن است.

سه. هنگام معامله به این مطلب تصریح نمی‌شود و قرینه‌ی عمومی هم وجود ندارد؛ ولی قرینه‌ی خاصی است که فلان چیز باید همراه مال مورد معامله باشد. به عنوان مثال، در محل خاصی مرسوم باشد که هنگام فروختن منزل باید با مبیل و فرش همراه باشد.



۶۲- شخصی خانه‌ای را خریده و هنگام تحویل آن متوجه می‌شود که فروشنده تمام درهای داخل خانه را برده است. آیا فروشنده چنین حقی دارد؟



وقتی انسان خانه‌ای را می‌خرد، زمین، ساختمان، درب، پنجره، درخت، امتیاز آب و برق و گاز و تلفن، کلید قفل‌ها و... از آن مشتری است. بلی؛ اگر فروشنده هنگام معامله، خانه را بدون درب‌های داخل آن بفروشد، در این صورت، حق بردن آن‌ها را دارد.

خرید و فروش میوه‌ها



خرید و فروش میوه و سبزیجاتی که رسیده و آن‌ها را چیده‌اند، اگر شرایط خرید و فروش در آن رعایت شود، معامله‌ی آن‌ها مانند سایر چیزهاست و شرایط خاص و ویژه‌ای ندارد.

اما حکم خرید و فروش میوه‌ی روی درخت یا بوته بدین صورت است:

فروش میوه‌ای که گل آن ریخته و دانه بسته پیش از چیدن صحیح است.



۶۳- آیا انگورهای باغ را - که به صورت غوره بر درخت است - می‌توان فروخت؟



بلی؛ فروختن غوره‌ی بر درخت جایز است.

۶۴- در چه زمانی می‌شود خرمای روی درخت را بفروشند؟



خرمای روی نخل قبل از سرخی و زردی نباید فروخته شود.



۶۵- برداشت سبزیجات - مانند گوجه، بادمجان و... - و برخی از میوه‌ها - مانند خیار، توت فرنگی و... - به طوری است که سالی چند مرتبه آن‌ها را می‌چینند. حکم خرید و فروش چنین مواردی چیست؟



در صورتی که ظاهر و نمایان شده باشد و معین کنند که مشتری چند نوبت آن را در سال بچیند، جایز است.



۶۶- آیا گندم و جو را می‌توان قبل از درو فروخت؟



اگر خوشه‌ی گندم و جو را بعد از آن که دانه بست به چیز دیگری غیر از گندم و جو بفروشند اشکال ندارد.

توصیه به میوه‌فروش‌ها

۶۷- سؤال شده است: چه نکاتی را به صنف میوه‌فروش‌ها



توصیه می‌فرمایید؟

نکاتی را که این صنف باید رعایت کنند عبارتند از:

یک. از کم‌فروشی اکیداً اجتناب شود که یکی از گناهان کبیره‌ای است که خداوند متعال در قرآن کریم نسبت به انجام آن وعده‌ی عذاب داده است.



دو. از غش در معامله با مسلمانان پرهیز شود که این نیز از گناهان کبیره شمرده شده است. و رسول خدا ﷺ در این زمینه می‌فرمایند: «هر کس با برادر مسلمان خود غش کند، خداوند برکت روزی او را می‌برد». مثلاً میوه‌ی بد به

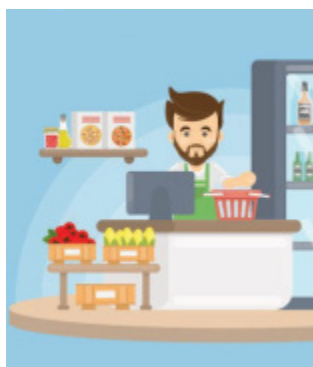


عنوان میوه‌ی خوب جلوه داده نشود و نیز میوه‌های معیوب طوری بین

میوه‌های سالم جا داده نشود که مشتری متوجه این جریان نشود.

سه. در صورتی که میوه‌ی فروخته شده معیوب بود و مشتری اطلاعی از این موضوع نداشت؛ چنانچه درخواست انصراف داد باید میوه پس گرفته و پولش داده شود.

چهار. اگر میوه‌ها ترش یا نارس بود و مشتری از این موضوع سؤال نمود، واقعیت مطلب گفته شود.



پنج. مستحب است در قیمت جنس سخت‌گیری نشود؛ و وقتی میوه‌ای برای مشتری وزن می‌شود، زیاده‌تر باشد. به عنوان مثال، اگر مشتری پنج کیلو میوه می‌خواهد، پنج کیلو و صد گرم وزن شود.

خرید و فروش حیوان



خرید و فروش هر حیوانی که از نظر عرف و شرع مالیت داشته باشد جایز است. ولی حیوانی که از نظر عرف مالیت ندارد - مانند یک کرم خاکی یا پشه - و حیوانی که از نظر شرع مالیت ندارد - مانند خوک یا سگ غیرشکاری - باطل است.

خرید و فروش طلا و نقره

اگر طلا را به طلا و نقره را به نقره بفروشند، باید وزن آنها یکسان باشد؛ و اگر یکی از آنها زیادتیر باشد ربا محسوب شده و چنین معامله‌ای حرام و باطل است.



تحويل دادن و تحويل گرفتن طلا

اگر طلا یا نقره به طلا یا نقره فروخته شود، باید فروشنده و خریدار پیش از آن که از یکدیگر جدا شوند جنس و عوض را به یکدیگر تحويل دهند و اگر هیچ مقدار از آن را تحويل ندهند، در این صورت، معامله باطل است.

تعویض طلا

۶۸- با توجه به این که خرید و فروش طلای کمتر به بیشتر ربا محسوب می‌شود اگر کسی صد گرم طلای نو را به صد گرم طلای کهنه بدهد و اجرت ساخت هم بگیرد، این معامله چه حکمی دارد؟
چنین معامله‌ای حرام و باطل است.

۶۹- روش صحیح تعویض طلای کهنه با طلای نو چیست؟



تعویض طلای کهنه با طلای نو دو راه دارد که عبارتند از:
یک. طلاها را در دو معامله‌ی مستقل معامله کنند. به عنوان مثال، اول مشتری طلای کهنه‌ی خودش را به پول

فروخته و سپس با آن پول - اگر خواست - طلای نو و ساخته را از طلافروش خریداری کند.

دو. طرفی که طلای کمتر را می‌دهد چیزی را همراه آن ضمیمه کند. به عنوان مثال، صد گرم طلای کهنه را به نود گرم طلای نو و یک جعبه دستمال کاغذی بفروشد که ده گرم طلای اضافه در مقابل یک جعبه دستمال کاغذی باشد.

تعویض طلای هجده عیار با طلای با عیار بیشتر

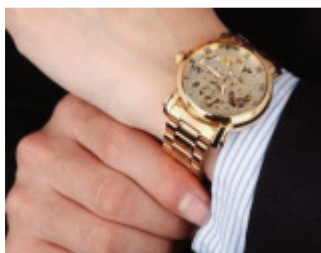
۷۰ - حکم تعویض طلای هجده عیار با طلای با عیار بیشتر چیست؟



اگر کسی بخواهد طلای با عیار کمتر را با طلای با عیار بیشتر معامله کند، باید وزن آن‌ها یکی باشد و تعویض آن‌ها به وزن کمتر و بیشتر ربا و حرام است. مثلاً صد گرم طلای هجده عیار داده شود و نود گرم طلای بیست و دو عیار گرفته شود.

طلای مردانه

۷۱ - حکم ساخت و خرید و فروش طلای مردانه چیست؟



ساخت طلای مردانه و خرید و فروش آن - بنا بر احتیاط واجب - حرام است؛ چه طلای زرد باشد چه طلای سفید.

خرید طلا به صورت سلف

۷۲- آیا می‌توان طلا را به صورت سلف خریداری کرد؟



این معامله دو حالت دارد:

حالت اول: اگر طلا به طلا خریداری شود خرید و فروش آن به صورت سلف باطل است؛ چون در خرید و فروش طلا به طلا باید در همان جلسه‌ی معامله طلاها رد و بدل شود.

حالت دوم: اگر طلا به پول معامله شود، در این حالت، خرید و فروش آن به صورت سلف - با رعایت همه‌ی شرایط معامله‌ی سلف - صحیح و جایز است؛ و قیمت باید در همان وقت معامله معلوم شده و همه‌ی پول در همان جلسه‌ی معامله پرداخت شود. به عنوان مثال، اگر فروشنده به مشتری بگوید: «یک کیلو طلا به تو فروختم که یک ماه دیگر تحویل دهم و سر یک ماه قیمت طلا هر چه بود همان را از تو می‌گیرم»، چنین معامله‌ای باطل است.

فروش طلا قبل از تحویل گرفتن آن

۷۳- حکم فروش طلا قبل از تحویل گرفتن آن چیست؟ به



عنوان نمونه، در برخی موارد، سرمایه‌گذار مقداری طلا از بانکدار خریداری نموده ولی آن را تحویل نمی‌گیرد و به بانکدار می‌گوید: «هر وقت خبر دادم طلای من را بفروش». حکم چنین معاملاتی به چه صورت است؟

اگر طلا به صورت سلف خریداری شود نمی‌توان آن را قبل از رسیدن وقت تحویل طلا فروخت. ولی اگر به صورت نقد معامله شود و یا اگر به صورت سلف خریداری شده، وقت تحویل

گرفتن آن فرا رسیده باشد، در این صورت، دو حالت دارد:

حالت اول: مشتری طلا را تحویل گرفته است. در این حالت، می‌تواند آن را به دیگری بفروشد؛ چه به همان قیمت و چه به قیمت بالاتر.

حالت دوم: مشتری طلا را تحویل نگرفته است. در این حالت، می‌تواند آن را به همان قیمت به دیگری بفروشد؛ ولی به قیمت بالاتر نمی‌تواند بفروشد.^۱

تعویض طلای نساخته با طلای ساخته

۷۴- غالباً طلافروش‌ها با طلاساز این‌گونه معامله می‌کنند که
- مثلاً- نیم کیلو طلای کهنه و شکسته یا طلای خام را به او
داده و در مقابل آن، نیم کیلو طلای ساخته گرفته و اجرت
آن را هم پرداخت می‌کنند. حکم این‌گونه معاملات چیست؟



چنین خرید و فروشی معامله‌ی ربوی و حرام است. ولی برای

۱. همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، اقلامی را که به صورت وزنی یا پیمانه‌ای معامله می‌شود نمی‌توان قبل از تحویل گرفتن آن به شخص دیگری با قیمت بالاتر فروخت.

پرهیز از مبتلا شدن به ربا در این معامله دو راه وجود دارد که عبارتند از:

یک. همان طلایی را که طلافروش می‌آورد طلاساز بسازد و اجرت ساخت آن را بگیرد.

دو. طلاها را در دو معامله رد و بدل کنند. به این ترتیب که طلافروش طلای کهنه یا خام را به طلاساز بفروشد و بعد از آن - اگر خواست - با پولی که از طلاساز طلبکار است طلای نو و ساخته را بخرد.

غش در طلافروشی

۷۵ - غش در طلافروشی به چه صورت است؟



اگر کسی - برای نمونه - طلای هفده عیار را به عنوان طلای هجده عیار بفروشد، غش است و حرام. و نیز اگر کسی طلای کهنه را به جای طلای نو و تازه ساخت بفروشد، غش و حرام است. به عنوان مثال، طلای کهنه را حرارت داده و آن را تمیز کرده و به عنوان طلای نو بفروشد.

اجاره‌ی طلا

۷۶ - اگر کسی به طلافروش یا طلاساز بگوید: «یک کیلو طلا به تو



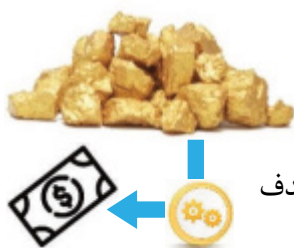
می‌دهم به مدت یک سال که با آن خرید و فروش نموده و

ماهانه دو میلیون تومان اجاره‌ی آن را به من بدهی»، این

معامله چه حکمی دارد؟

در مبحث اجاره - ان شاء الله - خواهد آمد که یکی از شرایط

مالی که آن را اجاره می‌دهند این است که عین آن مال با اجاره دادن از بین نرود. بنابراین، اجاره دادن طلائی که باید آن را آب کنند و بسازند و سپس بفروشند باطل است. ولی برای این که معامله صحیح و جایز باشد و مشتری و طلافروش نیز به هدف خود برسند، دو راه پیشنهاد می‌شود:



یک. مشتری با طلافروش در سرمایه شریک شود. به عنوان مثال، اگر طلافروش چهار کیلو طلا دارد، مشتری یک کیلو از آن را به نحو مشاع بخرد. بنابراین، در آن سرمایه سه به یک شریک هستند و هر سودی که حاصل شود سه چهارم آن برای طلافروش و یک چهارم از آن برای مشتری است.

دو. مشتری طلای خود را در اختیار طلافروش بگذارد که با آن معامله کند و تمام سود آن برای مشتری است و طلافروش اجرت عمل خود را بردارد.

خيارات معامله (مواردی که می‌توان معامله را بهم زد)

حق بر هم زدن معامله را در اصطلاح «خيار» می‌گویند. خریدار و فروشنده در یازده صورت می‌توانند معامله را به هم بزنند. در اینجا به بعضی از آن‌ها - که بیشتر مورد نیاز است - می‌پردازیم:



اول: خیار مجلس

اگر خریدار و فروشنده، بعد از معامله، از یکدیگر جدا نشده باشند هر چند از مجلس معامله بیرون آمده باشند، می‌توانند معامله را به هم بزنند.

دوم: خیار غبن (فریب خوردن)

اگر هر یک از دو طرف معامله فریب خورده باشند می‌توانند معامله را با سه شرط به هم بزنند:

یک. فریب خوردن به اندازه‌ای باشد که مردم به آن اهمیت می‌دهند. پس اگر مبلغ آن به قدری کم باشد که عرف مردم در آن مسامحه نموده و از آن چشم‌پوشی می‌کنند، معامله را نمی‌توان به هم زد. دو. قیمت جنس را نداند؛ یا اگر می‌داند در وقت معامله غفلت کرده باشد. بنابراین، اگر قیمت جنس را می‌دانسته و به همان راضی شده نمی‌تواند معامله را به هم بزند.

سه. خیار غبن را ساقط نکرده باشند. بنابراین، اگر بعد از معامله فهمید که فریب خورده ولی از حق بر هم زدن معامله صرف نظر کرده و راضی شد و در مال تصرف کرد، دیگر نمی‌تواند معامله را به هم بزند. همچنین، اگر در معامله شرط کرده باشند که از خیار غبن استفاده نکنند.



۷۷- شخصی ملکی را به مبلغ یک میلیارد تومان خریده و پول آن را به فروشنده پرداخت کرده است. وی، پس از معامله، مدعی شده که ملک را گران تر از قیمت واقعی آن - یعنی هشتصد میلیون تومان - خریداری نموده است و اکنون مابه‌التفاوت آن - یعنی دویست میلیون تومان - را از فروشنده خواستار است. وظیفه‌ی فروشنده در این مسأله چیست؟

کسی که خیار غبن دارد می‌تواند یا به همان قیمت راضی شده و یا معامله را به هم بزند و آنچه را که خریده برگرداند و تمام پول خود را نیز تحویل بگیرد و نمی‌تواند معامله را قبول نموده و مابه‌التفاوت قیمت را از فروشنده طلب نماید. بنابراین، فروشنده می‌تواند بگوید: «یا معامله را به هم بزن و تمام پولت را بگیر و یا به همان قیمتی که خریده‌ای راضی باش».

سوم: خیار عیب

اگر در جنس فروخته شده یا عوض آن عیبی باشد خریدار و فروشنده می‌توانند یکی از دو کار را انجام دهند که عبارتند از:

یک. به معامله راضی باشند.

دو. معامله را به هم بزنند.

و در پنج صورت، کسی که مال عیب‌دار به او منتقل شده، نمی‌تواند معامله را بهم بزند و فقط حق مطالبه نمودن مابه‌التفاوت قیمت را دارد

که عبارتند از:

- یک. عین مال تلف شده باشد.
 - دو. از ملک او خارج شده باشد. مانند این که به دیگری فروخته یا بخشیده باشد و
 - سه. در مال تغییری حاصل شده باشد. مانند آن که پارچه‌ی خریده شده را بریده یا رنگ کرده باشد.
 - چهار. مال هرچند از ملک او خارج نشده ولی معامله‌ای بر آن انجام داده باشد. مانند اینکه آن را اجاره داده یا به عنوان گرو گذاشته باشد.
 - پنج. بعد از تحویل گرفتن، عیبی در آن پیدا شده باشد.
- ولی در چهار صورت، نه حق به هم زدن معامله را دارند و نه حق ارش گرفتن، که عبارتند از:
- یک. در وقت معامله، عیب مال را بدانند.
 - دو. به عیب مال راضی شوند.
 - سه. هنگام معامله، فروشنده مال را با هر عیبی که دارد بفروشد و خریدار نیز قبول نماید.
 - چهار. هنگام معامله، چنین گفته شود: «اگر مال عیبی داشت پس نداده و تفاوت قیمت هم نمی‌گیرم».

چهارم: خيار شرط

خيار شرط عبارت است از این که طرفین در معامله قرارداد نموده

و شرط کنند که تا مدت معینی هر دو یا یکی از آنها بتواند معامله را به هم بزند. به عنوان مثال، مشتری به فروشنده چنین بگوید: «این ماشین را از تو خریدم به شرط این که تا سه ماه دیگر در صورت تمایل معامله را به هم بزنم».

در خیار شرط باید مدت قرار داده شود و اگر خیار شرط بدون تعیین مدت گذاشته شود، در صورتی که موجب غرری شدن معامله بشود عقد باطل است.

اگر در ضمن معامله‌ای برای فروشنده خیار شرط قرار داده شود، مشتری حق ندارد تا پایان مدت خیار شرط آن مال را به شخص دیگری فروخته یا هدیه کند. یعنی نباید آن را از ملکیت خود خارج نماید.

پنجم : خیار تخلف شرط

خیار تخلف شرط بدین صورت است که یکی از دو طرف معامله با دیگری شرط کند که کاری برای او انجام دهد یا شرط کند مالی را که در خارج است و نه در ذمه، دارای خصوصیتی باشد و آن مال دارای آن خصوصیت نباشد. در این صورت، چنانچه طرف مقابل طبق آن شرط عمل نکند، طرف شرط‌کننده می‌تواند معامله را به هم بزند. به عنوان مثال، فروشنده به مشتری چنین بگوید: «این منزل را به تو می‌فروشم به شرط این که تا فردا یک جزء قرآن برای اموات من بخوانی». اگر مشتری تا فردا یک جزء قرآن را نخواند، فروشنده می‌تواند - به خاطر تخلف شرط - معامله را بهم بزند.



ششم: خيار تأخير

اگر خرید و فروشی انجام شد و برای تحویل جنس و پول مدت قرار ندهند، هر کدام از خریدار و فروشنده

وظیفه دارند که بعد از معامله، پول و جنس را به دیگری تحویل دهند. ولی اگر خریدار پول را نداد، دو حالت پیدا می‌کند:

حالت اول: فروشنده جنس را به مشتری نمی‌دهد تا مشتری پول را تحویل دهد. در این حالت، فروشنده باید تا سه روز صبر نموده و جنس را نگه دارد. پس اگر خریدار تا سه روز پول و عوض را تحویل داد، جنس را به او می‌دهد، و اگر تحویل نداد، فروشنده بعد از سه روز می‌تواند معامله را فسخ نموده و جنس را به تصرف خود درآورد که به این مورد «خيار تأخير» می‌گویند و این حکم مخصوص خرید و فروش است و در معاملات دیگری جاری نیست.

حالت دوم: فروشنده جنس را به مشتری تحویل داده است. در این حالت، فروشنده می‌تواند معامله را فسخ نموده و جنس را پس بگیرد و این حکم در تمام معاملات جاری است و مخصوص خرید و فروش نمی‌باشد.

هفتم: خيار تَعَذُّرُ تسليم

خيار تعذر تسليم یعنی اگر فروشنده نتواند جنس فروخته شده را به مشتری تحویل دهد، خریدار می‌تواند معامله را به هم بزند.^۱

۱. و نیز اگر فروشنده قدرت تحویل دادن جنس را داشته باشد ولی عمداً آن را تحویل ندهد، خریدار می‌تواند معامله را به هم بزند.

هشتم: خیار تدلیس

تدلیس یعنی بهتر نشان دادن جنس به طوری که در قیمت جنس تأثیر داشته باشد. بنابراین، اگر یکی از طرفین معامله کاری انجام دهد که مال او بهتر از آن چه که هست نشان داده شود و این عمل باعث شود که قیمت جنس از نظر مردم زیاد شود، در این صورت، طرف دیگر معامله می‌تواند معامله را بهم بزند.^۱

احکام شرط

همان گونه که هر دو طرف معامله باید به عقد لازم پای‌بند باشند، باید به شرطی هم که در ضمن آن قرار داده می‌شود نیز پای‌بند باشند.^۲

۱. مثلاً روی پارچه یا لباس طوری نورپردازی کند که پارچه زیباتر از آن چه که هست نشان داده شود.

۲. به طور کلی، هر شرط جایزی که در ضمن عقد لازم و عقد جایز - تا زمانی که آن عقد به هم نخورده باشد - قرار داده شود، نافذ است.

توضیح عقد لازم و عقد جایز:

معاملات بر دو قسم است:

الف) عقد: یعنی قراردادی که به قبول طرف مقابل نیاز دارد. مانند خرید و فروش، اجاره، مضاربه و

ب) ایقاع: یعنی قراردادی که به قبول طرف مقابل نیاز ندارد. مانند طلاق، إبراء، جعالة و

عقد نیز بر دو قسم است:

الف) عقد لازم: یعنی قراردادی که باید هر دو طرف معامله به آن پای‌بند باشند.

مانند خرید و فروش، اجاره، مضاربه، و

ب) عقد جایز: یعنی قراردادی که می‌توانند آن را بهم بزنند. مانند مضاربه، شرکت، وکالت و

شرط جایز: به شرطی گفته می‌شود که مخالف مسائل شرعی و مقتضای خود عقد نباشد که توضیح بیشتر آن در متن کتاب آمده است.

نافذ: یعنی لازم‌الوفاء؛ یعنی طرف مقابل باید طبق آن عمل نماید و ترک عمدی آن جایز نیست.

به عنوان مثال، اگر فروشنده به خریدار بگوید: «این خانه را به شما فروختم به این شرط که یک ختم قرآن برای من بخوانی» و خریدار نیز قبول نماید. در این صورت، باید خریدار طبق آن شرط عمل نماید.

شرایط شرط

عمل نمودن به شرط در ضمن عقد وقتی لازم است که این شرایط در آن رعایت شده باشد:

یک. مخالف با کتاب و سنت نباشد. به عنوان مثال، اگر فروشنده فروش خانه‌ی خود را منوط و مشروط به نخواندن نماز واجب نماید، این شرط باطل است.

دو. مخالف با مقتضای عقد نباشد. به عنوان مثال، خریدار خرید خانه‌ی فروشنده را مشروط به این بکند که ثمنی در مقابل آن نباشد. این شرط نیز باطل است.

سه. آن شرط در ضمن عقد به صورت صریح یا ضمنی ذکر شده باشد. چهار. قدرت عمل نمودن به آن شرط را داشته باشند.

۷۸- اگر فروشنده به مشتری چنین بگوید: «این مال را به تو

فروختم به این شرط که دوباره آن را به خود من بفروشی»،

این معامله چه حکمی دارد؟

جواب این مسأله چند حالت دارد:

حالت اول: فروشنده شرط می‌کند که دوباره به همان قیمت

به او فروخته شود. در این حالت، این شرط صحیح است و باید طبق آن عمل شود.

حالت دوم: فروشنده مال را به صورت نسیه فروخته و شرط نموده که مشتری آن را به صورت نقد با قیمت پایین‌تر دوباره به او بفروشد. در این حالت، این شرط جایز نیست.^۱

حالت سوم: معامله به صورت نقد انجام شده و فروشنده شرط کند که مشتری دوباره آن مال را با قیمت پایین‌تر به او بفروشد. این شرط نیز، بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. و همچنین است - بنا بر احتیاط واجب - اگر خریدار شرط کند که فروشنده دوباره آن مال را به قیمت بالاتر از او بخرد.

شرط فاسد

۷۹- اگر خریدار یا فروشنده شرطی در ضمن معامله قرار

دهند که آن شرط فاسد باشد، این معامله چه حکمی

دارد؟ آیا خود معامله نیز باطل می‌شود؟

اگر شرطی فاسد بود، در این صورت، خود معامله باطل نمی‌شود؛ بلکه فقط شرط باطل و لغو است. به عبارتی دیگر، شرط فاسد مفسد عقد نیست.

۱. مثلاً فروشنده ماشین خود را به صورت نسیه‌ی شش ماهه به قیمت هشتصد میلیون تومان می‌فروشد و شرط می‌کند که دوباره مشتری همان ماشین را به قیمت هفتصد و پنجاه میلیون تومان به صورت نقدی به او بفروشد.

عمل نکردن به شرط

۸۰- اگر یکی از طرفین معامله که شرط شده کاری را انجام دهد، طبق شرط عمل نکند، معامله چه حکمی دارد؟ 

این مسأله دو حالت دارد:

حالت اول: اگر نتواند کاری را که شرط شده انجام دهد، در این صورت، طرف مقابل فقط می‌تواند معامله را فسخ کند. به عنوان مثال، فروشنده به مشتری چنین بگوید: «این مال را به تو فروختم به شرط این که در ظرف یک هفته یک ختم قرآن برای اموات من بخوانی». در این حالت، اگر مشتری مریض شد و نتوانست آن را بخواند، فروشنده فقط می‌تواند معامله را بهم بزند و نمی‌تواند قیمت آن کار شرط شده را از مشتری به عنوان خسارت مطالبه کند.

حالت دوم: چنانچه با این که قدرت بر انجام آن کار شرط شده را داشته عمدا امتناع نموده و آن را انجام نداده، در این حالت، فروشنده می‌تواند یکی از دو کار را انجام دهد: یک) یا معامله را فسخ کند (دو) یا او را مجبور به انجام کار شرط شده نماید.

اقاله

اگر یکی از دو طرف معامله از دیگری بخواهد که معامله را به هم بزند و طرف مقابل نیز قبول کند، به این عمل در اصطلاح «اقاله» گفته می‌شود. اقاله کردن به قیمت کمتر یا بیشتر از آنچه معامله

شده، باطل است. برای نمونه، اگر مشتری از فروشنده بخواهد که معامله را فسخ کند و فروشنده نیز بگوید: «جنس را از تو پس می‌گیرم و - مثلاً - صد هزار تومان از آن را کم می‌کنم»، این عمل باطل است. و یا اگر فروشنده از مشتری بخواهد که معامله را به هم بزند و مشتری بگوید: «جنس را به تو پس می‌دهم که صد هزار تومان بیشتر از پولی که به تو دادم به من برگردانی»، این عمل نیز باطل است. ولی اگر فروشنده چنین بگوید: «جنس را از تو به همان قیمت پس می‌گیرم که فلان مبلغ از مالت را به من تملیک کنی»، در این صورت، این اقاله و گرفتن زیاده صحیح است. و همچنین است اگر خریدار به فروشنده بگوید: «جنس تو را به همان قیمت پس می‌دهم که فلان مبلغ از مالت را به من تملیک کنی».

مسائل متفرقه‌ی خرید و فروش

در قسمت پایانی بحث خرید و فروش، مسائل متفرقه‌ای که در این زمینه مطرح شده است را بیان می‌کنیم:

یک - حق پشیمانی

اگر طرفین معامله در ضمن خرید و فروش شرط کنند که هر کدام از خریدار و فروشنده از معامله پشیمان شد و خواست معامله را فسخ نماید باید فلان مبلغ به طرف مقابل بدهد، این شرط باطل است. بنابراین، اگر یکی از طرفین معامله پشیمان شد، حق به هم زدن معامله را ندارد و طرف مقابل نیز نمی‌تواند از او چیزی بگیرد.

روش صحیح حق پشیمانی

۸۱- روش صحیح حق پشیمانی چگونه است؟



روش صحیح حق پشیمانی بدین صورت است که طرفین در ضمن معامله شرط کنند که تا زمان مشخصی هر کدام از طرفین به دیگری فلان مبلغ را بدهد بتواند معامله را به هم بزند. به عنوان مثال، خریدار به فروشنده چنین بگوید: «این خانه را از تو خریدم به شرط این که اگر تا سه ماه آینده هر کدام از ما به دیگری مبلغ پنجاه میلیون تومان داد، بتواند معامله را به هم بزند».

دو - کمفروشی



کمفروشی حرام و از گناهان کبیره شمرده شده است. به عنوان مثال، یک کیسه برنج مشخص

را به عنوان ده کیلو بفروشد در حالی که واقعا نه کیلو باشد. در این صورت، اگر خریدار متوجه این مسأله شد، می تواند معامله را فسخ نماید. ولی اگر ده کیلو برنج را به ذمه بفروشد و هنگام تحویل دادن، کمتر از وزن فروخته شده را تحویل دهد، این معامله صحیح است و خریدار نمی تواند معامله را به هم بزند؛ بلکه، بر فروشنده واجب است بقیه ی برنج را هم تحویل دهد.

سه - احتکار

احتکار عبارت است از: حبس و نگهداری اجناس و نفروختن آن‌ها به امید گران شدن در حالی که مسلمانان به آن اجناس نیاز داشته باشند و اشخاص دیگری هم نباشند که آن اجناس را در معرض فروش قرار دهند.



احتکار از نظر شرعی حرام است. البته، اگر اجناس در بازار موجود باشد، حبس و نگهداری آن‌ها به خاطر گران شدن اشکال ندارد.

۸۲ - اجناسی که احتکار آن‌ها حرام است، کدامند؟



اجناسی که احتکار آن‌ها حرام است عبارتند از:

گندم، جو،



خرما، کشمش،



روغن حیوانی، و روغن زیتون.



چهار - گران فروشی

گران فروشی کاری ناپسند است. و همان طور که در آداب تجارت بیان شد مکروه است انسان بیشتر از مقدار نیازش از شخص مؤمن سود بگیرد.

پنج - قسم خوردن

قسم خوردن در معامله اگر راست باشد مکروه و اگر دروغ باشد حرام است.



این بخش از کتاب پیرامون مسائل ربا است؛ که در آن اقسام ربا و احکام مربوط به آن مطرح می‌شود.

ربا از دیدگاه قرآن کریم

ربا، از نظر شارع مقدس، حرام و از گناهان کبیره شمرده شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و آنچه از ربا باقی مانده است رها کنید؛ اگر براسستی اهل ایمان هستید.

قرآن کریم، در آیه‌ی شریفه‌ی دیگر، دوری نکردن از ربا را به جنگی از

۱ . سوره‌ی بقره ، آیه‌ی ۲۷۸.

سوی خدا و رسول او عنوان نموده است؛ آن جا که می فرماید: ﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾^۱.

اقسام ربا

ربا بر دو قسم است: یک- ربای در معامله، دو- ربای در قرض

یک - ربای در معامله

ربای در معامله بدین صورت است که شخصی مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می فروشند، به زیادت از همان جنس بفروشد. این معامله ربا و حرام و باطل است. به عنوان مثال:

- ده کیلو برنج ایرانی به پانزده کیلو برنج خارجی معامله شود.
- صد گرم طلای نو و ساخته به صد و ده گرم طلای کهنه فروخته شود.
- پنج کیلو مس نو و ساخته به ده کیلو مس کهنه و شکسته فروخته شود.
- چهار کیلو روغن آفتابگردان مایع به پنج کیلو روغن آفتابگردان جامد معامله شود.



۱. سوره ی بقره ، آیه ی ۲۷۹.

۸۳- آیا در تحقق ربا لازم است چیزی که اضافه گرفته می‌شود از همان جنسی باشد که به طرف مقابل داده می‌شود؟

خیر؛ لازم نیست چیزی که اضافه گرفته می‌شود از همان جنس باشد. بلکه، اگر پول یا جنس دیگری هم به عنوان اضافه گرفته شود، باز هم ربا و حرام است. به عنوان مثال:

- صد گرم طلای نو و ساخته به صد گرم طلای کهنه و ده میلیون تومان پول فروخته شود.



- پنج کیلو روغن مایع به پنج کیلو روغن جامد و یک کیلو برنج معامله شود.

۸۴- اگر در معامله چیزی اضافه گرفته نشود ولی شرط شود که طرف مقابل کاری انجام دهد، آیا، در این صورت، باز هم ربا حساب می‌شود؟

بلی؛ اگر چیزی در معامله به عنوان اضافه گرفته نشود ولی شرط شود که طرف مقابل کاری برای او انجام دهد، در این

صورت، باز ربا و حرام و معامله باطل است. به عنوان مثال، پنج کیلو روغن مایع به پنج کیلو روغن جامد فروخته شود به شرط این که خریدار یک روز برای فروشنده کار کند.

با توجه به مطالب فوق، برای ربوی شدن معامله دو شرط لازم است: یک. هر دو کالایی که با هم مبادله می شود از یک جنس باشند، مانند برنج با برنج، طلا با طلا، گندم با گندم.



دو. جنس فروخته شده از چیزهایی باشد که به صورت وزنی یا پیمانه‌ای خرید و فروش می شود.



بنابراین، اگر یک ماشین به دو ماشین فروخته شود ربا نیست و اشکال ندارد و همچنین است اگر دو متر پارچه در مقابل پنج متر پارچه معامله شود.^۱



۱. البته، باید توجه داشت که در مسأله تفصیلی هست و آن این است که:

اگر چیزی را که مثل پارچه یا متر می‌فروشند یا چیزی را که مثل گردو و تخم‌مرغ با شماره (به صورت دانه‌ای) معامله می‌کنند، بفروشد و زیادتر بگیرد، در صورتی که معامله بین دو عین شخصی باشد اشکال ندارد. و همچنین است چنانچه به ما فی‌الذمه بفروشد و بین آن‌ها امتیاز باشد (یعنی با هم متفاوت باشند)، مثل این که ده عدد تخم‌مرغ بزرگ را به یازده عدد تخم‌مرغ متوسط در ذمه بفروشد، ولی اگر بین آن‌ها هیچ امتیاز نباشد، صحت معامله محل اشکال است. و همچنین فروختن اسکناس - هرچند معدود است، نه وزنی و پیمانه‌ای - به زیادتر در صورتی که هر دو از یک جنس باشند - مثل تومان به تومان - چه هر دو عین شخصی یا شخصی به مافی‌الذمه باشد، محل اشکال است. (تفصیل مسأله‌ی خرید و فروش پول - إن شاء الله - در بخش مسائل بانکی می‌آید).

۸۵- آیا جایز است صد کیلو گرم گندم به صد و ده کیلو گرم جو فروخته شود؟



جو

گندم

خیر؛ جایز نیست. چون گندم و جو در بحث ربا یک جنس حساب می‌شوند. بنابراین، فروختن صد کیلو گندم در مقابل صد و ده کیلو جو ربا و حرام و معامله باطل است.

۸۶- آیا می‌شود ده کیلو شیر داده شود و پنج کیلو ماست گرفته شود؟



شیر

ماست

خیر؛ خرید و فروش چیزهایی که اصل آن‌ها یک جنس است به کمتر و بیشتر ربا و حرام است. به عنوان مثال، پنج کیلو ماست به ده کیلو شیر فروخته شود.

جاهل به مسأله



۸۷- اگر معامله از روی جهل به صورت ربوی انجام شود، وظیفه

چیست؟

خرید و فروشی که به صورت ربوی انجام شود مطلقاً باطل است. یعنی فرقی ندارد که شخص عالم به مسأله باشد یا جاهل. بنابراین، در چنین معامله‌ای لازم است همه‌ی مال به صاحب آن برگردانده شود.

دو- ربای در قرض

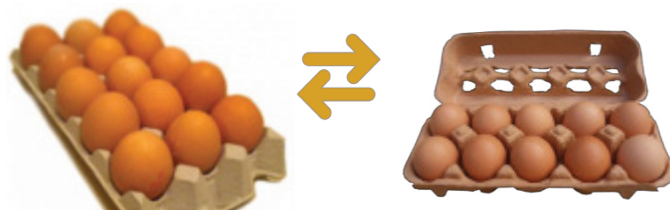
ربای در قرض بدین صورت است که شخص قرض‌دهنده شرط کند که زیادت‌تر از مقدار قرض داده شده بگیرد. در این صورت، ربا و حرام است؛ و در این حکم فرقی نمی‌کند که:

الف) آن زیاده از همان جنس باشد. به عنوان مثال:

- صد میلیون تومان قرض داده شود به شرط این که صد و بیست میلیون گرفته شود.

- ده کیلو برنج قرض داده شود به شرط پانزده کیلو برنج.

- ده عدد تخم مرغ قرض داده شود به شرط پانزده عدد.



ب) زیاده از جنس دیگری باشد. به عنوان مثال:

- ده کیلو برنج قرض داده شود به شرط ده کیلو برنج و یک کیلو روغن.

- صد میلیون تومان قرض به شرط صد میلیون تومان و ده کیلو برنج.



ج) آن زیاده کار باشد نه جنس. به عنوان مثال، یک میلیون تومان قرض در مقابل یک میلیون تومان به اضافه‌ی یک روز کار کردن برای قرض‌دهنده.



د) شرط کند که همان جنس را به شکل مخصوص بگیرد. به عنوان مثال، نیم کیلو طلای کهنه و شکسته قرض داده شود در مقابل نیم کیلو طلای نو و ساخته.





۸۸- اگر خود قرض گیرنده بخواهد چیزی به عنوان زیاده و اضافه به طلبکار بدهد چه حکمی دارد؟

اگر قرض دهنده شرط زیاده نکند ولی خود بدهکار بخواهد چیزی به عنوان زیاده بدهد، اشکال ندارد؛ بلکه چنین کاری مستحب است.



۸۹- اگر قرضی به صورت ربوی انجام شده باشد، وظیفه‌ی قرض دهنده چیست؟

قرض دهنده‌ای که شرط زیاده کرده دو حالت دارد:

حالت اول: می‌دانسته که قرض ربوی حرام است و عمداً ربا گرفته است. در این حالت، باید هرچه زیاده و اضافه گرفته را به صاحب آن برگرداند.

حالت دوم: نمی‌دانسته که قرض ربوی حرام است یا می‌دانسته که قرض ربوی حرام است ولی نمی‌دانسته کاری که انجام داده قرض ربوی محسوب می‌شود. در این حالت - اگر توبه کرد - آنچه را گرفته لازم نیست برگرداند؛ ولی بعداً نباید آن زیاده را بگیرد.



۹۰- اگر قرض به صورت ربوی انجام شده باشد، وظیفه‌ی قرض گیرنده چیست؟ آیا باید آن مال را برگرداند؟

کسی که قرض ربوی گرفته، گناه کرده است؛ ولی مالک آن مال شده و می‌تواند در آن تصرف نماید اگرچه بهتر است در آن تصرف نکند. البته، نباید چیزی را به عنوان زیاده به قرض دهنده بدهد.

۹۱- در چه مواردی ربا جایز است؟



مسلمان از کافر حربی می‌تواند ربا بگیرد. و کافری که در پناه اسلام است معامله‌ی ربا با او جایز نیست؛ ولی بعد از معامله اگر ربا گرفتن در شریعتش جایز باشد، می‌تواند بگیرد. و پدر و فرزند و شوهر و زن دائمی می‌توانند از یکدیگر ربا بگیرند.

فرق ربا در قرض و بیع

۹۲- آیا حرمت ربا در قرض و بیع با هم فرق دارد؟



ربا در بیع و قرض از سه جهت متفاوت است که عبارتند از:

یک. در قرض، هر نوع زیادی که شرط شود ربا و حرام است، ولی در بیع، زیادی در صورتی حرام است که چیز فروخته شده و عوض آن از یک جنس باشند و با کیل یا وزن فروخته شوند که در این صورت، زیادی ربا و حرام است.^۱ بنابراین، اگر از یک جنس نباشند و یا با کیل و وزن فروخته نشوند، زیاده گرفتن در آن حرام نیست. مانند اجناسی که به صورت عددی فروخته می‌شوند.

دو. ربا در بیع موجب بطلان بیع است و نقل و انتقالی محقق نمی‌شود و در قرض، ربا موجب بطلان قرض نیست و

۱. و در مورد بعضی از اموال که به شمارش معامله می‌شود تفصیلی هست که در احکام ربا به آن اشاره شد.

قرض گیرنده مالک مالی که قرض گرفته می شود ولی
 قرض دهنده مالک مقدار زیادی که شرط شده نمی شود.
 سه. بیعی که به صورت ربوی انجام شود مطلقاً باطل است.
 یعنی فرقی ندارد که شخص عالم به مسأله باشد یا جاهل.
 بنابراین، لازم است همه ی مال (چه اصل مال و چه
 اضافه ای که گرفته) به صاحب آن برگردانده شود. ولی در
 قرض ربوی اگر نمی دانسته که قرض ربوی حرام است یا
 می دانسته که قرض ربوی حرام است ولی نمی دانسته که
 کاری که انجام داده قرض ربوی حساب می شود، در این
 حالت، اگر توبه کرد آن چه را که تا آن زمان به عنوان اضافه
 گرفته لازم نیست برگرداند ولی بعد از آن نباید آن زیاده را
 بگیرد.



این بخش از کتاب پیرامون مسائل شفعه است که در آن، اقسام شرایط شفعه و مسائلی پیرامون آن مطرح می‌شود.

حق شفعه

اگر دو نفر در مالی شریک باشند و یکی از آن‌ها سهم خود را به شخص دیگری بفروشد، در این صورت، شریک دیگر می‌تواند پول آن سهم را داده و مالک آن شود که در اصطلاح به آن حق شُفْعه گفته می‌شود.

۹۳- حق شفعه در چه اموالی جاری می‌شود؟



حق شفعه در همه‌ی اموال جاری می‌شود؛ مگر در پنج مورد که عبارتند از: کشتی، نهر آب، راه، حمام و آسیاب. و همچنین در حیوان هم - بنا بر احتیاط واجب - حق شفعه نیست.

شرایط شفعه

در صورتی شریک می‌تواند از حق شفعه استفاده کند که پنج شرط وجود داشته باشد:

یک. شراکت باید بین دو نفر باشد. بنابراین، اگر در مالی سه نفر یا بیشتر شراکت داشته باشند، حق شفعه جاری نمی‌شود.

دو. شریک باید توانایی پرداخت پول آن را داشته باشد. و منظور از پول، همان قیمتی است که آن سهم فروخته شده است؛ چه کمتر از قیمت واقعی آن باشد و چه بیشتر از آن.

سه. اگر خریدار مسلمان است، شریک هم باید مسلمان باشد.

چهار. شریک از حق شفعه‌ی خود فوری استفاده کند. بنابراین، اگر بدون عذر این حق را به تأخیر بیندازد، حق شفعه ساقط می‌شود.

پنج. شریک، سهم خود را فروخته باشد. بنابراین، اگر سهم خود را به دیگری هدیه کرده یا صلح نموده، در این صورت، شریک دیگر حق شفعه ندارد.

البته، در خانه و زمین اگر انتقال سهم به دیگری از راهی غیر از فروختن باشد، مسأله محل اشکال است.

۹۴- آیا شریک می‌تواند فقط در مقداری از مال از حق شفعه‌ی

خود استفاده کند؟

اگر شریک بخواهد از حق شفعه استفاده کند باید تمام مال را بگیرد و نمی‌تواند، به عنوان مثال، برای نصف آن از حق شفعه استفاده کند و بقیه را رها نماید.



۹۵- اگر شریک فقط مقداری از سهم خود را بفروشد، آیا باز هم حق شفعه وجود دارد؟

برای حق شفعه لازم نیست شریک تمام سهم خود را فروخته باشد؛ بلکه، اگر مقداری از سهم خود را هم فروخته باشد، شریک دیگر می‌تواند پول همان مقدار را داده و مالک آن قسمت از مال شود.



۹۶- حکم شفعه در موردی که شریک سهم خود را فروخته و بعد معامله به هم می‌خورد چیست؟ آیا باز هم حق شفعه جاری است؟

اگر شریک سهم خود را فروخت و بعد پشیمان شد و خریدار هم قبول کرد که معامله را به هم بزنند، حق شفعه ساقط نمی‌شود. و اگر شریک از حق شفعه استفاده کند اقاله باطل است؛ یعنی حتی بعد از به هم زدن معامله، باز هم شریک می‌تواند پول آن سهم را داده و مالک آن شود. ولی اگر فروشنده به واسطه‌ی یکی از خيارات، معامله را به هم زده باشد، مال به او برمی‌گردد و در این صورت، حق شفعه ثابت نیست.



این بخش از کتاب پیرامون مسائل اجاره است که در آن شرایط موجر و مستأجر، شرایط مال مورد اجاره، و مسائل متفرقه‌ی مربوط به آن مطرح می‌شود.

شرایط طرفین در اجاره‌ی اموال

موجر (اجاره‌دهنده) و مستأجر (اجاره‌کننده) باید پنج شرط داشته باشند تا اجاره‌ی آن‌ها صحیح باشد که آن شرایط عبارتند از:

یک. عاقل باشند.

دو. بالغ باشند.

سه. سفیه نباشند.

چهار. ورشکسته‌ای نباشند که مجتهد جامع شرایط فتوا آن‌ها را

از تصرف در اموالشان منع کرده باشد.

پنج. به ناحق بر اجاره اکراه نشده باشند.

اجاره‌ی مال یا خود بچه‌ی صغیر

۹۷- آیا جایز است اموال بچه‌ی صغیر یا خود او را اجاره دهند؟



اگر پدر یا پدربزرگ پدری یا قیم بچه‌ی صغیر مال او را اجاره دهد یا خود او را اجیر دیگری نماید اشکال ندارد.

شرایط مال اجاره داده شده

مالی که اجاره داده می‌شود باید شش شرط داشته باشد تا اجاره صحیح باشد. آن شرایط عبارتند از:

یک. معین باشد. بنابراین، اگر در اجاره چنین گفته شود: «یکی از خانه‌های خود را به تو اجاره می‌دهم»، و خانه را معلوم نکند، در این صورت، اجاره باطل است.



دو. کاملاً معلوم باشد. یعنی، به عنوان مثال، مستأجر آن را ببیند یا این که اجاره‌دهنده طوری خصوصیات آن را بگوید که به طور کامل معلوم شود.^۱



سه. تحویل دادن آن ممکن باشد. بنابراین، اجاره دادن اسبی که فرار کرده باشد باطل است؛ مگر این که خود اجاره‌کننده بتواند بر آن تسلط پیدا کند.



۱. برای نمونه، اگر مورد اجاره منزل است، مکان آن را معلوم نموده و بگوید طبقه‌ی چندم است یا چند اتاق دارد و مساحت آن چه مقدار است.

چهار. آن مال از اموالی نباشد که به واسطه‌ی استفاده کردن - که به آن خاطر مال را اجاره می‌دهند - از بین برود. بنابراین، اجاره دادن نان، میوه و خوردنی‌های دیگر برای خوردن صحیح نیست.



پنج. استفاده‌ای که مال را برای آن اجاره داده‌اند ممکن باشد. بنابراین، اجاره دادن زمین برای زراعت، در صورتی که آب باران کفایت آن را نکند و از آب دیگری هم مشروب نشود، باطل است.

شش. چیز اجاره داده شده مال خود اجاره‌دهنده باشد. بنابراین، اگر مال شخص دیگر اجاره داده شود، در صورتی صحیح است که صاحبش اجازه بدهد.

شرایط استفاده‌ی مال اجاره داده شده

استفاده‌ی مالی که برای اجاره داده می‌شود چهار شرط دارد که عبارتند از:

یک. استفاده‌ی حلال باشد. بنابراین، اجاره دادن مغازه، به عنوان

مثال، برای فروش وسایل قمار و موسیقی حرام و باطل است.^۱



دو. مدت اجاره و استفاده کردن از مال باید معلوم باشد. البته، در برخی موارد تعیین مدت اجاره لازم نیست؛ بلکه، اگر خود کار مشخص و معلوم باشد کافی است.^۲

سه. نوع استفاده معلوم باشد. بنابراین، اگر مالی چند نوع استفاده داشته باشد باید هنگام اجاره معلوم شود کدام یک مد نظر است.^۳

۱. اگر انسان جایی را برای کار حرامی اجاره دهد، این کار حرام و باطل است؛ ولی اگر برای کار حرام اجاره ندهد و فقط بداند که مستأجر در راه حرام از آن استفاده می‌کند، در این صورت، اجاره صحیح است. البته، اگر می‌داند که مستأجر قصد دارد از مغازه در راه حرام استفاده کند و می‌داند که اگر مغازه را به او اجاره ندهد موفق به اجاره کردن مغازه‌ی دیگری برای استفاده در راه حرام نمی‌شود، از باب جلوگیری کردن از این گناه، نباید مغازه را به او اجاره دهد.

۲. به عنوان مثال، شخصی پارچه‌ای را به خیاط می‌دهد که برای او کت و شلوار بدوزد. در این مورد، عمل کاملاً مشخص است و لازم نیست مدت را معلوم کنند.

۳. مثلاً اگر از وسیله‌ی نقلیه‌ای هم برای سوار شدن استفاده می‌شود هم بار بردن در این صورت باید معلوم شود که آیا برای سوار شدن اجاره داده می‌شود یا برای بار بردن.

چهار. پول دادن به خاطر آن استفاده از دید مردم بیهوده نباشد.^۱
و همچنین آن عمل در شرع به طور مجان واجب نباشد، مثل
اجیر شدن برای تجهیز اموات.

مبلغ اجاره

در اجاره باید مقدار مالی که اجاره‌کننده به اجاره‌دهنده می‌دهد
کاملاً معلوم باشد. بنابراین، اگر کسی بدون این که مقدار مال را معلوم
کند خانه‌اش را اجاره دهد، چنین اجاره‌ای باطل است.^۲

۱. به عنوان مثال، انسان کسی را اجیر کند که یک شب در قبرستان بخوابد تا ترس
او را امتحان کند که پول دادن برای چنین کاری بیهوده است.
۲. چنانچه کسی بدون معلوم کردن مبلغ اجاره از خانه‌ی دیگری استفاده کند،
باید اجرة المثل آن را بپردازد. در توضیح این مطلب می‌گوییم:
دو نوع اجرت وجود دارد:

الف) اجرة المسمى: به مقدار مالی که اجاره‌دهنده با اجاره‌کننده برای اجاره معلوم
می‌کنند «اجرة المسمى» گفته می‌شود.

ب) اجرة المثل: به مقدار مالی که به طور متعارف برای مورد اجاره قرار داده می‌شود
«اجرة المثل» می‌گویند. بنابراین، اگر در اجاره قیمت معلوم شود، نه اجاره‌کننده حق
دارد پول کمتری پرداخت کند و نه اجاره‌دهنده حق دارد پول بیشتری مطالبه نماید.
ولی اگر مبلغ معلوم نشود، باید به عرف مردم مراجعه شود که برای چنین موردی
چه مبلغی تعیین می‌شود، که اجاره‌کننده باید همان مبلغ را به اجاره‌دهنده بپردازد. به
عنوان مثال، اگر انسان ماشین را برای طی کردن مسافتی اجاره کند، دو حالت دارد:

حالت اول: در ابتدای کار، مبلغ کرایه را معلوم می‌کنند. به عنوان مثال، پنجاه هزار
تومان، در این حالت، نه راننده می‌تواند بیشتر از پنجاه هزار تومان بگیرد و نه مسافر
می‌تواند کمتر از پنجاه هزار تومان بدهد؛ چه قیمت واقعی آن کار کمتر از پنجاه
هزار تومان باشد و چه مساوی و چه بیشتر (مگر آن که فریب خورده باشد؛ که در
این صورت اگر غبن فاحش باشد می‌تواند اجاره را فسخ نماید).

حالت دوم: مبلغ را معلوم نمی‌کنند. در این حالت، اجاره باطل است و اگر استیفاء
منفعت شده باشد پس از پایان کار، راننده کرایه‌ی متعارف آن مسافت را از مسافر
طلبکار است. بنابراین، باید از رانندگان آن مسیر مبلغ آن مسافت پرسیده شود و
سپس مسافر همان مبلغ را به راننده بپردازد.

اجاره، عقد لازم یا جایز

۹۸- آیا عقد اجاره قابل بر هم زدن هست یا - مانند خرید و



فروش - یک عقد لازم محسوب می شود؟

اجاره، مانند خرید و فروش، یک قرارداد لازم است و نمی توان آن را به هم زد؛ مگر در صورتی که هر دو طرف اجاره راضی باشند یا این که شرعا حق فسخی داشته باشند.

مرگ موجر یا مستأجر

۹۹- شخصی منزل خود را اجاره داده و مالک خانه قبل از تمام



شدن مدت اجاره از دنیا می رود. حکم این اجاره چیست؟

اگر هر کدام از اجاره دهنده یا اجاره کننده از دنیا بروند، اجاره باطل نمی شود. به عنوان مثال، اگر کسی خانه اش را به مدت یک سال اجاره داد و در بین سال فوت شد، ورثه ی او نمی توانند مستأجر را از خانه بیرون کنند.

استفاده نکردن از مورد اجاره

۱۰۰- اگر مستأجر از مالی که اجاره کرده استفاده نکند، آیا



باز هم باید اجاره ی آن را بپردازد؟

هرگاه انسان چیزی را که اجاره داده تحویل دهد، اگرچه مستأجر تحویل نگیرد یا تحویل بگیرد و تا آخر مدت اجاره از آن استفاده نکند، باید اجاره ی آن را بپردازد.



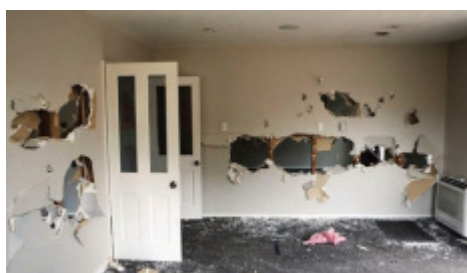
۱۰۱- شخصی اجیر شده تا کار مشخصی را انجام دهد ولی وقتی سر کار حاضر می‌شود، طرف مقابل شرایط کار را برای او فراهم نمی‌کند. حکم این مسأله چیست؟

اگر انسان اجیر شود که در روز معین با اجرت مشخص کاری را انجام دهد و در آن روز برای انجام آن کار حاضر شود، کسی که او را اجیر کرده اگرچه کار را به او واگذار نکند باید اجرت او را پرداخت کند. به عنوان مثال، اگر بنایی را برای ساختن دیواری در روز معینی اجیر کند و او در آن روز آماده‌ی کار شود ولی صاحب کار شرایط بنایی را برایش فراهم نکند، باید اجرت او را بپردازد.

تلف یا خسارت مال



۱۰۲- اگر شخصی چیزی را اجاره کند و بعد به آن خسارتی وارد شده یا از بین برود، جبران این خسارت بر عهده‌ی کیست؟



اگر چیزی را که اجاره شده مستأجر تحویل بگیرد و خسارتی ببیند یا

از بین برود؛ چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نشده و در استفاده از آن نیز زیاده‌روی صورت نگرفته، چیزی بر عهده‌ی او نیست.

اجاره دادن ملک به دیگری

۱۰۳- اگر انسان ملکی را اجاره کرده باشد، آیا می‌تواند آن



را به شخص دیگری اجاره دهد؟

اگر انسان خانه یا مغازه‌ای را اجاره کند، دو حالت دارد:

حالت اول: صاحب ملک با مستأجر شرط می‌کند که به

شخص دیگری اجاره ندهد. در این حالت، او حق ندارد ملک

را به دیگری اجاره دهد.

حالت دوم: صاحب ملک با مستأجر شرط نمی‌کند. در این

حالت، مستأجر می‌تواند آن ملک را به همان قیمت که

اجاره کرده یا به کمتر از آن قیمت به دیگری اجاره دهد.

ولی اگر بخواهد به قیمت بالاتری اجاره دهد، باید در آن

کاری مانند تعمیر و سفیدکاری و یا امثال آن انجام داده

باشد، یا به غیر جنسی که اجاره کرده به دیگری اجاره

دهد.^۱ و اگر غیر خانه، مغازه، کشتی، اجیر، و نیز بنا بر

احتیاط واجب اطلاق و آسیاب، چیز دیگری را مانند ماشین

اجاره کند و مالک بر او شرط نکند که به دیگری اجاره

ندهد، می‌تواند آن را به شخص دیگری به همان قیمتی که

اجاره کرده یا کمتر از آن و یا بیشتر از آن اجاره دهد.

۱. به عنوان مثال، اگر خانه‌ای را ماهیانه ده میلیون تومان اجاره کرده، می‌تواند بدون

این که کاری در آن انجام بدهد، به دیگری ماهیانه به مقدار مشخصی طلا - که قیمت

آن بیشتر از ده میلیون تومان است - اجاره دهد.

واگذار کردن عمل به دیگری

۱۰۴- اگر انسان برای انجام کاری اجیر شود، آیا می‌تواند آن



کار را به دیگری واگذار نماید؟

اگر انسان اجیر شود که کاری را انجام دهد؛ چنانچه با او شرط کرده باشند که خود او آن را انجام دهد، یا قرینه‌ای باشد که مقصود اجاره‌کننده خود اجیر است - مثلاً او در کارش مهارت دارد و اجاره‌کننده به خاطر اطمینان به شخص او کار را به او واگذار نموده است - در این صورت، اجیر نمی‌تواند کار را به دیگری واگذار نماید و باید خودش آن را انجام دهد. و چنانچه با اجیر شرط مباشرت نکرده باشند و قرینه‌ای هم نباشد، اجیر می‌تواند آن کار را به دیگری واگذار نموده و همان مبلغ یا بیشتر از مبلغ مشخص شده را به او بدهد. ولی اگر بخواهد مقداری از مبلغ را به او داده و مقداری از آن را برای خودش بردارد، این کار جایز نیست و مال بر او حرام است؛ مگر این که خودش هم مقداری از کار را انجام داده باشد.^۱

فروش ملک اجاره داده شده

۱۰۵- اگر منزل یا چیز دیگری را اجاره داده باشند، آیا مالک



۱. برای نمونه، اگر برای دوختن کت و شلوار مبلغ یک میلیون تومان معین کرده باشد، نمی‌تواند کار را به دیگری واگذار نموده و پانصد هزار تومان برای خودش برداشته و پانصد هزار تومان دیگر را به او بدهد. ولی اگر خودش هم مقداری از خیاطی را انجام دهد، می‌تواند مقداری از آن مبلغ را بردارد.

می‌تواند قبل از تمام شدن مدت اجاره، آن را به دیگری بفروشد؟

اگر مالک، پیش از آن که مدت اجاره تمام شود، مال خود را بفروشد، اجاره به هم نمی‌خورد و خریدار باید تا پایان مدت اجاره صبر نماید و اجاره‌دهنده نیز نمی‌تواند آن مال را از تصرف مستأجر خارج کند و مبلغ اجاره تا پایان مدت برای مالک قبلی است نه برای کسی که آن را خریده است.^۱

اجاره به شرط قرض

۱۰۶- حکم املاکی که به صورت - به اصطلاح - رهن و اجاره واگذار می‌شود چیست؟ آیا این چنین اجاره‌هایی صحیح است؟

اگر انسان چیزی را به دیگری اجاره دهد می‌تواند در ضمن آن هر شرط جایزی را قرار دهد. به عنوان نمونه، می‌تواند به مستأجر چنین بگوید: «خانه‌ی خود را به مدت یک سال به مبلغ ماهیانه ده میلیون تومان به شما اجاره می‌دهم؛ به شرط اینکه مبلغ پانصد میلیون تومان به مدت یک سال به من قرض‌الحسنه بدهی». در این حالت، هم اجاره صحیح است و هم شرط در ضمن آن؛

۱. البته، اگر خریدار نداند که آن ملک را اجاره داده‌اند یا به گمان این که مدت اجاره‌ی آن کم است ملک را خریده باشد، پس از اطلاع می‌تواند معامله را فسخ نماید.

و مستأجر نیز باید طبق آن عمل نماید.^۱

حد استفاده از مورد اجاره

۱۰۷- اگر انسان ملک یا مال دیگری را اجاره نماید، حد و



اندازه‌ی استفاده از آن به چه صورت است؟

در اجاره، مستأجر می‌تواند به قدر متعارف از منفعت چیزی که اجاره کرده استفاده نماید؛ نه بیشتر از آن. همچنین، مالک نمی‌تواند او را از منافع متعارف منع کند. به عنوان مثال، اگر انسان وسیله‌ی نقلیه‌ای را اجاره کند که با آن اثاث منزل را

۱. اگر کسی در ضمن قرض شرط کند که قرض‌گیرنده مبلغ اجاره را کم کند، این ربا و حرام است. چون در ضمن قرض، شرط زیاده کرده است. به عنوان مثال، مستأجر به صاحب ملک چنین بگوید: «پانصد میلیون تومان به تو قرض می‌دهم به شرط این که مبلغ اجاره را کمتر بگیری». ولی اگر کسی در ضمن معامله‌ی اجاره با مستأجر شرط کند که مبلغی را به او قرض دهد، این کار جایز است. و این مطلب به خاطر این است که هر شرط زیاده در ضمن قرض حرام است ولی شرط زیاده در ضمن اجاره یا در ضمن خرید و فروش حرام نیست.

نکته: قرض‌الحسنه‌ی کامل برای استفاده کردن از منافع ملک - که اصلاً اجاره‌ای گرفته نشود - حرام است. چون معامله‌ی اجاره‌ای انجام نشده که در ضمن آن، قرض‌الحسنه را شرط کرده باشند، و هنگامی اجاره صحیح است که مبلغی را به عنوان کرایه‌ی ملک معلوم کرده باشند و اجاره به نحو صحیح محقق شده باشد. بنابراین، صاحب ملک می‌تواند در ضمن آن، قرض‌الحسنه را شرط نماید.

حمل نماید، حق ندارد بیشتر از قدر متعارف، اثاث با آن حمل نماید. همچنین، صاحب وسیله نیز نمی‌تواند از بار زدن به مقدار متعارف جلوگیری نماید.^۱



و یا اگر کارگری را اجیر کند، نمی‌تواند بیش از حد از او کار بکشد، و کارگر هم حق ندارد بیشتر از مقدار معمول و متعارف استراحت نماید.

خراب شدن مورد اجاره

۱۰۸- اگر چیزی را اجاره کنند و آن خراب شود، حکم قرارداد



اجاره چیست؟ آیا اجاره باطل می‌شود؟

اگر پیش از شروع مدت اجاره، مورد اجاره به گونه‌ای خراب

۱. به عنوان مثال، اگر ظرفیت ماشین یک تن بار است، مستأجر نباید بیشتر از آن بار بزند و صاحب ماشین هم نباید مانع شود که یک تن بار بزند.

شود که قابل استفاده نباشد، در این صورت، اجاره باطل شده و مستأجر پولش را پس می‌گیرد. و اگر بعد از گذشتن مقداری از مدت اجاره خراب شود، اجاره‌ی مدتی که باقی مانده باطل شده و مستأجر می‌تواند اجاره‌ی مدت گذشته را به هم زده و اجرة المثل آن مدت گذشته را بدهد.



این بخش از کتاب پیرامون مسائل مضاربه است که در آن، شرایط مضاربه، شرایط مالک و عامل، شرایط مال مضاربه، شرایط تعیین سود و مسائل متفرقه‌ی مربوط به آن مطرح می‌شود.

تعریف مضاربه

مُضاربه، در اصطلاح، قراردادی است که شخصی به دیگری مالی می‌دهد که با آن تجارت نموده و سود حاصل بین آن‌ها به صورت کسرِ مشاع - مانند نصف یا ثلث - تقسیم شود. در مضاربه، به صاحب مال «مالک» و به کسی که تجارت می‌کند «عامل» گفته می‌شود.

شرایط مضاربه

مضاربه یک قرارداد دو طرفی است که نیاز به قبول طرف مقابل

دارد و برای این که قرارداد مضاربه صحیح باشد، شرایطی وجود دارد که عبارتند از:

شرایط مالک و عامل

- یک. بالغ باشند.
- دو. عاقل باشند.
- سه. مجبور نباشند (یعنی آن‌ها را برای انجام این قرارداد اکره نکرده باشند).
- چهار. مالک، محجور نباشد. مانند سفیه و یا ورشکسته‌ای که مجتهد جامع شرایط فتوا او را از تصرف در اموالش به جهت ورشکستگی منع کرده است.
- پنج. عامل، سفیه نباشد (ولی اگر با اذن ولی او این قرارداد انجام شود، صحیح است).
- شش. عامل، قدرت بر تجارت داشته باشد.

شرایط مالی که برای مضاربه داده می‌شود

- مالی که برای مضاربه داده می‌شود دو شرط دارد که عبارت است از:
- یک. آن مال باید پول باشد. بنابراین، مضاربه دادن اجناس - مانند طلا - برای مضاربه محل اشکال است.
 - دو. آن مال، دین (طلب) نباشد؛ بلکه عین باشد. یعنی پول نقد باشد نه طلب از دیگران.

شرایط تعیین سود

تعیین سود در مضاربه نیز سه شرط دارد که عبارتند از:

یک. مقدار سود هر کدام از طرفین باید معلوم باشد.

دو. مقدار سود باید به صورت کسر مشاع (یا همان درصدی) باشد. به عنوان مثال، بگویند: «هر مقداری که سود حاصل شد، نصف آن برای مالک و نصف دیگر برای عامل باشد»؛ یا بگویند مثلاً شصت درصد سود حاصل برای مالک و چهل درصد آن برای عامل باشد.^۱

سه. سود فقط بین مالک و عامل تقسیم شود. بنابراین، اگر شرط شود که مقداری از آن برای کسی باشد که کاری برای تجارت آن‌ها انجام نمی‌دهد، مضاربه باطل است.

وظایف عامل

۱۰۹ - وظایف عامل در قرارداد مضاربه چیست؟



عامل باید به طور متعارف مشغول تجارت شود و کارهایی که معمولاً خود تجار انجام می‌دهند را باید خودش انجام دهد و

۱. آنچه باید در مضاربه معلوم شود درصد سهم هر کدام از مالک و عامل نسبت به سود حاصل از تجارت است نه نسبت به مقدار مالی که مالک به عامل می‌دهد. بنابراین، اگر کسی بگوید: «این پول را به تو می‌دهم که با آن تجارت کنی و در مقابل برای هر یک میلیون، پنجاه هزار تومان به من بده»، یا بگوید: «پنج درصد پولی را که به تو داده‌ام ماهیانه به من بده»، در این صورت، صحیح نیست.

نمی‌تواند بابت آن اجرت بگیرد.^۱ ولی لازم نیست کارهایی را که به طور متعارف به دیگران واگذار می‌شود خودش مستقیماً انجام دهد؛ بلکه می‌تواند شخص دیگری را برای آن کار اجیر نموده و اجرت او را از اصل سرمایه پرداخت کند. به عنوان مثال، برای خالی کردن اجناس می‌تواند کارگر گرفته و اجرت آن‌ها را از سرمایه بدهد و لازم نیست خودش این کارها را انجام دهد و اگر انجام داد می‌تواند اجرتش را بردارد.



۱۱۰- حد و حدود اختیارات عامل در مضاربه چیست؟ آیا



باید برای هر کاری از مالک اجازه بگیرد؟

اگر در ضمن قرارداد مضاربه شرط خاصی نشده باشد، عامل می‌تواند مال را در هر خرید و فروشی که مصلحت می‌داند مصرف کند؛ چه از جهت نوع جنس و چه از نظر انتخاب

۱. اگر برای کاری که باید خودش انجام دهد کسی را اجیر کند، باید اجرت را از مال خودش پرداخت کند نه از اصل سرمایه.

فروشنده و خریدار و چه از نظر قیمت‌گذاری. ولی اگر مالک در ضمن قرارداد با عامل شرط کرده باشد که جنس خاصی را خرید و فروش نماید یا با فروشنده و خریدار مخصوصی کار کند، عامل حق ندارد مال را در غیر آن موارد مصرف کند؛ و همچنین حق ندارد مال مضاربه را با مال خودش یا مال شخص دیگری مخلوط نماید؛ مگر این که از مالک اجازه بگیرد. و همچنین عامل نمی‌تواند بدون اجازه‌ی مالک با سرمایه مسافرت نموده و در سفر تجارت نماید.^۱ ولی اگر مالک اجازه داد، عامل می‌تواند با سرمایه مسافرت نماید و نیز می‌تواند مخارج لازم برای سفر تجاری را در حد متعارف از اصل سرمایه بردارد.^۲

شرط در ضمن مضاربه



۱۱۱- حکم شرط کردن در ضمن قرارداد مضاربه چیست؟

آیا آن شرط صحیح است؟ آیا عمل کردن به آن شرط

لازم است؟

اگر در ضمن قرارداد مضاربه شرط جایزی را قرار دهند، تا زمانی که مضاربه به هم نخورده باشد مالک و عامل باید نسبت به آن شرط پای‌بند بوده و طبق آن عمل نمایند. بلی؛ اگر هر کدام از مالک یا عامل مضاربه را به هم زدند، خود به خود شرط در ضمن آن نیز منتفی می‌شود.

۱. مگر این که مسافرت کردن با سرمایه متعارف باشد.

۲. البته، در صورتی که شرط نشده باشد که هزینه‌ی سفر با عامل باشد.

خسارت در مضاربه

۱۱۲- اگر در مضاربه به سرمایه خسارتی وارد شود، بر

عهده‌ی کیست؟

عامل امین است و اگر خسارتی به سرمایه‌ای که در دست اوست وارد شود دو حالت دارد:

حالت اول: عامل افراط یا تفریط کرده است؛ یعنی در انجام وظایفش کوتاهی کرده - برای مثال، سرمایه را در معاملاتی که احتمال ضرر آن زیاد است مصرف نموده - یا در حفظ و نگهداری از مال سهل‌انگاری کرده و آن از بین رفته است. در این حالت، تمام خسارت بر عهده‌ی عامل است.

حالت دوم: عامل افراط یا تفریط نکرده است. در این حالت، تمام خسارت مربوط به مالک است و چیزی بر عهده‌ی عامل نیست.

روش محاسبه‌ی خسارت و سود

۱۱۳- اگر در طی معاملاتی که عامل انجام می‌دهد، در بعضی،

سود حاصل شود و در برخی دیگر، خسارتی به اصل

سرمایه وارد شود، روش محاسبه‌ی سودی که باید بین

دو طرف تقسیم شود، در این‌گونه موارد، چگونه است؟

اگر عامل معاملات مختلفی با سرمایه انجام دهد و در بعضی به سرمایه خسارت وارد شود و در برخی دیگر سود به دست آید، اول خسارت وارده بر سرمایه را با آن سود حاصل جبران

می‌کنند بعد اگر چیزی باقی ماند بین مالک و عامل تقسیم می‌شود. به عنوان مثال، اگر سرمایه پانصد میلیون تومان باشد و در معامله‌ای خسارت وارد شود و چهارصد میلیون تومان باقی بماند، چنانچه با این چهارصد میلیون معامله نموده و دویست میلیون سود به دست آورد، اول صد میلیون خسارت سرمایه را با آن جبران می‌کنند، سپس صد میلیون باقی‌مانده را مالک و عامل تقسیم می‌کنند. بلی؛ عامل می‌تواند در ضمن عقد مضاربه با مالک شرط کند که خسارت قبل یا بعد، از سود حاصل کم نشود،^۱ که این شرط صحیح است.

شرط جبران خسارت

۱۱۴ - آیا مالک می‌تواند شرط کند که اگر خسارتی به سرمایه وارد شود بر عهده‌ی عامل باشد؟



اگر مالک به عامل بگوید: «این پانصد میلیون تومان را به تو می‌دهم که با آن تجارت نموده و سود آن را نصف به نصف تقسیم کنیم؛ به شرط این که خسارت هم نصف به نصف باشد یا این که تمام خسارت بر عهده‌ی تو باشد»، این شرط باطل است. یعنی اگر خسارتی بر سرمایه وارد شد، باز بر عهده‌ی مالک است.

بلی؛ اگر مالک به عامل بگوید: «به شرط این که نصف خسارت یا تمام آن را - اگرچه بر عهده‌ی من است ولی تو - از پول خودت

۱. که در این صورت، چیزی از سهم عامل کسر نمی‌شود.

جبران کنی (یعنی به من تملیک کنی)»، در این صورت، این شرط صحیح است و عامل باید طبق آن عمل نماید.

مضاربه، عقد جایز یا لازم؟

مضاربه، در بین عقود، یک عقد جایز به حساب می‌آید. یعنی قراردادی است که مالک یا عامل هر وقتی که بخواهند می‌توانند آن را به هم بزنند؛ چه عامل شروع به تجارت کرده باشد و چه نکرده باشد. و اگر شروع کرده، فرقی نمی‌کند که سودی حاصل شده باشد یا نشده باشد.

۱۱۵- آیا می‌شود در ضمن مضاربه شرط کنند که مضاربه لازم باشد؟

اگر در ضمن قرارداد شرط کنند که مضاربه لازم باشد - یعنی قابل به هم زدن نباشد - این شرط باطل است.

فوت مالک یا عامل

۱۱۶- آیا با فوت کردن مالک یا عامل، قرارداد مضاربه هم از بین می‌رود؟

اگر یکی از مالک یا عامل در عقد مضاربه از دنیا برود، قرارداد مضاربه باطل می‌شود.

تعدد مالک و عامل



در قرارداد
مضاربه، جایز
است که مالک
یکی و عامل
متعدد باشد. به
عنوان مثال،
مالک سرمایه‌اش

را در اختیار سه نفر قرار دهد تا با آن تجارت نمایند. همچنین، جایز است مالک متعدد و عامل یکی باشد. به عنوان مثال، چند مالک به یک عامل پول می‌دهند که با آن تجارت نماید.

در جایی که مالک یکی و عامل متعدد است، مالک می‌تواند در تعیین مقدار سود با آن‌ها به طور یکسان رفتار کند و می‌تواند بین آن‌ها فرق بگذارد. به عنوان مثال، می‌تواند با یکی نصف به نصف و با بقیه به صورت ثلث قرارداد ببندد.

کار نکردن عامل

اگر عامل سرمایه را از مالک بگیرد ولی با آن تجارت نکند، معصیت کرده (مگر در صورتی که معذور باشد) و مالک می‌تواند سرمایه را از او پس بگیرد؛ ولی نمی‌تواند چیزی بابت معطل کردن سرمایه از عامل بگیرد.

مشخص نکردن سود

اگر مالک پولی را به عامل بدهد که با آن تجارت کند ولی سهم سود هر کدام را معین نکنند، مضاربه باطل است. در این صورت، اگر عامل معاملاتی انجام داده و سودی حاصل شده باشد، چون مضاربه باطل است، تمام سود برای مالک می‌شود و عامل فقط می‌تواند اجرةالمثل عمل و زحمت خود را از مالک بگیرد.

مصالحه بر تقسیم سود

اگر عامل به مالک بگوید: «من با پول تو تجارت می‌کنم و هر مقدار سود حاصل شد - مثلاً - نصف به نصف تقسیم می‌کنیم. ولی برای این که من نمی‌توانم هر ماه حساب‌رسی کنم، علی‌الحساب ماهیانه ده میلیون تومان به تو قرض می‌دهم و کم و زیاد آن را هر وقت سود حاصل شد با هم مصالحه می‌کنیم». یعنی اگر حق واقعی تو بیشتر از ده میلیون تومان است، حلال کن. و اگر حق واقعی تو کمتر از این مبلغ است، من آن زیاده را حلال می‌کنم، در این صورت، هم مضاربه و هم مصالحه بر تقسیم سود صحیح است.



شرکت، در اصطلاح، عبارت است از این که مالی را به صورت کسرِ مُشاع^۱ دو نفر یا بیشتر مالک باشند.

اقسام شرکت

شرکت بر دو قسم است که عبارتند از:
یک. غیراختیاری: یعنی بدون اختیار شریک شوند. مانند: ارث.
دو. اختیاری: یعنی با اختیار خودشان شریک شوند. مانند این موارد:



- دو یا چند نفر
باهم مالی را
حیازت کنند یا
مثلاً ماهی صید
کنند.

۱. یعنی در جزء جزء آن مال با هم شریک باشند.

- به خرید و فروش و مانند این‌ها با هم شریک شوند. به عنوان مثال، کسی نصف مشاع خانه‌ی خود را به دیگری بفروشد.
 - امتزاج اموال؛ یعنی اموالشان را طوری با هم مخلوط کنند که قابل تشخیص نباشد. مانند این که دو ظرف شیر از دو نفر را در ظرفی بریزند که مخلوط شود.

عقد شرکت

اگر دو نفر یا بیشتر با هم قرارداد کنند که با مال مشترک معامله کنند و سود آن را تقسیم نمایند و ضرر هم برای آن‌ها باشد، این قرارداد صحیح است و این عقد شرکت است؛ که یک قرارداد جایز است و می‌توانند آن را فسخ کنند.

شرکت در کار

۱۱۷- آیا شرکت در کار هم مثل شرکت در مال صحیح است؟



شرکت در اموال - همان‌گونه که گفته شد - صحیح است ولی شرکت در اعمال صحیح نیست. به عنوان مثال، دو نفر مکانیک



که در یک گاراژ کار می‌کنند با هم قرار بگذارند که هر چه مزد گرفتند با هم تقسیم کنند، این شرکت صحیح نیست. بلکه، هر کدام به

اندازه‌ای که مزد گرفته حق دارد. بلی؛ اگر هر کدام نصف درآمده را به دیگری صلح کند، صحیح است و می‌توانند به طور مساوی مال را تقسیم کنند.

حق استفاده از مال مشترک

هیچ‌کدام از دو شریک حق ندارند بدون اجازه‌ی شریک دیگر در مال مشترک تصرف کنند و بدون اجازه‌ی دیگری با آن مال تجارت نمایند.

تقسیم سود

۱۱۸- روش محاسبه و تقسیم سود در شرکت چگونه است؟



هر مقدار سودی که حاصل شد بین شرکا نسبت به مقدار مالی که دارند تقسیم می‌شود. بنابراین، اگر مال هر دو مساوی بوده، سود هم به طور مساوی تقسیم می‌شود؛ و اگر یکی از شرکا دو برابر دیگری مال داشته، دو برابر سود می‌برد. و اگر در ضمن معامله شرط کنند که یک نفر بیشتر از دیگری سود ببرد - در حالی که مال آن‌ها مساوی است - این شرط صحیح نیست ولی قرارداد شرکت باطل نمی‌شود.

البته، اگر فقط یکی از دو شریک کار می‌کند و یا اگر هر دو کار می‌کنند او بیشتر از دیگری کار می‌کند یا کار او ارزش بیشتری دارد، می‌تواند شرط کند که سود بیشتری ببرد.

شرکت، عقد لازم یا جایز؟

۱۱۹- آیا شرکت لازم‌الوفاء است یا این که هر کدام بخواهند

می‌توانند شرکت را به هم بزنند؟

هرگاه یکی از شرکا تقاضا کند که مال مشترک را تقسیم کنند، باید دیگران قبول نمایند؛ مگر این که تقسیم مال ضرر قابل توجهی به مال شرکا وارد نماید.^۱

۱۲۰- اگر مال مشترک قابل تقسیم نباشد، آیا باز هم

می‌توانند شرکت را از بین ببرند؟

اگر مال مشترک جزء اموالی باشد که قابل قسمت نیست - مانند یک ماشین - باز هم شریک می‌تواند سهم خود را طلب نماید؛ اگرچه لازم باشد که آن را بفروشند و شریک دیگر هم نمی‌تواند از فروش آن جلوگیری کند.

شرط به هم نزدن شرکت

۱۲۱- آیا می‌شود در ضمن شرکت، شرط کنند که آن را به هم

نزنند؟

جایز است شرکا در ضمن یک عقد لازم یا در ضمن یک عقد جایز - تا زمانی که آن عقد جایز به هم نخورده باشد - شرط کنند که تا مدت مشخص، شرکت را به هم نزنند و با این شرط اگر یکی از شرکا قبل از فرارسیدن آن مدت، تقاضای قسمت کند، بر بقیه لازم نیست قبول نمایند.

۱. به عنوان مثال، با مال مشترک تجارتي کرده‌اند که اگر مال را در وسط تجارت تقسیم کنند ضرر قابل توجهی به سرمایه وارد می‌شود.



این بخش از کتاب پیرامون مسائل قرض است که در آن، موضوعاتی از قبیل اقسام قرض، پس دادن قرض و قرض ربوی مطرح می‌شود.

قرض دادن از منظر قرآن و روایات

قرض دادن به مسلمان، مخصوصاً مؤمنان، از کارهای مستحب است و در قرآن کریم به آن امر شده است. قرض دادن به مؤمن در قرآن کریم قرض دادن به خدا شمرده شده و وعده‌ی مغفرت به شخص قرض‌دهنده داده شده است.

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام هم راجع به قرض دادن سفارش شده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این زمینه فرموده‌اند:

کسی که به برادر مسلمان خود قرض دهد، برای او به هر دره‌می که قرض داده به وزن کوه اُحد از کوه‌های رضوی و طور سیناء حسنات

داده می‌شود. و اگر با او در طلب قرض مدارا کند بر صراط مانند برق بدون حساب و عذاب می‌گذرد. و کسی که برادر مسلمان به او شکایت نموده و قرض ندهد، خداوند عزّ و جلّ بهشت را بر او حرام می‌کند.

حضرت امام صادق علیه السلام پیرامون قرض دادن می‌فرمایند:

قرض دادن برای من محبوب‌تر است از آن‌که به مانند آن صدقه بدهم.

نکته: مکروه است انسان بدون این‌که نیاز داشته باشد قرض کند.

اقسام قرض

قرض دادن دو قسم است که عبارتند از:

یک. مدت‌دار: انسان به کسی قرض می‌دهد و با او شرط می‌کند که تا زمان مشخصی آن را پس دهد. در این نوع قرض، طلبکار نمی‌تواند قبل از فرارسیدن زمان مشخص‌شده آن مال را طلب نماید.

دو. بدون مدت: انسان مالی را به کسی قرض می‌دهد و برای پس گرفتن آن زمانی را معلوم نمی‌کند. در این نوع قرض، طلبکار هر وقت که بخواهد می‌تواند مالش را طلب نماید.

پس دادن قرض

اگر طلبکار - در موردی که حق مطالبه دارد - طلب خود را بخواهد، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد باید فوراً آن را بپردازد و اگر تأخیر بیندازد گناهکار است.

۱۲۲- اگر بدهکار پول نقد نداشته باشد تکلیف چیست؟



اگر بدهکار پول نقد نداشته باشد ولی مالی دارد که با فروش آن به سختی نمی‌افتد و می‌تواند با پول آن قرضش را پرداخت نماید، باید آن مال را فروخته و پول طلبکار را بدهد. ولی اگر بدهکار غیر از خانه‌ای که در حد شأن اوست و در آن ساکن است و اثاثیه‌ی منزل و چیزهای دیگری که باید در زندگی داشته باشد چیزی نداشته باشد، طلبکار نمی‌تواند طلب خود را را از او مطالبه نماید؛ بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را پرداخت نماید.

کسب و تجارت برای پرداخت بدهی

کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را پرداخت نماید، چنانچه بتواند کاسبی نموده و برای او خیلی سخت نباشد واجب است کسب کند و بدهی خود را پرداخت کند.

پیدا نشدن طلبکار

کسی که دسترسی به طلبکار خود ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که او را پیدا کند باید طلب او را از طرف صاحبش به قصد صدقه به فقیر بدهد و برای این کار، بنا بر احتیاط واجب، از مجتهد جامع شرایط فتوا اجازه بگیرد.

فوت کردن طلبکار

اگر طلبکار از دنیا برود، بدهکار باید مال او را به ورثه تحویل دهد.

فوت کردن بدهکار

اگر بدهکار بمیرد، باید بدهی او را از اصل مالش جدا نموده و به طلبکار پرداخت کنند. و چنانچه هیچ مالی نداشته باشد، بر ورثه‌ی او واجب نیست از مال خودشان قرض میت را پرداخت کنند.

کم شدن ارزش طلب

۱۲۳- اگر کسی بدهکار شد و مدتی از آن گذشت و

ارزش آن بدهی به طور قابل توجهی کم شد،

تکلیف چیست؟

بدهکار و طلبکار - بنا بر احتیاط واجب - با یکدیگر بر مبلغی

مصالحه نمایند.

پس دادن جنس دیگر

۱۲۴- آیا می‌شود بدهکار، هنگام پس دادن قرض، جنس

دیگری تحویل دهد؟

اگر انسان طلا یا هر جنس دیگری را از کسی قرض

کند، هنگام پس دادن لازم است همان جنس را تحویل دهد؛ چه قیمت آن جنس بیشتر شده باشد چه کم شده باشد. و طلبکار نمی‌تواند پول آن را طلب نماید. بلی؛ اگر بدهکار و طلبکار هر دو به غیر آن چه قرض داده شده است راضی باشند، اشکال ندارد.

قرض ربوی

کسی که قرض می‌دهد اگر شرط کند که قرض‌گیرنده مقدار بیشتری را بدهد، در این صورت، ربا و حرام است که تفصیل آن در احکام ربا گذشت.



جُعاله، در اصطلاح، آن است که انسان قرار بگذارد در مقابل کاری که برای او انجام می‌دهند مالی پرداخت کند. مانند آن که بگوید: «هر کس - یا شخص معینی - گمشده‌ی من را پیدا کند یک سکه‌ی طلا به او می‌دهم».

به کسی که این قرار را می‌گذارد «جاعل» و به کسی که کار را انجام می‌دهد «عامل» گفته می‌شود.

فرق جعاله با اجاره

بین جعاله و اجاره دو فرق وجود دارد که عبارتند از:

یک. در **اجاره**، بعد از قرارداد اجاره، اجیر باید عمل را تحویل دهد؛ یعنی مشغول کار شود؛ و کسی هم که او را اجیر کرده اجرت را به او بدهکار می‌شود. ولی در **جعاله**، اگرچه عامل

شخص معینی باشد می‌تواند مشغول عمل نشود و تا عمل را انجام نداده باشد، جاعل بدهکار نمی‌شود.

دو. **اجاره** یک نوع عقد و قرارداد دو طرفی است؛ یعنی نیاز به قبول شخص مقابل دارد. ولی **جعاله** ایقاع یعنی قرارداد یک طرفی است و نیاز به قبول کسی ندارد.

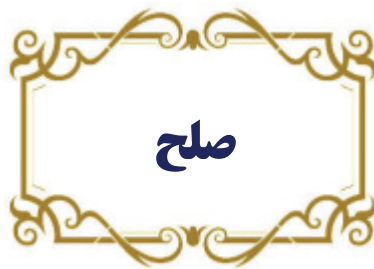
عمل مورد جعاله

کاری را که جاعل می‌گوید برای او انجام دهند، باید بی‌فایده یا حرام نباشد.^۱ بنابراین، اگر جاعل بگوید: «هر کس در شب به جای تاریکی برود یا شراب بخورد پنج میلیون تومان به او می‌دهم»، این جعاله صحیح نیست.

به هم زدن جعاله

پیش از آن که عامل شروع به کار کند جاعل می‌تواند از قرار خود برگردد. عامل هم هر وقت که خواست می‌تواند عمل را ناتمام بگذارد. ولی اگر تمام نکردن عمل موجب ضرر جاعل شود، باید آن را تمام نماید.

۱. یا واجبی نباشد که شرعا باید مجانا انجام شود. بنابراین، اگر جاعل بگوید: «هر کس نماز واجب خود را بخواند مالی به او می‌دهم»، این جعاله باطل است.



صلح، در اصطلاح، عبارت است از این که انسان با دیگری سازش کند که مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملک او نموده یا اباحه کند، یا از طلب و یا از حق خود بگذرد که او هم، در عوض، مقداری از مال یا منفعت مال خود را به او واگذار یا اباحه نموده یا از طلب یا حقی که دارد بگذرد.

اقسام صلح

صلح بر دو قسم است:

یک. **صلح مُعَوَّض**: واگذاری یا اباحه‌ای که در مقابل آن واگذاری یا اباحه‌ای قرار می‌گیرد.

دو. **صلح غیر مُعَوَّض**: واگذاری یا اباحه‌ای که در مقابل آن چیزی قرار نمی‌گیرد؛ که محل اشکال است.

شرایط دو طرف مصالحه

دو طرف مصالحه چهار شرط دارند که عبارتند از:

یک. باید هر دو عاقل و بالغ باشند.

دو. باید هر دو قصد صلح داشته باشند.

سه. کسی به ناحق آن‌ها را مجبور به صلح نکرده باشد.

چهار. باید هر دو سفیه نباشند و مجتهد جامع شرایط فتوا آن‌ها را به خاطر ورشکستگی از تصرف در اموالشان ممنوع نکرده باشد.

مصالحه با طلبکار

۱۲۵- اگر بدهکار مقدار بدهی خود را بداند ولی به طلبکار نگوید و بر مبلغ ناچیزی با او مصالحه نماید، آیا این کار صحیح است؟



اگر انسان مقدار بدهی خود را بداند و طلبکار او نداند، هرگاه طلبکار طلب خود را به کمتر از مقداری که هست صلح کند - برای نمونه، صد میلیون تومان طلبکار باشد و طلب خود را به ده میلیون تومان صلح نماید - در این صورت، زیادی آن (نود میلیون تومان) برای بدهکار حلال نیست؛ مگر آن که مقدار بدهی خود را به او بگوید و او را راضی نماید یا طوری باشد که اگر مقدار طلب خود را می‌دانست باز هم به آن مقدار صلح می‌کرد.

نقد کردن طلب مدت‌دار

اگر شخصی از کسی طلبی دارد که باید بعد از مدتی بگیرد، چنانچه طلب خود را به مقدار کمتری صلح کند و مقصودش این باشد که از مقداری از طلب خود گذشت کند و بقیه را نقد بگیرد، اشکال ندارد.^۱

صلح ، عقد لازم یا جایز؟

۱۲۶- آیا صلح یک قرارداد لازم‌الوفاء است؟



صلح یک عقد لازم است و دو طرف مصالحه باید به آن پای‌بند باشند، ولی با رضایت یکدیگر می‌توانند آن را به هم بزنند.

شرط در ضمن مصالحه

هرگاه انسان مال خود را به کسی صلح نموده و با او شرط کند و بگوید که بعد از مرگ من باید چیزی را که به تو صلح کردم - مثلاً - وقف کنی و او هم این شرط را قبول کند، باید به شرط عمل نماید.

۱. به عنوان نمونه، جنسی را یک‌ماهه به مبلغ صد میلیون تومان بفروشد. بعد، طلب یک ماه دیگر خود را به نقد کمتر - مثلاً نود میلیون تومان - مصالحه نماید، اشکال ندارد.

وکالت

وکالت، در اصطلاح فقه، آن است که انسان کاری را که می‌تواند در آن دخالت کند و مباشرت در آن معتبر نیست^۱ به دیگری واگذار نماید تا از طرف او انجام دهد. به عنوان مثال، به شخص دیگری بسپارد که خانه‌ی او را بفروشد.



صیغه‌ی وکالت

در وکالت لازم نیست صیغه خوانده شود و اگر انسان به دیگری

۱. یعنی لازم نیست خودش شخصا آن را انجام دهد.

بفهماند که او را وکیل کرده و او هم بفهماند که قبول نموده، وکالت صحیح است. به عنوان مثال، انسان مال خود را به کسی بدهد که برای او بفروشد و او نیز آن مال را تحویل بگیرد.

وکالت باطل

کاری را که انسان نمی‌تواند انجام دهد یا شرعا نباید انجام دهد، نمی‌تواند برای انجام آن از طرف دیگری وکیل شود.^۱

به هم زدن وکالت

وکالت یک عقد جایز است. یعنی هر کدام از مُوَكَّل و وکیل که بخواهند می‌توانند وکالت را به هم بزنند؛ و در صورت فوت هر کدام از وکیل یا موکل، وکالت باطل می‌شود.

۱۲۷- اگر وکیل یا موکل بخواهند وکالت را بهم بزنند،

آیا لازم است به طرف مقابل اطلاع دهند؟

اگر وکیل بخواهد از وکالت کناره‌گیری نماید، لازم نیست به موکل خود خبر دهد. ولی اگر موکل خواست

۱. بنابراین، اگر برای وکیلی پرونده‌ای بیاورند که متوجه شود - به عنوان مثال - خواسته‌ی موکل ضایع کردن حق دیگران است، آن وکیل حق ندارد وکالت آن کار را قبول نماید.

وکیل خود را عزل نماید باید به او اعلام کند. و اگر قبل از این که به او اعلام کند وکیل کاری را که به او واگذار شده انجام دهد، اشکال ندارد.

وکیل گرفتن وکیل

وکیل نمی تواند برای انجام کاری که به او واگذار شده شخص دیگری را وکیل نماید. ولی اگر موکل اجازه ی چنین کاری را به او داده باشد - مثلاً به او گفته باشد که برای من وکیل بگیر - می تواند برای او وکیل بگیرد. و همچنین است اگر اجازه دهد که وکیل برای خودش در آن کار وکیل بگیرد.

حق العمل وکیل

اگر انسان کسی را وکیل کند و برای او حق العملی قرار دهد، بعد از انجام کار، باید آن چیزی را که قرار گذاشته اند به او بدهد.



هبه یا بخشش عبارت است از تملیک عین به صورت مجانی. یعنی انسان مالی را به دیگری تملیک کند بدون این که در مقابل آن چیزی دریافت نماید.

قبض هبه

۱۲۸- اگر انسان چیزی را به دیگری ببخشد، آیا هبه (بخشش) صورت گرفته است یا لازم است قبض کند؟
وقتی هبه صحیح است که طرف مقابل هدیه را قبول نماید

سپس، تحویل بگیرد. بنابراین، اگر شخصی به دیگری بگوید: «خانه‌ام را به تو بخشیدم»، تا زمانی که آن خانه را به او تحویل نداده هبه محقق نشده است.

قبض در هبه

در اموال غیر منقول - مانند خانه و زمین - قبض به این است که مانع از تصرف را برطرف نماید و مال را در استیلائی کسی که به او بخشیده قرار دهد. و در اموال منقول - مانند ماشین و پول - قبض به این است که آن مال را به او بدهد و او هم بگیرد. به عنوان مثال، پول را به او بدهد و او هم با دست خود بگیرد یا کلید ماشین را به او بدهد و او هم بگیرد و سوار شود.

تحویل دادن و تحویل گرفتن هبه

۱۲۹- پدری خانه‌اش را به یکی از فرزندانش می‌بخشد



ولی قبل از این که خانه را به او تحویل بدهد از

دنیا می‌رود. آیا این خانه فقط مال آن فرزند

است یا مال همه‌ی ورثه به حساب می‌آید؟

در هبه (بخشش)، قبض (تحویل گرفتن) معتبر است. پس اگر انسان مالی را به کسی ببخشد تا به او تحویل نداده هبه محقق نشده است. و قبض در غیر منقول - مانند خانه و زمین - به

این است که مانع از تصرف را برطرف نماید و مال را در استیلائی کسی که به او بخشیده قرار بدهد. و قبض در اموال منقول به این است که انسان مال را به طرف مقابل بدهد و او هم تحویل بگیرد. بنابراین، اگر پدر در زمان حیاتش آن خانه را به فرزندش تحویل داده است و او هم تحویل گرفته است (یعنی مانع تصرف را برطرف کرده است و مثلاً اگر فرزند می‌خواست آن خانه را تصرف کند پدر مانع نمی‌شد یا اگر می‌خواست آن را بفروشد یا اجاره دهد پدر ممانعت نمی‌کرد)، در این صورت هبه محقق شده و خانه فقط متعلق به همان فرزند است. ولی اگر قبل از تحویل دادن خانه از دنیا رفته است، این خانه مثل مابقی اموال به ارث می‌رسد.

بخشش به شخص نابالغ یا دیوانه

اگر انسان مالی را به کسی که به حد بلوغ نرسیده یا به دیوانه ببخشد، وقتی هبه صحیح است که ولی او قبول نموده و آن مال را قبض کند.

شرایط هبه‌کننده

شخصی که هبه می‌کند باید پنج شرط داشته باشد تا هبه‌ی او صحیح باشد. آن پنج شرط عبارتند از:
یک. بالغ باشد. پس اگر بچه‌ای به انسان مالی را ببخشد،

صحیح نیست.

دو. عاقل باشد.

سه. قصد هبه داشته باشد.

چهار. بر هبه مجبور نشده باشد.

پنج. محجور نباشد (از جهت سفاهت یا ورشکستگی).

پس گرفتن هبه

هبه یک عقد جایز است و هبه کننده هر وقت بخواهد می تواند آن مال را پس بگیرد. اما در هفت مورد، انسان نمی تواند مالی را که به دیگران هبه کرده پس بگیرد که عبارتند از:

یک. هبه به ذی رحم باشد.^۱

دو. هبه‌ی مشروطه. بنابراین، اگر انسان مالی را به کسی هبه کند و با او شرطی کند و او هم طبق آن شرط عمل نماید، دیگر هبه کننده نمی تواند آن مال را پس بگیرد.

سه. هبه‌ی مَعْوُضَه. اگر انسان مالی را به دیگری هبه کند و او

۱. «ذی رحم» عبارت است از کسی که خویشاوندی نسبی دارد. مانند: پدر و مادر، پدربزرگ‌ها، مادر بزرگ‌ها، فرزندان، نوه‌ها، خواهرها، برادرها، بچه‌ها و نوه‌های آنها، عمو، عمه، دایی، خاله‌ی خود انسان، عمو و عمه و دایی و خاله‌ی پدر و مادر و پدربزرگ و مادربزرگ و فرزندان آنها تا جایی که عرفاً ذی رحم (یا همان خویشاوندان نسبی) حساب شوند.



هم در عوض مالی را به هبه‌کننده ببخشد، به آن هبه‌ی معوضه می‌گویند. به عنوان مثال، لباس خود را به کسی هبه می‌کند و او هم در عوض کتابش را به صاحب لباس می‌بخشد. در این صورت، انسان نمی‌تواند مالی را که هبه کرده پس بگیرد.

چهار. اگر عین مال تلف شده باشد. بنابراین، اگر انسان مالی را به دیگری هبه کند و آن مال تلف شود یا آن را به دیگری منتقل کند - به عنوان مثال، پولی را هبه کرده و او هم آن پول را خرج نموده باشد - در این صورت، دیگر هبه‌کننده نمی‌تواند چیزی را پس بگیرد.

پنج. اگر عین مال تغییر کرده باشد.^۱

شش. اگر هبه‌کننده بمیرد. بنابراین، اگر کسی مالی را به دیگری هبه کند و بعد از دنیا برود، ورثه‌ی او نمی‌توانند مال را پس بگیرند.

هفت. اگر کسی که هبه گرفته از دنیا برود. بنابراین، اگر انسان

۱. به عنوان مثال، پارچه‌ای را به کسی هبه کرده و او هم با پارچه لباسی دوخته باشد؛ در این صورت، هبه‌کننده نمی‌تواند آن پارچه را پس بگیرد.

مالی را به دیگری هبه کند و او از دنیا برود، دیگر، هبه کننده نمی تواند آن مال را از ورثه‌ی او پس بگیرد.

دو نکته

یک) اگر انسان طلبی را به بدهکار ببخشد، به این عمل «**ابراء**» می گویند و در ابراء هم شخص ابراء کننده نمی تواند طلبی را که بخشیده دوباره پس بگیرد.

دو) اگر زن و شوهر مالی را به یکدیگر هبه کنند، می توانند پس بگیرند؛ مگر این که جزو یکی از موارد هفت گانه‌ای که ذکر شد باشند.



ضمان، در اصطلاح فقه، عبارت است از انتقال مال از عهده‌ی شخص ضمانت شده به عهده‌ی ضامن. بنابراین، اگر انسان ضامن کسی شود و طلبکار هم قبول کند، باید بدهی او را پرداخت نماید و راضی بودن بدهکار شرط نیست.

ضمانت باطل

اگر کسی بگوید: «چنانچه فلانی بدهی‌اش را نداد، من ضامن بدهی او هستم»، این ضمانت محل اشکال است. بلی؛ اگر بگوید: «من ضامن او هستم ولی وقتی بدهی‌اش را پرداخت خواهم کرد که خود او ندهد»، در این صورت اشکال ندارد.

۱۳۰- آیا طلبکار می‌تواند برای گرفتن طلبش به هر کدام از



بدهکار یا ضامن مراجعه نماید؟

خیر؛ اگر انسان ضامن شود که بدهی کسی را بپردازد، طلبکار باید برای گرفتن طلبش به ضامن مراجعه کند نه بدهکار.

ضمانت قبل از بدهی

کسی که انسان ضامن بدهی او می‌شود باید بدهکار باشد. بنابراین، اگر کسی بخواهد از دیگری قرض کند، تا وقتی که قرض نکرده نمی‌شود ضامن او شد.

ضمانت، عقدی لازم یا جایز؟

اگر انسان ضامن شود که بدهی کسی را پرداخت کند، نمی‌تواند از ضامن شدن خود برگردد. ضامن و طلبکار - بنا بر احتیاط واجب - نمی‌توانند شرط کنند که هر وقت بخواهند ضامن بودن ضامن را به هم بزنند.

فقیر شدن ضامن

هرگاه انسان در موقع ضامن شدن بتواند طلب طلبکار را پرداخت کند، اگرچه بعد فقیر شود طلبکار نمی‌تواند ضامن بودن او را به هم زده و طلب خود را از بدهکار اول مطالبه

نماید. و همچنین است اگر در آن موقع نتواند طلب او را بدهد ولی طلبکار بداند و به ضامن شدن او راضی شود.

طلب ضامن از شخص ضمانت شده

اگر کسی، با اجازه‌ی بدهکار، ضامن شود که بدهی او را پرداخت کند، می‌تواند مقداری را که ضامن شده، پس از دادن، از او مطالبه نماید؛ ولی اگر بدون اجازه‌ی بدهکار ضامن شود که بدهی او را پرداخت کند، نمی‌تواند از او چیزی بگیرد.

مسائل بانکی



این بخش از کتاب پیرامون مسائل بانکی است که در آن موضوعاتی از قبیل افتتاح حساب، سود بانکی، اوراق مشارکت، جوایز بانکی، وام‌های بانکی، کارکردن در بانک و... بیان می‌شود.

فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها مختلف و متنوع است. در این قسمت به بیان ده مورد از آن‌ها - که بیشتر مورد نیاز و ابتلای عموم مردم است - می‌پردازیم:

یک - افتتاح حساب

افتتاح حساب و استفاده کردن از امکانات حساب جاری - مانند واریز و برداشت پول - در بانک‌ها اشکال ندارد. ولی اگر با افتتاح حساب با بانک شرط کند که به او سود یا وام داده شود یا او را در قرعه‌کشی شرکت دهند، چنین افتتاح حسابی جایز نیست.

دو - سود بانکی

اگر کسی پول خود را در بانک دولتی یا مشترک بگذارد، چه به نحو سپرده‌ی ثابت و چه به نحو حساب در گردش، و شرط سود نکند و خود را طلبکار سود نداند^۱، این کار اشکال ندارد و اگر بانک به او سودی داد - بنا بر احتیاط واجب - یک پنجم آن سود را به نیت مافی‌الذمه به سادات فقیر بدهد و بقیه‌ی آن از درآمد بین سال او حساب می‌شود؛ که اگر تا آخر سال مصرف نکرد، خمس به آن تعلق می‌گیرد.

۱. اگر سپرده‌گذار نیتش این باشد که سود بگیرد، یا علم دارد که بانک خواه ناخواه به او سود می‌دهد، اشکال ندارد. و چیزی که باعث حرام شدن آن سود می‌شود شرط کردن سود است و این که سپرده‌گذار خود را طلبکار بداند.

و اما نسبت به بانک‌های خصوصی دو حالت وجود دارد:

حالت اول: اگر معاملات نامشروع، مثل معاملات ربوی، انجام می‌دهند، در صورتی که سود حاصل از حرام جزو سرمایه‌ی آن‌ها باشد سپرده‌گذاری و افتتاح حساب در آن‌ها جایز نیست.

حالت دوم: نمی‌داند که معاملات ربوی دارند یا نه. در این حالت، اگر سپرده‌گذاری نموده و با بانک شرط سود نکند و خود را طلبکار سود حساب ننماید، سودی که بانک به او می‌دهد حلال است و لازم نیست یک پنجم آن را به فقیر بدهد.

سه – اوراق مشارکت



گاهی شرکت‌های سهامی برای فروش سهام و اسناد بهادار خود، بانک‌ها را واسطه قرار می‌دهند و بانک‌ها آن سهام را در قالب اوراق مشارکت به مردم واگذار می‌نمایند. اگر واقعا شرکتی وجود داشته باشد، خرید و فروش سهام آن - که در قالب اوراق بهادار به مردم واگذار می‌شود - در صورتی که در آن شرکت، معاملات حرام - مانند معاملات ربوی - انجام نشود، جایز است؛ و خریدار به هر اندازه‌ای که سهام خریده به همان نسبت از درآمد آن شرکت سهم می‌برد.

چهار - جوایز بانکی



گاهی بانک‌ها به منظور تشویق و ترغیب مردم که حساب باز کنند یا مشتریان که بیشتر پولشان را به بانک بسپارند جایزه‌ای در نظر می‌گیرند که از طریق قرعه‌کشی به کسی که قرعه به نام او شده بدهند. جوایز بانکی دو صورت دارد که عبارتند از:

یک: آن که قرعه‌کشی بر بانک شرط نشود؛ بلکه قرعه فقط به عنوان تشویق باشد. در این صورت، عمل قرعه جایز است و کسی که قرعه به نام او شده جایز است که آن جایزه را بگیرد. و اگر بانک دولتی یا مشترک باشد، احتیاط واجب آن است که یک پنجم از آن جایزه را به نیت مافی‌الذمه به سادات فقیر بدهد و بقیه‌ی آن جایزه از منافع آن سال حساب می‌شود؛ که اگر در مؤونه‌ی آن سال صرف نشود باید خمس آن را بپردازد.

دو: آن که قرعه‌کشی شرط شود^۱ و بانک به جهت وفای به آن شرط

۱. یعنی مشتری به بانک بگوید: «من این پول را در این بانک می‌گذارم به شرط این که مرا در قرعه‌کشی شرکت دهید».

قرعه‌کشی نماید. در این صورت، عمل قرعه‌کشی جایز نیست و همچنین گرفتن جایزه برای کسی که قرعه به نام او شده جایز نیست.

پنج - وام‌ها و تسهیلات بانکی



وام‌های قرض‌الحسنه: چنانچه از اول بر قرض‌گیرنده شرط می‌کنند که باید مبلغی اضافه بر آنچه قرض گرفته است را پس بدهد - اگرچه به عنوان کارمزد باشد - ربا و حرام است.

تسهیلات بانکی: از آن‌جا که وام دادن و سود گرفتن ربا و حرام است، برای رهایی از ربا، بانک از راهکارهایی استفاده می‌کند که یکی از آن‌ها عبارت است از خرید و فروش اقساطی، مانند تسهیلات خرید کالا یا خودرو یا مسکن و مانند این‌ها. در این نوع از تسهیلات، بانک در خرید کالا یا خودرو یا مسکن با مشتری شریک می‌شود و پول سهم خود را به صورت نقدی پرداخت می‌کند و سپس سهم خود را به مشتری به صورت نسبه و پرداخت اقساطی به قیمت بالاتری می‌فروشد. بنابراین، بانک چیزی را به صورت نقدی خریده و آن را به

صورت نسیه به قیمت بالاتر می‌فروشد؛ که اشکال ندارد.^۱ البته این مسأله در صورتی است که شرط حرامی - مانند جریمه‌ی دیرکرد - در ضمن آن نباشد.

نش - کار کردن در بانک



کارهای بانکی دو قسم هستند که عبارتند از:

یک: کارهایی که مربوط به معاملات ربوی است که اشتغال به آنها جایز نیست؛ و کارمندی که در این نوع کارها مشغول است، در مقابل آن نمی‌تواند اجرت بگیرد.

دو: کارهایی که ارتباطی با معاملات ربوی ندارد که اشتغال به آنها و اجرت گرفتن برای آنها جایز است.

۱. ولی اگر این راهکار به طور صحیح انجام نشود و فقط به نحو صوری کاغذهایی را رد و بدل کنند یا مثلاً متقاضی تسهیلات فاکتور صوری برای خرید کالا ارائه نماید، جایز نیست.

هفت - جریمه‌ی دیرکرد

گرفتن جریمه‌ی تأخیر در پرداخت وام جایز نیست ولی بر دهنده‌ی آن، اگر ناچار به آن باشد، مانعی ندارد.

هشت - نقد کردن چک مدت‌دار



چک دو حالت دارد:

حالت اول: به خاطر

بدهی و حقی صادر

شده است. به عنوان

مثال، کالایی را

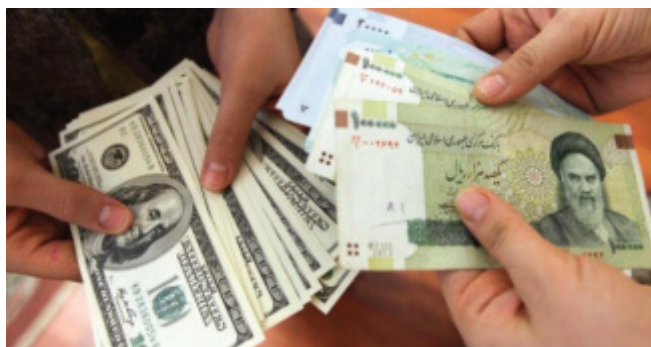
خریده و برای پول

آن چک کشیده است؛ که این چک دارای پشتوانه و اعتبار است. در این حالت، کسی که چک را گرفته (طلبکار) می‌تواند حق خود را - که چک سند آن حق است - به خود صاحب چک یا به شخص دیگری واگذار نماید که او هم مبلغ کمتری را به او هبه نماید. به عنوان مثال، مبلغ چک صد میلیون تومانی را که برای سه ماه دیگر است به نود و پنج میلیون تومان با دیگری صلح به بخشش نماید.

حالت دوم: چک صادر شده پشتوانه‌ای ندارد. در این حالت، نقد

کردن آن به قیمت کمتر ربا حساب شده و حرام است.

نه - خرید و فروش پول



خرید و فروش پول‌های خارجی (مانند دینار به تومان) به زیاده‌تر از آنچه خریداری شده یا کمتر یا مساوی با آن جایز است؛ و فرق نمی‌کند که معامله با مدت باشد یا بدون مدت. و معاوضه‌ی پول‌هایی که از یک جنس هستند - مانند تومان به تومان - به کمتر و بیشتر، محل اشکال است. ولی اگر این کار را در قالب مصالحه به بخشش انجام بدهند اشکال ندارد. به عنوان مثال، مالک نود میلیون تومان به مالک صد میلیون تومان به قصد مصالحه بگوید: «**مصلحه می‌کنم با تو بر این که صد میلیون تومان به من ببخشی و من نود میلیون تومان به تو ببخشم**».

ده - راهکارهایی برای رهایی از ربا

وام گرفتن از بانک‌های اسلامی و وام دادن به آن‌ها، که در آن شرط سود و فایده شده، ربا حساب شده و حرام است؛ ولی می‌توان با

راه‌هایی از ابتلای به ربا پرهیز کرد. مانند این که وام‌گیرنده کالایی را از بانک یا وکیل او به نسبت معینی - مثلاً ده یا بیست درصد - گران‌تر از قیمت بازار بخرد و شرط کند که بانک مبلغ مورد تقاضای او را تا مدت معینی به او قرض دهد. و یا این که کالایی را به بانک یا وکیل او به کمتر از قیمت بازار به نسبت معینی بفروشد و شرط کند که بانک مبلغ مورد تقاضای او را تا مدت معینی قرض دهد.

و همچنین در وام دادن به بانک می‌توان از دو راه استفاده کرد، به این که - به عنوان نمونه - بانک کالایی را به بیشتر از قیمت بازار از شخص بخرد و یا کالایی را به کمتر از قیمت بازار به او بفروشد و شرط کند که آن شخص مبلغی را تا مدت معین به بانک قرض دهد؛ و این نتیجه، به اجاره، صلح و هبه‌ی به شرط قرض نیز محقق می‌شود.

اما نسبت به بانک‌های غیر اسلامی که سرمایه‌ی آن از کفار است، سود گرفتن از آن‌ها بدون اشکال جایز است.



در این قسمت، به بیان بعضی از مسائل متفرقه‌ای که پیرامون کسب و تجارت است، می‌پردازیم:

فیلم‌های سانسور نشده

۱۳۱ - سؤالی در زمینه‌ی فروشگاه‌های مجازی داشتیم: دوست من، طی سالیان سال، فیلم‌ها و کارتون‌های مختلفی را تهیه و از همه‌ی آن‌ها استفاده کرده است. اکنون تصمیم گرفتیم که این فیلم‌ها و کارتون‌های زیبا و دیدنی را در اختیار دوستان دیگر نیز قرار بدهیم که اگر کسی خواست، بتواند از آن‌ها استفاده کند. از این رو، بنا شد فروشگاه‌های مجازی در اینترنت راه انداخته و در ضمن آن، درآمد جانبی هم از این راه بدست

آوریم. سؤالی که اینجا برایمان پیش آمده این است که این فیلم‌ها و کارتون‌های خارجی اصلی و بدون سانسور می‌باشد و اگر ما بخواهیم این‌ها را در اختیار دیگران قرار دهیم، چه حکمی دارد؟

در صورتی که این کار باعث تهییج شهوت یا ترویج فحشا و منکرات و فساد و کفر باشد حرام است.

فروش بلندگو

۱۳۲- فروش بلندگو - که استفاده‌های مختلفی از آن می‌شود -



چه حکمی دارد؟

فی حدّ نفسه - اگر به قصد استفاده‌ی حرام خرید و فروش نشود - اشکالی ندارد.

خرید و فروش چک

۱۳۳- آیا خرید و فروش چک مدت‌دار یا اسکوند آن به



این صورت که مقداری از مبلغ آن پرداخته شود، جایز است؟

در صورتی که چک مذکور صوری بوده و واقعیته نداشته باشد

- یعنی به ازای طلبی نباشد - خرید و فروش آن به کمتر یا بیشتر جایز نیست. و در صورتی که چک مذکور واقعی بوده و حکایت از یک بدهی واقعی داشته باشد - یعنی امضا کننده، مبلغ ذکر شده در چک را حقیقتاً به صاحب چک بدهکار باشد و چک مذکور سند بدهکاری او باشد - در این صورت، معاوضه‌ی دینی که چک حکایت از آن می‌کند به کمتر یا بیشتر به دو شرط اشکال ندارد که آن دو شرط عبارتند از:

یک. مبلغ چک و پولی که بابت آن می‌پردازند اختلاف در جنس داشته باشند. به عنوان مثال، چک به تومان باشد و پولی که بابت آن پرداخته می‌شود به دینار یا دلار باشد.

دو. پولی که بابت چک می‌پردازند نسیه نباشد. یعنی پولی را که بابت چک می‌پردازند به عنوان دین مدت‌دار بر ذمه‌ی او نباشد. ولی اگر پولی را که بابت چک می‌دهد نسیه بوده و دین باشد، محل اشکال است.

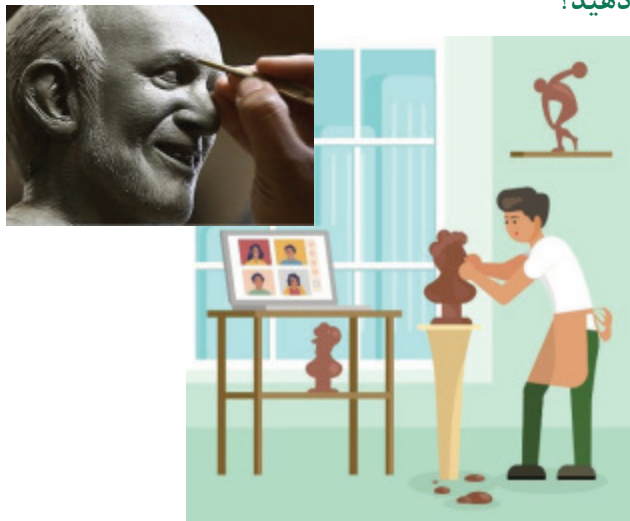
و در صورت عدم اختلاف در جنس، مثل این که مبلغ چک به تومان بوده و به مقدار کمتر یا بیشتر به تومان فروخته شود محل اشکال است، ولی اگر مصالحه بر بخشش نمایند اشکالی ندارد. به عنوان مثال، مالک چک مدت‌دار صد میلیون تومانی بگوید: «**مصلحه می‌کنم با تو بر این که من این صد میلیون تومان - در قالب چک - را به تو ببخشم و تو هم این نود و پنج میلیون تومان را به من ببخشی**».

مانکن انسان

۱۳۴- خرید و فروش و نگهداری و در ویتترین قرار دادن مجسمه‌های نیمه‌عریان یا مجسمه‌ای که با عورت نمایان ساخته شده، چه حکمی دارد؟
 بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست.

مجسمه سازی

۱۳۵- لطفا حکم مجسمه سازی، آموزش، نگهداری، خرید و فروش و نصب و ارائه‌ی آن در اماکن عمومی را توضیح دهید؟



ساختن مجسمه‌ی جاندار حرام است. و همین‌طور گرفتن اجرت (مزد) بر ساخت آن نیز حرام است. و خرید و فروش و نگهداری آن جایز است؛ گرچه احتیاط مستحب در ترک آن است.

اجاره



۱۳۶- سؤال شده است: آیا می‌توانیم منزل خود را به کسی که می‌دانیم در آن منزل عمل حرام انجام می‌دهد اجاره داده یا بفروشیم؟

در فرض مذکور، در صورتی که طرفین در عقد اجاره بر انجام آن کار حرام توافق نکرده‌اند و فروشنده یا اجاره‌دهنده به قصد کار حرام آن معامله را انجام نداده باشد - هرچند فروشنده (یا موجر) می‌داند که خریدار (یا مستأجر) در کار حرام استفاده می‌کند -، بیع و اجاره جایز است.^۱

صیغه‌ی اجاره



۱۳۷- آیا در احکام مربوط به عقد اجاره حتماً باید صیغه‌ی اجاره خوانده شود؟

در صحت عقد اجاره و مترتب شدن احکام مربوط به آن، خواندن صیغه‌ی عربی یا فارسی لازم نیست؛ بلکه اگر مالک به قصد این که ملک خود را به مبلغ معینی اجاره دهد، آن را به مستأجر واگذار کند و او هم به قصد اجاره کردن بگیرد، اجاره

۱. البته، اگر می‌داند که خریدار (یا مستأجر) قصد دارد از آن منزل در راه حرام استفاده کند و می‌داند که اگر منزل را به او بفروشد (یا اجاره ندهد)، موفق به خریدن (یا اجاره کردن) خانه‌ی دیگری برای استفاده در راه حرام نمی‌شود، از باب جلوگیری کردن از این گناه، نباید منزل را به او بفروشد (یا اجاره دهد).

صحیح است. و همچنین اگر انسان بدون خواندن صیغه بخواهد برای انجام عملی به مبلغ معینی اجیر شود، همین که مشغول آن عمل شود، اجاره صحیح است.

لازم بودن اجاره

۱۳۸- آیا عمل به عقد اجاره لازم بوده یا این که هر یک از طرفین می توانند یک طرفه آن را باطل کنند؟



عقد اجاره از عقود لازمه است. یعنی هیچ یک از طرفین نمی توانند آن را فسخ کنند؛ مگر این که فسخ با رضایت هر دو طرف صورت بگیرد یا این که شخص فسخ کننده خیار فسخ داشته باشد. و این حکم در مورد اجاره‌ی معاطاتی - که بدون خواندن صیغه‌ی اجاره برای انجام عملی به مبلغ معین اجیر شده و مشغول به کار شود یا بدون خواندن صیغه‌ی اجاره به قصد اجاره منزل را به مبلغ معینی به مستأجر واگذار نموده و او هم منزل را به قصد اجاره تحویل بگیرد - هم جاری است.

حکم اجاره بعد از مرگ

۱۳۹- اگر مستأجر یا شخص اجاره‌دهنده (موجر) از دنیا برود، آیا اجاره هنوز به قوت خود باقی است؟



اجاره با مرگ مستأجر یا موجر (شخص اجاره‌دهنده) باطل



نمی‌شود؛ حتی اگر مستأجر
خانه‌ای را اجاره نماید تا
خودش در آن زندگی کند و
بمیرد، باز هم باطل نمی‌شود.

تلف شدن مورد اجاره



۱۴۰- اگر چیزی را که اجاره داده‌اند - از قبیل ماشین یا
منزل - به مستأجر داده شده و در دست او تلف شود،
آیا مستأجر ضامن قیمت آن می‌باشد؟

چیزی که اجاره شده در دست مستأجر امانت است؛ بنابراین،
اگر از بین برود یا معیوب شود، چنانچه در نگهداری آن
کوتاهی نکرده و در استفاده بردن از آن هم زیاده‌روی نکرده
باشد، ضامن نمی‌باشد. به عنوان مثال، اگر ماشینی که اجاره
داده شده از بین برود، در صورتی که مستأجر زیاده‌روی نکرده
و در نگهداری آن هم کوتاهی نکرده باشد ضامن نیست. اما اگر
در نگهداری از آن کوتاهی کند یا در استفاده از آن زیاده‌روی
نموده باشد، ضامن است. و همچنین اگر شخص صنعتگر
چیزی را که گرفته ضایع کند، ضامن است. و همچنین، اگر
قصاب سر حیوانی را بریده و آن را حرام کند - چه مزد گرفته
باشد یا مجانی - باید قیمت آن را به صاحبش بدهد.

معلوم نکردن مورد اجاره



۱۴۱- اگر در هنگام قرارداد اجاره‌ی منزل، یکی از دو

طبقه را به مبلغی معین اجاره دهند و معین

نکرده باشند که طبقه‌ی اول را اجاره می‌دهند یا

طبقه‌ی دوم را، آیا انتخاب مورد اجاره با شخص

اجاره‌دهنده است (موجر) یا مستأجر؟

در فرض مذکور - که طبقه‌ی مورد اجاره را معین نکرده‌اند -

اجاره باطل است.

معلوم نکردن مدت اجاره



۱۴۲- در قرارداد اجاره‌ی مغازه یا منزل، شخص اجاره‌دهنده

(موجر) و مستأجر با هم قرار گذاشته‌اند که تا هر وقت

مستأجر خواست آن را در هر ماه یا در هر سال به

مقدار معینی اجاره نماید. آیا این اجاره صحیح است؟

اگر مدت اجاره را معلوم نکند و بگوید تا هر وقت در خانه

نشستی اجاره‌ی آن ماهی یا سالی فلان مقدار است، اجاره در

غیر ماه اول یا سال اول صحیح نیست. و اگر در اجاره قرار

بگذارند که مثلاً شبی صد هزار تومان بدهند - به نحوی که در

مورد مسافری و زوآر متعارف است - چون مدت اجاره را معلوم

نکرده‌اند، اجاره نسبت به غیر از شب اول صحیح نیست و

صاحب‌خانه بعد از شب اول، هر وقت بخواهد می‌تواند آن‌ها را بیرون کند، ولی بعد از شب اول، با رضایت صاحب‌خانه استفاده از منزل اشکال ندارد و در غیر شب اول، باید اجرة المثل پرداخت گردد؛ مگر این‌که مستأجر به بیشتر راضی بشود یا اجاره‌دهنده به کمتر رضایت دهد.

ضمانت ملک یا مال مورد اجاره

۱۴۳- آیا اشتراط ضمان در اجاره صحیح است؟



اشترط ضمان به معنای ادای قیمت عین مستأجره - در صورتی که حتی بدون افراط و تفریط معیوب شود - یا ادای ارزش عیب عین مستأجره صحیح است.

اجاره و امور دینی

۱۴۴- آیا انسان می‌تواند برای مسائل دینی - مثلاً برای



روضه‌خوانی - یا تعلیم واجبات شرعی یا انجام تکالیف

دینی اجرت بگیرد؟

گرفتن اجرت برای روضه‌خوانی اهل بیت علیهم‌السلام یا بیان فضائل آن بزرگواران یا مجالس وعظ - که فایده‌های دینی و دنیایی دارد - جایز است. و همچنین، گرفتن اجرت برای عباداتی که

نایب گرفتن در آن‌ها شرعی می‌باشد جایز است. اما گرفتن اجرت در قبال عباداتی که نمی‌توان برای آن‌ها نایب گرفت - مانند نماز و روزه برای کسی که زنده است - جایز نمی‌باشد؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب گرفتن اجرت بر تعلیم حلال و حرام و واجباتی که همچون نماز و روزه محل ابتلای مردم می‌باشند جایز نیست؛ ولی اگر مورد ابتلای مردم نباشد، گرفتن اجرت در قبال تعلیم آن‌ها جایز است.

آموزش موسیقی

۱۴۵- رفتن به کلاس آموزش آلات موسیقی - مانند سنتور - و یادگیری آن‌ها چه حکمی دارد؟



استفاده از آلات موسیقی - مانند سنتور - و خرید و فروش و یادگیری آن‌ها حرام است.

پول در مقابل عمل حرام

۱۴۶- سؤال شده است: من در کشور کانادا در یک کارخانه‌ی آبجوسازی کار می‌کنم، پولی را که می‌گیرم آیا از دیدگاه اسلام اشکال دارد؟



عمل و پولی که در مقابل این عمل اخذ می‌شود حرام می‌باشد.

حکم دستمزد کاشت ناخن



۱۴۷- خانم آرایشگری عمل کاشت ناخن مصنوعی برای مشتریان خود انجام می‌دهد به نحوی که قابل برداشتن در هنگام وضو یا غسل یا تیمم نیست. حکم پولی که برای این کار می‌گیرد چیست؟

حرام است.

اجرت ریش تراشی

۱۴۸- آیا گرفتن اجرت در قبال تراشیدن ریش تمام صورت



جایز است؟



تراشیدن ریش
چانه یا قسمتی از
آن که مضر به
صدق ریش داشتن
باشد بنا بر احتیاط

واجب جایز نیست و اخذ اجرت بر آن بنا بر احتیاط واجب
حرام است.

اجیر کردن بچه‌ی صغیر

۱۴۹- بچه‌ی یتیمی در کارگاهی کار می‌کند، آیا اجیر



نمودن او اشکال دارد؟

اگر بچه‌ی صغیر ولی داشته باشد، اجیر کردن او با
اجازه‌ی ولی مانعی ندارد. اما بچه‌ی صغیری را که ولی
ندارد، بدون اجازه‌ی فقیه عادل، نمی‌شود اجیر کرد. و
کسی که به فقیه عادل دسترسی ندارد، می‌تواند از چند
نفر مؤمن عادل اجازه بگیرد و او را اجیر نماید و در
صورت نبود چند نفر، یک نفر نیز کفایت می‌کند.

ولی صغیر در معامله

۱۵۰- آیا پدر بزرگ هم مثل پدر می تواند مال بچه‌ی صغیر را بفروشد؟

جد پدری و همچنین اجداد بالاتر هر یک مستقلاً می توانند در اموال اولاد صغیر خود تصرف کرده و - مثلاً - آن را فروخته یا اجاره دهند. و بنا بر احتیاط واجب، باید آن معامله به مصلحت صغیر باشد و لازم نیست از یکدیگر اجازه بگیرند. همچنان که عدالت ایشان نیز معتبر نمی باشد. و پدر بزرگ مادری بر اموال نوادگان دختری خود ولایت ندارد.

۱۵۱- چه کسی ولی بچه‌ی صغیری است که پدر و جد پدری ندارد؟

در صورتی که پدر و جد پدری وصی داشته باشند، وصی ایشان بر طفل یتیم ولایت دارد. یعنی هم بر خود شخص یتیم ولایت دارد - و لذا می تواند او را اجیر نماید - و هم بر مال او. بنابراین، می تواند ملک او را بفروشد. و در صورتی که وصی نداشته باشند، ولایت بر طفل یتیم با مجتهد جامع شرایط است؛ و در صورت عدم امکان رجوع به مجتهد جامع شرایط، مؤمنان عادل بر طفل یتیم ولایت دارند. ولی در این صورت - بنا بر احتیاط واجب - مؤمنان عادل فقط در موردی در او یا مال او تصرف کنند که ترک تصرف موجب ضرر بر یتیم گردد. و در این مورد هم معتبر است که تصرف در شخص یتیم

– مانند اجیر نمودن او یا تصرف در مالش مثلاً فروختن آن –
برایش فایده‌ای داشته باشد. و اگر مؤمن عادل هم پیدا نشد،
سایر مؤمنان ولایت بر یتیم خواهند داشت.

رفتن به خانه‌ی یتیم

۱۵۲- آیا رفتن به خانه‌ی شخص یتیم به جهت مهمانی
و یا سرزدن به ایشان و غذا خوردن در خانه‌ی او
جایز است؟

باید از ولی ایشان اذن گرفته شود و در صورتی که اذن گرفتن
از ولی ممکن نباشد، می‌تواند به خانه‌ی او رفته و غذا هم
بخورد؛ به شرط این‌که این کار به مصلحت وی باشد. و اگر
مصلحتی برای ایشان نداشته باشد، باید ضرری بر ایشان
نداشته باشد و در عوض تصرفی که نموده قیمت آن را به وی
بپردازد. مانند این‌که به عنوان هدیه آن را به ایشان بدهد.

کپی‌رایت



۱۵۳- سؤال شده است: نظر

معظم‌له پیرامون حقوق

مالکیت فکری و معنوی

– مانند حق تألیف و حق اختراع – و مواردی همچون

تولید بسته‌های نرم‌افزاری چیست؟

بنا بر احتیاط واجب، استنساخ و بهره‌برداری از این قبیل موارد از آثار دیگران، در صورتی که صاحب آن حق محترم‌المال^۱ باشد باید با اجازه‌ی صاحب اثر باشد. و بنا بر احتیاط واجب، بدون اجازه‌ی صاحب اثر جایز نیست و موجب ضمان است.

۱۵۴- استفاده از نرم‌افزارهای ایرانی کرک شده (یعنی قفل شکسته شده) که فقط هزینه‌ی رایت آن پرداخت شده است، چه حکمی دارد؟

در فرض سؤال، احتیاط واجب در ترک آن است.

۱۵۵- با توجه به این که در مقاطع تحصیلی بالا، اساتید از منابع خارجی برای تدریس استفاده می‌کنند - مانند کتاب یا مقاله - آیا شرعاً استفاده از نسخه‌های اینترنتی کتاب‌ها و مقالات خارجی جایز است یا نه؟

استفاده‌ی شخصی از آن‌ها اشکال ندارد و استنساخ و نشر آن‌ها هم در صورتی که مربوط به کشورهای غیرمسلمان باشد جایز است؛ ولی اگر مربوط به اشخاص محترم‌المال باشد - مانند مسلمان‌های



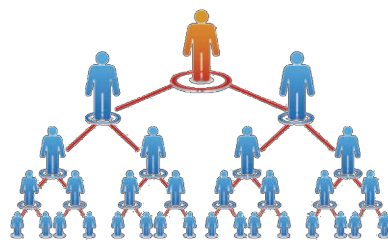
کشورهای اسلامی
یا کفاری که در پناه
اسلام هستند - بنا

۱. مال مسلمان و کافری که در پناه اسلام است، محترم می‌باشد.

بر احتیاط واجب جایز نیست؛ مگر اینکه احراز شود صاحب حق خودش آن را در اینترنت قرار داده و راضی به استنساخ آن می‌باشد.

بازاریابی شبکه‌ای

۱۵۶- آیا بازاریابی شبکه‌ای صحیح است؟



بازاریابی شبکه‌ای - بنابر احتیاط واجب - صحیح نیست و در این احتیاط واجب نمی‌شود به مجتهد دیگر رجوع نمود.

تأخیر ثمن

۱۵۷- سؤال شده است: آپارتمانی را طی یک قرارداد عادی

به شخصی با قیمت مشخص فروختم و کمتر از یک سوم ثمن دریافت را نمودم و مقرر شد بقیه‌ی ثمن در سر رسیدهای مشخص پرداخت شود و شرط شد اگر خریدار به هر دلیلی بقیه‌ی ثمن را در سر رسیدها پرداخت نکند معامله فسخ گردیده و اینجانب می‌توانم مورد معامله را به شخص دیگر بفروشم. اکنون با توجه

به این‌که خریدار از پرداخت بقیه‌ی ثمن استنکاف
نموده، آیا اجازه‌ی فروش آپارتمان را به شخص دیگر
دارم؟

می‌توانید معامله را فسخ نموده و آپارتمان را به دیگری بفروشید
و پول گرفته شده از آن شخص را به خودش برگردانید.

ربا

۱۵۸- در کدام یک از عقود، ربا حرام است؟

ربا در بیع و قرض حرام است. و در صلح نیز اگر به صورت
معاوضه‌ی بین دو عین باشد - بنا بر احتیاط واجب - حرام
است؛ اما اگر صلح بین دو هبه (بخشیدن) باشد - مانند این‌که
بگویند: «با تو مصالحه می‌کنم که یک میلیون تومان به من هدیه
کنی و من هم دو میلیون تومان به تو هدیه کنم» - اشکالی ندارد.

۱۵۹- کسی که حرمت ربا را نمی‌داندسته و خرید و فروش

ربوی انجام داده، آیا چنین معامله‌ای باطل است؟

معامله‌ی ربوی مطلقاً باطل است و فرقی بین عالم و جاهل
ندارد؛ چه جاهل به حکم باشد و چه جاهل به موضوع. بنابراین،
باید آنچه را گرفته به مالکش برگرداند.

۱۶۰- ربا گرفتن از کافر حرام است یا خیر؟

مسلمان از کافر حربی می‌تواند ربا بگیرد و کافری که در پناه

اسلام است معامله‌ی ربوی با او جایز نیست؛ ولی بعد از معامله اگر ربا گرفتن در شریعتش جایز باشد می‌تواند بگیرد.



۱۶۱- سؤال شده است: پولی را از کسی جهت خرید زمین گرفته‌ام و از او مهلت پرداخت گرفته‌ام که به صورت اقساط برگردانم، برای من درصد تعیین کرده و با سودش تقسیط را انجام داده‌ام. اکنون، قیمت زمین من بالا رفته و پول آن را در جاهای مختلف خرج کرده‌ام و این پول در زندگی من وارد شده، نمی‌دانم که این پول حلال است یا نه؟ لطفا راهنمایی بفرمایید.

اگر کسی که قرض می‌دهد شرط کند که زیادتر از مقداری که می‌دهد بگیرد، ربا و حرام است و از گناهان کبیره شمرده می‌شود و ربا دادن نیز مانند ربا گرفتن حرام است. ولی کسی که قرض ربوی گرفته مالک آن شده و تصرف در آن برای او حلال است؛ اگرچه احتیاط مستحب آن است که در آن تصرف نکند و در صورتی که با آن قرض ربوی تجارت کند، حلال است و سود حاصله از آن خود اوست.

صرف وام در غیر موردش



۱۶۲- آیا می‌توان وام مسکن را در غیر مورد مسکن استفاده کرد یا وام خودرو را در مورد دیگری

مانند خرید زمین بکار برد؟

خیر؛ باید در همان جهتی که معین شده مصرف شود.

جریمه‌ی دیرکرد

۱۶۳- آیا جریمه‌ی دیرکرد توسط بانک و دارایی

(مالیات) صحیح است یا ربا حساب می‌شود؟

جریمه در مورد تأخیر پرداخت وام، جایز نیست.

صندوق‌های خانگی

۱۶۴- گروه‌های مختلفی از مردم (مثلاً افراد فامیل یا همکاران

در اداره یا افراد یک هیئت) روشی برای قرض دادن به

یکدیگر دارند که توضیح آن عبارت است از: به عنوان

مثال، بیست نفر با هم قرار می‌گذارند که یکی از آن‌ها

مسئول صندوق شود. این‌گونه او وکیل اعضای صندوق

در قرض دادن پولشان به سایر اعضا و وکیل آن‌ها در

ادای قرض گرفته شده به طلبکاران می‌شود؛ و هر وقت

خواستند می‌توانند او را نسبت به وکالت خود عزل

نمایند. بعد، هر یک از اعضای صندوق ماهیانه یک

میلیون تومان در اختیار مسئول صندوق قرار می‌دهند

که قرعه کشی کند و مبلغ بیست میلیون تومان را به عنوان قرض به کسی که قرعه به نامش درآمده بدهد و به همین منوال به افراد دیگر که نامشان در ماه‌های بعد در قرعه درآمده قرض بدهد تا نفر بیستم در طی بیست ماه. هرگاه شخص مبلغ مذکور را قرض گرفت پس دادن بدهی به طلبکاران را شروع می‌نماید؛ و نفر بیستم فقط پولی را که در این چند ماه قرض داده پس می‌گیرد. آیا این روش قرض دادن از نظر شرعی صحیح است یا خیر؟ ضمناً این صندوق‌ها کارمزد یا هر مبلغ اضافی دیگری نمی‌گیرند.

روش کار صندوق‌های خانگی با یکدیگر متفاوت است و لکن نسبت به این مورد خاصی که در متن سؤال آمده جواب مسأله از این قرار است: اگر اعضای صندوق با اختیار خود آن مبلغ را ماهیانه در اختیار مسئول صندوق قرار بدهند - به نحوی که هرگاه منصرف شدند بتوانند از صندوق خارج شوند - اشکالی ندارد و این نوع قرض صحیح و حلال است.

۱۶۵- در همین صندوق (که در سؤال پیش ذکر شد) اگر

مسئول آن شرط کند که اولین وام را خودش بردارد

چه حکمی پیدا می‌کند؟

اگر اعضای صندوق به مسئول صندوق قرض بدهند به شرط این که او کارهای صندوق را انجام بدهد، ربا و حرام است.

قیمت شناور

۱۶۶- آیا، از لحاظ فقهی، انعقاد عقد بیع با قرار دادن ثمن

به صورت شناور صحیح است؟ در صورتی که - به عنوان

مثال - عقدی منعقد شود و ثمن به صورت صریح قید

نگردد؛ بلکه شیوهی تعیین (فرمول) آن بیان شود؛ به

صورتی که میزان آن در آینده موجب جهالت نباشد،

چه حکمی بر آن مترتب است؟

شرط صحت بیع آن است که مقدار ثمن در حین بیع معین

باشد و هیچ کدام از دو فرض مذکور صحیح نمی‌باشد.



شرط سود دیر کرد

۱۶۷- شرطی ضمن یک عقد بیع منعقد شده که فروشنده

متعهد می‌شود در صورتی که خریدار نتواند قسمتی از

ثمن را از بانک وام بگیرد، بایع شخصا آن مبلغ را با

سود بانکی به مشتری وام داده و عملاً بخشی از ثمن را

به صورت اقساط به علاوه سود بگیرد، آیا شرط

مذکور صحیح و لازم‌الوفاء است یا باطل و مبطل عقد؟

این شرط باطل است ولی مبطل عقد نیست.



۱۶۸- چنانچه در معاملات ملکی - که به صورت نقد و اقساط

انجام پذیرفته - فروشنده به دلیل تأخیر در پرداخت



قسط از طرف خریدار در سر رسیدهای مقرر، هنگام
تنظیم سند یا انتقال آن به غیر، خریدار را ملزم به
پرداخت بهره و دیرکرد توقف پول خود نماید و چنین
شرطی نیز در ضمن معامله نشده باشد، آیا گرفتن بهره
یا دیرکرد صحیح است؟

اگر زمان خاصی برای انتقال ملک شرط شده باشد، در
صورتی که تخلف از ناحیه‌ی فروشنده یا خریدار حاصل
گردد، طرف مقابل می‌تواند معامله را فسخ نماید. و به
هر تقدیر، فروشنده حق گرفتن بهره یا دیرکرد را ندارد
و بهره‌ی مزبور حرام است.

شرط جبران تورم

۱۶۹- در شرایط تورمی شدید، شرط جبران کاهش
ارزش پول در ضمن عقد قرض یا عقد خارج لازم
دیگر چه حکمی دارد؟ آیا قرض دادن قدرت
خرید موجود در یک میلیون تومان و پس گرفتن
همین قدرت خرید در سر رسید بدهی جایز است
یا خیر؟ برای جلوگیری از ضرر ناشی از کاهش
ارزش پول، آیا تقویم پول اعتباری به دلار یا طلا
سپس قرض دادن آن جایز است یا حتما باید پول

اعتباری به طلا یا دلار تبدیل و سپس قرض داده شود؟



شرط جبران کاهش ارزش پول جایز نمی‌باشد؛ حتی در ضمن عقد دیگر؛ حتی اگر اسم آن را قرض دادن قدرت خرید یا قرض دادن مالیت بگذاریم. بلی؛ تبدیل تومان به دلار و قرض دادن دلار بدون اضافه اشکال ندارد؛ مگر اینکه کاهش شدید ارزش بر اثر تورم حاصل از گذشت زمان باشد؛ که در این صورت، باید بنا بر احتیاط واجب با قرض‌دهنده مصالحه نمود.

عمل کردن خلاف شرط

۱۷۰- اگر شخص اجاره‌دهنده با اجیر شرط کند که عمل مخصوصی را با وصف معینی و یا در زمان و



مکان مشخصی یا با وسیله‌ی معینی انجام دهد،
ولی شخص اجیر عمل مذکور را به این صورت
انجام ندهد، آیا اجاره صحیح است؟

در صورتی که شخص اجیر برخلاف این قیود ذکر شده عمل
نماید، مستحق هیچ اجرتی نخواهد بود. به عنوان مثال، اگر
رنگرز قرار بگذارد که پارچه را با نیل رنگ کند، چنانچه با
چیز دیگری رنگ نماید، حق ندارد چیزی بگیرد.

شراکت



۱۷۱- سؤال شده است: سهم خودم را از مالکیت و سرقفلی
یک فروشگاه به مدت یک سال به شریکم اجاره دادم
و در بند اول اجاره‌نامه ذکر شد که در پایان مدت
اجاره، سهم مرا به قیمت روز بخرند. از پایان مدت
اجاره تا کنون بیش از هفده ماه گذشته، نه اجاره‌نامه
تمدید شده و نه اجاره‌ای پرداخت نموده و نه به قولش
در اجاره‌نامه - که خرید سهم من بود - عمل می‌کند و
حالا می‌خواهد با آن اجاره‌نامه جواز کسب دائم بگیرد،
حکم این مسأله چیست؟

هرگونه تصرف شریک بدون اجازه‌ی شریک دیگر در مال
مشترک جایز نیست.

تعیین سود مضاربه

۱۷۲- آیا در عقد مضاربه، اگر درصدی از سرمایه را به عنوان سود حساب نماییم صحیح است؟ 

در عقد مضاربه باید سهم هر یک از مالک و عامل از سودی که از سرمایه حاصل می‌شود به صورت درصد (یا همان کسر مشاع) معین شود. به عنوان مثال، بگویند پنجاه درصد سود برای عامل و پنجاه درصد برای مالک. ولی اگر درصدی از سرمایه را به عنوان سود تعیین نمایند - و به عنوان نمونه، بگویند: «به هر اندازه که سرمایه‌گذاری کردید سالانه به اندازه‌ی بیست درصد آن سود داده می‌شود» - مضاربه صحیح نیست.

مخلوط کردن مال مضاربه

۱۷۳- آیا شخصی که عامل مضاربه است می‌تواند سرمایه‌ای را که به عنوان مضاربه از مالک گرفته با مال خود یا دیگران مخلوط نماید؟ 

عامل نمی‌تواند سرمایه‌ای را که از مالک گرفته، بدون اذن او، با مال خود یا دیگری مخلوط نماید؛ هر چند، با این عمل مضاربه باطل نمی‌شود. ولی اگر مال را مخلوط نموده و مال نیز تلف شود، در چنین صورتی ضامن است.

قبول نکردن هدیه

۱۷۴- اگر چیزی را به دیگری هدیه کردیم ولی او قبول

نکرد، آیا آن چیز ملک ما می‌باشد یا ملک او؟

در صحت هبه، قبول نمودن کسی که هدیه را به او می‌دهیم معتبر است و قبول نمودن هم به لفظ می‌تواند باشد - مثل این که بگوید قبول کردم - و هم به فعل، مانند این که هدیه را به قصد قبول بگیرد.

پس گرفتن هدیه

۱۷۵- افرادی سهم الارث پدری خود را به برادر بزرگ‌تر خود

هبه نموده و بعد از این که برادر بزرگ‌تر اقدام به فروش

ملک به یکی دیگر از وراثت فوق نموده، بقیه‌ی وراثت

سهم هبه کرده‌ی خود را مطالبه نمودند، آیا حقی از

وراثت مدعی بر ذمه‌ی خریدار باقی مانده است؟ انجام

تکالیف شرعی و اقامه نماز در ساختمان مذکور برای

خریدار چه حکمی دارد؟

کسانی که سهم خودشان را به رحم خود بخشیده‌اند و آن رحم بخشش را قبول کرده و مال مورد بخشش را تحویل گرفته باشد، در این صورت، دیگر نمی‌توانند آن مال بخشیده شده را مطالبه نمایند؛ و حقی نسبت به آن ندارند. بنابراین،

خرید و فروش مذکور از این جهت مانعی ندارد؛ و تصرف در آن توسط خریدار جایز می‌باشد.

شاباش گرفتن

۱۷۶- شخصی در عروسی رقصیده و شاباش گرفته، حکم

پولی که به عنوان شاباش جمع کرده چیست؟

عمل او حرام بوده است. ولی می‌تواند در پولی که از این بابت گرفته است تصرف نماید.

هدیه‌ی مشروط

۱۷۷- سؤال شده است: کسی به من هدیه‌ای داد مشروط به

عدم فروش، چه راه شرعی وجود دارد که بتوانم آن را

فروخته و از پولش استفاده کنم؟

اگر این شرط در ضمن هدیه بوده یا هبه مبنی بر آن بوده و مرادش از فروش، مطلق انتقال به غیر بوده؛ چه به صلح و چه فروش، در این صورت، برای تحصیل پول آن راهی برای فروش ندارید و نیز نمی‌توانید به صلح یا هبه به غیر منتقل کنید، ولی اگر مراد او فقط بیع بوده، صلح یا هبه یا بقیه‌ی معاملات جایز است.

وکالت به همسر



۱۷۸- مردی به عنوان شرط ضمن عقد به همسرش وکالت داده که اگر بدون اجازه‌ی او ازدواج مجدد نماید، زن وکیل در طلاق باشد. اکنون اگر مرد به علت نشوز زن با اخذ مجوز از دادگاه ازدواج نماید، آیا شرط ضمن عقد مبنی بر وکالت زوجه در طلاق به لحاظ تخلف زوج از آن شرط محقق می‌شود؟

در صورتی که در ضمن عقد، زوجه شرط وکالت بر طلاق کرده و وکالت بلاعزل در طلاق از همان حین عقد محقق شده است، لکن طلاق در صورت ارتکاب اموری مثل ازدواج مجدد است، در این صورت، مرد نمی‌تواند همسر خود را از وکالت عزل کند و اگر زن طلاق داد، طلاقش صحیح است؛ اگرچه ازدواج مجدد مرد به علت نشوز زن بوده است. ولی وکالت زن در طلاق صحیح بوده است.